



دومین همایش کشوری

پژوهش در توسعه سلامت

با محوریت

آترواسکلروز

Atherosclerosis

محور های همایش:

- روش های تشخیصی
- پاتوژنز و پاتوفیزیولوژی
- پیشگیری و ارتقای سلامت
- مراقبت های پرستاری و باز توانی
- درمان های دارویی و غیر دارویی

در آترواسکلروز و بیماری های قلبی و عروقی

برگزار کنندگان:

معاونت تحقیقات و فناوری

مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر

با همکاری:

معاونت درمان

پسبج جامعه پزشکی استان خراسان جنوبی

آدرس سایت:

www.bumsconf1391.ir

زمان برگزاری همایش: ۸ لغایت ۱۰ اسفند ۹۱

مهلت ارسال خلاصه مقالات: ۳۰ آذرماه ۹۱



دانشگاه علوم پزشکی بوشهر



دبیرخانه همایش: بیرجند-خیابان پهلوان-دولتشاه امام حسین (ع)-ساختمان مراکز تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی بیرجند-مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر

تلفن: ۵۶۱۳۳۷۷
پست الکترونیک: bums@bums.ac.ir





دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

دارای رتبه علمی - پژوهشی از کمیسیون نشریات علوم پزشکی کشور

ویژه نامه - دوره ۱۹، شماره ۵، زمستان سال ۱۳۹۱

شماره استاندارد

بین المللی:

۱۶۰۷-۲۱۹۷

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی بیرجند

مدیر مسئول: دکتر قاسم کریمی بندرآبادی

سر دبیر: دکتر مهدی بالالی مود

همکار سردبیر: دکتر اصغر زربان

مدیر اجرایی: دکتر محسن فؤادالدینی

مدیر پایگاه الکترونیکی: مهندس ابوالفضل کامرانی فرد

کارشناسان اجرایی: بتول بهجت نیا، فهیمه عربی آپسک، مریم معصومی

ویرایش علمی: دکتر محسن فؤادالدینی

ویرایش ادبی: حسین بیدختی

صفحه آرایی: طاهره آوان

کمیته علمی همایش (به ترتیب الفبا):

دکتر زهره آذرکار	دکتر محمود حسین زاده	دکتر مسعود ضیائی	دکتر محمود محمودی
دکتر آزاده ابراهیم زاده	طاهره خزاعی	دکتر فاطمه طاهری	دکتر حمیدرضا مشرقی مقدم
دکتر علیرضا احسانبخش	دکتر مجید خزاعی	دکتر فرشید عابدی	دکتر سید علی معزی
دکتر علی اکبر اسماعیلی	دکتر مصطفی داستانی	دکتر محمدرضا عابدینی	دکتر محمد ملکانه
دکتر محمد مهدی اعتمادی	دکتر محمدحسین داوری	دکتر هما فال سلیمان	دکتر میترا مودی
دکتر محمد افشار	دکتر محمد دهقانی فیروزآبادی	دکتر محسن فؤادالدینی	دکتر امید مهرپور
علی محمد ایزدپناه	دکتر محمدرضا رضوانی	دکتر آریتا فشارکی نیا	دکتر اسدالله میرزایی
دکتر بهنام باریک بین	دکتر اصغر زربان	دکتر طوبی کاظمی	دکتر محمدرضا میری
دکتر مهدی بالالی مود	دکتر محمد جواد زیبایی نژاد	دکتر قاسم کریمی	دکتر غلامعلی ناصح
دکتر بیتا بیجاری	سیدعلیرضا سعادت جو	دکتر رویا کلشادی	دکتر محمد نجفی سمنانی
دکتر مجید جعفر نژاد	غلامرضا شریف زاده	دکتر غلامرضا مرتضوی مقدم	دکتر محمدحسن نمایی
دکتر فاطمه حقیقی	دکتر مسعود صالحی	دکتر مهیار محمدی فرد	دکتر کوکب نمکین

نشانی دفتر مجله: بیرجند- صندوق پستی ۳۷۹-۹۷۱۷۵ تلفن: (داخلی ۵۵۳۳) ۴۴۴۳۰۴۱-۹ (۰۵۶۱) تلفن و نمابر: ۴۴۴۰۴۸۸ (۰۵۶۱)

پست الکترونیکی: jbums2007@yahoo.com پایگاه وب: www.journal.bums.ac.ir

این مجله با حمایت مالی معاونت آموزش و تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی بیرجند منتشر می شود.

استفاده از مطالب مندرج در این مجله با ذکر مأخذ مجاز می باشد.

مقالات این مجله در پایگاه های اطلاع رسانی EMRO، ISC (Islamic World Science Citation Center)، Index Copernicus، IranMedex،

Magiran و SID نمایه می شود.

شناسنامه همایش
دومین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت: با محوریت آترواسکلروز
8 الی 10 اسفندماه 1391

برگزار کنندگان:
معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر

با همکاری
معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
بسیج جامعه پزشکی خراسان جنوبی

رئیس همایش:

دکتر قاسم کریمی

نایب رئیس همایش:

دکتر اصغر زربان

دبیر علمی همایش:

دکتر طوبی کاظمی

همکار دبیر علمی:

دکتر محسن فوادالدینی

دبیر اجرایی همایش:

مهندس غلامرضا شریف زاده

همکار دبیر اجرایی:

دکتر علی دلخروشان - حسین بیدختی

اعضای کمیته علمی (به ترتیب حروف الفبا)

دکتر قاسم کریمی	دکتر محمدحسین داوری	دکتر زهره آذرکار
دکتر رویا کلیشادی	دکتر محمد دهقانی فیروزآبادی	دکتر آزاده ابراهیم زاده
دکتر غلامرضا مرتضوی مقدم	دکتر محمد رضا رضوانی	دکتر علیرضا احسانبخش
دکتر مهیار محمدی فرد	دکتر اصغر زربان	دکتر علی اکبر اسماعیلی
دکتر محمود محمودی	دکتر محمد جواد زیبایی نژاد	دکتر محمد مهدی اعتمادی
دکتر حمیدرضا مشرقی مقدم	سیدعلیرضا سعادت جو	دکتر محمد افشار
دکتر سید علی معزی	غلامرضا شریف زاده	علی محمد ایزدپناه
دکتر محمد ملکانه	دکتر مسعود صالحی	دکتر بهنام باریک بین
دکتر میترا مودی	دکتر مسعود ضیائی	دکتر مهدی بلالی مود
دکتر امید مهرپور	دکتر فاطمه طاهری	دکتر بیتا بیجاری
دکتر اسدالله میرزایی	دکتر فرشید عابدی	دکتر مجید جعفر نژاد
دکتر محمد رضا میری	دکتر محمد رضا عابدینی	دکتر فاطمه حقیقی
دکتر غلامعلی ناصح	دکتر هما فال سلیمان	دکتر محمود حسین زاده
دکتر محمد نجفی سمنانی	دکتر محسن فؤادالدینی	طاہره خزاعی
دکتر محمدحسن نمایی	دکتر آریتا فشارکی نیا	دکتر مجید خزاعی
دکتر کوکب نمکین	دکتر طوبی کاظمی	دکتر مصطفی داستانی

سخنرانان مدعو (به ترتیب حروف الفبا)

- 1- آقای دکتر محمد جواد زیبایی نژاد
- 2- آقای دکتر مجید خزاعی
- 3- خانم دکتر هما فال سلیمان
- 4- آقای دکتر مصطفی داستانی
- 5- آقای دکتر محمود محمودی
- 6- آقای دکتر محسن موهبتی
- 7- دکتر حمیدرضا مشرقی مقدم

اعضای کمیته اجرایی (به ترتیب حروف الفبا)

دکتر حمید آزاد مهر	محمدرضا رئیسون	دکتر فخر
مرضیه آخوندی	ناهید رحمانی	علی فرمهر
طاهره آوان	فاطمه رحیمی	علیرضا فرهادیان
سید محمد اسلامی نژاد	مهری رویاتی	سید محمود قطبانی
محمد سلمان احمدی	محمد باقر روزگار	ام البنین کاربر
احسان افکار	دکتر ولیا... زراعتکار	ابوالفضل کامرانی
نرجس بهلگردی	فاطمه سبزه کار	مسعود محتشمی
عباس جوادی	کبری سرچاهی	محمود مظفری
عباس چوپانی	محمد سعیدزاده	طاهره معروف
مهندس چوبداری	عباسعلی سلطان پور	حامد مودی
محمود چهکندی نژاد	رضا شاهوردی	مجید نجفی
حمید حسین پور	محمودرضا شفیع نیا	محمد حسین نوفرستی
امیررضا حسین زاده	راحله شهریاری	ملیکا نیک
حسین حسینی مقدم	پروین صاحبی	شیرعلی یعقوب پور
محمد حسین درمیانی	دکتر ابراهیم عبدالرزاق نژاد	
سوری صغری راغبی	حسن عظیمی	



دومین همایش کشوری
پژوهش در توسعه سلامت

بامحوریت

آترواسکلروز

Atherosclerosis

محور های همایش:

- روش های تشخیصی
- پاتوژنز و پاتوفیزیولوژی
- پیشگیری و ارتقای سلامت
- مراقبت های پرستاری و باز توانی
- درمان های دارویی و غیر دارویی

در آترواسکلروز و بیماری های قلبی و عروقی

برگزار کنندگان:

معاونت تحقیقات و فناوری
مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر

با همکاری:

معاونت درمان
پسج جامعه پزشکی استان خراسان جنوبی

آدرس سایت:

www.bumsconf1391.ir

زمان برگزاری همایش: ۸ لغایت ۱۰ اسفند ۹۱

مهلت ارسال خلاصه مقالات: ۳۰ آذرماه ۹۱



دانشگاه علوم پزشکی بوشهر



دبیرخانه همایش: بیرجند-خیابان پهلوان-دولت شاه امام حسین - ساختمان مراکز تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی بیرجند-مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر

تلفن: ۰۵۱۳۳۳۳۳۳۳
پست الکترونیک: bums@bums.ac.ir





دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

شماره استاندارد

بین‌المللی:

۱۶۰۷-۲۱۹۷

دارای رتبه علمی - پژوهشی از کمیسیون نشریات علوم پزشکی کشور

ویژه نامه - دوره ۱۹، شماره ۵، زمستان سال ۱۳۹۱

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی بیرجند

مدیر مسئول: دکتر قاسم کریمی بندرآبادی

سرمدیر: دکتر مهدی بالالی مود

همکار سرمدیر: دکتر اصغر زربان

مدیر اجرایی: دکتر محسن فؤادالدینی

مدیر پایگاه الکترونیکی: مهندس ابوالفضل کامرانی فرد

کارشناسان اجرایی: بتول بهجت‌نیا، فهیمه عربی آپسک، مریم معصومی

ویرایش علمی: دکتر محسن فؤادالدینی

ویرایش ادبی: حسین بیدختی

صفحه‌آرایی: مرضیه آوان

کمیته علمی همایش (به ترتیب الفبا):

دکتر زهره آذرکار	دکتر محمود حسین زاده	دکتر مسعود ضیائی	دکتر محمود محمودی
دکتر آزاده ابراهیم زاده	طاهره خزاعی	دکتر فاطمه طاهری	دکتر حمیدرضا مشرقی مقدم
دکتر علیرضا احسانبخش	دکتر مجید خزاعی	دکتر فرشید عابدی	دکتر سید علی معزی
دکتر علی اکبر اسماعیلی	دکتر مصطفی داستانی	دکتر محمدرضا عابدینی	دکتر محمد ملکانه
دکتر محمد مهدی اعتمادی	دکتر محمدحسین داوری	دکتر هما فال سلیمان	دکتر میترا مودی
دکتر محمد افشار	دکتر محمد دهقانی فیروزآبادی	دکتر محسن فؤادالدینی	دکتر امید مهرپور
علی محمد ایزدپناه	دکتر محمدرضا رضوانی	دکتر آریتا فشارکی‌نیا	دکتر اسدالله میرزایی
دکتر بهنام باریک‌بین	دکتر اصغر زربان	دکتر طوبی کاظمی	دکتر محمدرضا میری
دکتر مهدی بالالی مود	دکتر محمد جواد زیبایی نژاد	دکتر قاسم کریمی	دکتر غلامعلی ناصح
دکتر بیتا بیجاری	سیدعلیرضا سعادت‌جو	دکتر رویا کلیشادی	دکتر محمد نجفی‌سمنانی
دکتر مجید جعفر نژاد	غلامرضا شریف‌زاده	دکتر غلامرضا مرتضوی مقدم	دکتر محمدحسن‌نمایی
دکتر فاطمه حقیقی	دکتر مسعود صالحی	دکتر مهیار محمدی فرد	دکتر کوکب نمکین

نشانی دفتر مجله: بیرجند- صندوق پستی ۳۷۹-۹۷۱۷۵ تلفن: (داخلی ۵۵۳۳) ۴۴۴۳۰۴۱-۹ (۰۵۶۱) تلفن و نمابر: ۴۴۴۰۴۸۸ (۰۵۶۱)

پست الکترونیکی: jbums2007@yahoo.com پایگاه وب: www.journal.bums.ac.ir

این مجله با حمایت مالی معاونت آموزش و تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی بیرجند منتشر می‌شود.

استفاده از مطالب مندرج در این مجله با ذکر مأخذ مجاز می‌باشد.

مقالات این مجله در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی EMRO، ISC (Islamic World Science Citation Center)، Index Copernicus، IranMedex،

Magiran و SID نمایه می‌شود.

شناسنامه همایش
دومین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت: با محوریت آترواسکلروز
8 الی 10 اسفندماه 1391

برگزار کنندگان:
معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر

با همکاری
معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
بسیج جامعه پزشکی خراسان جنوبی

رئیس همایش:

دکتر قاسم کریمی

نایب رئیس همایش:

دکتر اصغر زربان

دبیر علمی همایش:

دکتر طوبی کاظمی

همکار دبیر علمی:

دکتر محسن فوادالدینی

دبیر اجرایی همایش:

مهندس غلامرضا شریف زاده

همکار دبیر اجرایی:

دکتر علی دلخروشان - حسین بیدختی

اعضای کمیته علمی (به ترتیب حروف الفبا)

دکتر قاسم کریمی	دکتر محمدحسین داوری	دکتر زهره آذرکار
دکتر رویا کلیشادی	دکتر محمد دهقانی فیروزآبادی	دکتر آزاده ابراهیم زاده
دکتر غلامرضا مرتضوی مقدم	دکتر محمد رضا رضوانی	دکتر علیرضا احسانبخش
دکتر مهیار محمدی فرد	دکتر اصغر زربان	دکتر علی اکبر اسماعیلی
دکتر محمود محمودی	دکتر محمد جواد زیبایی نژاد	دکتر محمد مهدی اعتمادی
دکتر حمیدرضا مشرقی مقدم	سیدعلیرضا سعادت جو	دکتر محمد افشار
دکتر سید علی معزی	غلامرضا شریف زاده	علی محمد ایزدپناه
دکتر محمد ملکانه	دکتر مسعود صالحی	دکتر بهنام باریک بین
دکتر میترا مودی	دکتر مسعود ضیائی	دکتر مهدی بلالی مود
دکتر امید مهرپور	دکتر فاطمه طاهری	دکتر بیتا بیجاری
دکتر اسدالله میرزایی	دکتر فرشید عابدی	دکتر مجید جعفر نژاد
دکتر محمد رضا میری	دکتر محمد رضا عابدینی	دکتر فاطمه حقیقی
دکتر غلامعلی ناصح	دکتر هما فال سلیمان	دکتر محمود حسین زاده
دکتر محمد نجفی سمنانی	دکتر محسن فؤادالدینی	طاہره خزاعی
دکتر محمدحسن نمایی	دکتر آریتا فشارکی نیا	دکتر مجید خزاعی
دکتر کوکب نمکین	دکتر طوبی کاظمی	دکتر مصطفی داستانی

سخنرانان مدعو (به ترتیب حروف الفبا)

- 1- آقای دکتر محمد جواد زیبایی نژاد
- 2- آقای دکتر مجید خزاعی
- 3- خانم دکتر هما فال سلیمان
- 4- آقای دکتر مصطفی داستانی
- 5- آقای دکتر محمود محمودی
- 6- آقای دکتر محسن موهبتی
- 7- دکتر حمیدرضا مشرقی مقدم

اعضای کمیته اجرایی (به ترتیب حروف الفبا)

دکتر حمید آزاد مهر	محمدرضا رئیسون	دکتر فخر
مرضیه آخوندی	ناهید رحمانی	علی فرمهر
طاهره آوان	فاطمه رحیمی	علیرضا فرهادیان
سید محمد اسلامی نژاد	مهری رویاتی	سید محمود قطبانی
محمد سلمان احمدی	محمد باقر روزگار	ام البنین کاربر
احسان افکار	دکتر ولیا... زراعتکار	ابوالفضل کامرانی
نرجس بهلگردی	فاطمه سبزه کار	مسعود محتشمی
عباس جوادی	کبری سرچاهی	محمود مظفری
عباس چوپانی	محمد سعیدزاده	طاهره معروف
مهشید چوبداری	عباسعلی سلطان پور	حامد مودی
محمود چهکندی نژاد	رضا شاهوردی	مجید نجفی
حمید حسین پور	محمودرضا شفیع نیا	محمد حسین نوفرستی
امیررضا حسین زاده	راحله شهریاری	ملیکا نیک
حسین حسینی مقدم	پروین صاحبی	شیرعلی یعقوب پور
محمد حسین درمیانی	دکتر ابراهیم عبدالرزاق نژاد	
سوری صغری راغبی	حسن عظیمی	

بررسی تاثیر انجام تکنیکهای آرام سازی در کاهش اضطراب، فشار خون و ضربان قلب

در برنامه توانبخشی بیماران قلبی

هاله برومند، هایده هاشمی زاده*

زمینه و هدف: افزایش آمار روزافزون بیماران قلبی در زندگی صنعتی امروز به جز استفاده مکرر از انواع داروهای قلبی شیمیایی رویکرد تازه ای را در درمان می طلبد. اضطراب از مهمترین ریسک فاکتورهای بیماران قلبی می باشد و هدف از این مطالعه نیز تعیین تاثیر تکنیکهای آرامسازی (relaxation) در انجام برنامه های توانبخشی قلبی در کاهش میزان اضطراب، فشار خون و ضربان قلب این بیماران بوده است.

روش تحقیق: در این مطالعه ۴۶ بیمار قلبی ۴۰ تا ۶۵ سال با میانگین سنی ۵۳ سال (زن و مرد) بطور تصادفی انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. طرح پژوهش از نوع قبل آزمون، پس آزمون و نیمه تجربی بود و برای هر بیمار در گروه آزمایش ۲۰ دقیقه تکنیکهای آرامسازی مثل نشستن در وضعیت راحت، شل کردن عضلات، بستن چشمها، تمرکز بر روی افکار مثبت، تنفس عمیق و ... انجام و سپس از پرسشنامه اضطراب Zung بعنوان ابزار پژوهش استفاده و فشار خون و نبض شرکت کنندگان قبل و بعد از انجام تکنیک ریلکسیشن اندازه گیری و با یکدیگر مقایسه شد.

یافته ها: میانگین فشار خون سیستولیک در گروه آزمایش قبل و پس از انجام تکنیک به ترتیب ۱۳/۴۲ و ۱۰/۷۸ اما در گروه کنترل ۱۱/۲۱ و ۱۰/۵۱ گزارش شد. همچنین ضربان قلب پس از انجام تکنیک به ترتیب ۸۴ و ۷۱ در گروه آزمایش و این شاخص در گروه کنترل ۷۷ و ۷۶ گزارش گردید.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد انجام تکنیک (relaxation) می تواند اثرات بالینی قابل توجهی در برنامه های توانبخشی قلبی در کاهش اضطراب بیماران داشته باشد. همچنین نتایج پژوهش تاثیر انجام این تکنیک را بر روی کاهش فشار خون سیستولیک و ضربان قلب نشان داده، اما نتایج حاکی از آن بود که تفاوت معنی داری در تاثیر این تکنیک بر روی فشار خون دیاستولیک مشاهده نشد.

واژه های کلیدی: تکنیکهای آرامسازی، توانبخشی قلبی، اضطراب

تغییرات سطح سرمی SDDL در بیماران مبتلا به سندرم حاد کرونری

مریم سادات علوی^{*}، مجید غیور مبرهن، محمد سوختانلو، تکتیم محمدپور، امیرعلی رهسپار، شیما تولایی، روشنک خجسته، رقیه پایدار،

مارال امینی، سیدمحمد رضا پریزاده، سعید اخلاقی، محمدرضا عمادزاده، Gordon A. Ferns

زمینه و هدف: آترواسکلروز عروق کرونر از شایعترین علل مرگ در کلیه جوامع بشری می باشد به همین علت شناخت عوامل خطر زمینه ساز آن اهمیت فراوانی دارد. با توجه به اینکه امروزه درصد بالایی از موارد درگیری عروق قلبی در افراد بدون عوامل خطر شناخته شده مانند فشار خون بالا، چاقی، هایپرلیپیدمی و ... رخ می دهد و نیمی از بیماران سطح نرمال LDL دارند، به همین علت محققین این فرضیه و سؤال را مطرح کردند که وضعیت کیفی LDL یعنی سایز و دانسیته آن جهت ابتلا به بیماری ایسکمیک قلبی از میزان کمی آن اهمیت بیشتری دارد و به همین علت مولکول LDL از نظر سایز به دو گروه تقسیم می شود: Large LDL (sdLDL) , Small dense LDL (sdLDL). که مولکول کوچک و با دانسیته کلسترولی بالاست به علت توانایی نفوذ بیشتر در جدار عروق و تمایل کمتر به گیرنده LDL نیمه عمر پلاسمایی بالایی دارد و نسبت به استرس های اکسیداتیو مقاومت بیشتری دارد و به همین علت از خاصیت آتروژنیسته بیشتری برخوردار است و به عنوان یکی از عوامل خطر جدید قلبی عروقی معرفی شده است. بدون شک در صورت اثبات اهمیت این عامل و تشخیص به موقع و درمان آن می تواند نقش مهمی در کنترل بیماریهای قلبی داشته باشد.

روش تحقیق: در این مطالعه تعداد ۲۰۴ بیمار مبتلا به سندرم حاد کرونری شامل ۱۰۴ بیمار مبتلا به انفارکتوس میوکارد (MI) و ۱۰۰ بیمار مبتلا به آنژین ناپایدار (UA) انتخاب شده دو نمونه خون وریدی به فاصله ۲۴ ساعت جهت بررسی سطح سرمی hsCRP و sdLDL گرفته می شود و نتایج با تعداد ۱۰۰ نفر فرد سالم در گروه کنترل مقایسه می شود.

یافته ها: با توجه به اینکه جنسیت در گروه ها از تفاوت معنی داری برخوردار بود، اثر آن با استفاده از آزمون های آماری حذف شد. بین سطح سرمی hsCRP و sdLDL در سه گروه MI و UA و کنترل، تفاوت معنی داری مشاهده شد (۰/۰۰۱). اما در مقایسه بین دو گروه MI و UA فقط hsCRP از تفاوت معنی داری برخوردار بود ($p=0.023$). بین نوبت اول و دوم hsCRP و sdLDL نیز تفاوت معنی داری مشاهده نشد. در بین ریسک فاکتورها شاخص توده بدنی (BMI) با sdLDL ارتباط معنی داری نشان داد و اکثریت بیماران BMI نرمال داشتند. ($P<0.001$)

نتیجه گیری: میزان سطح سرمی hsCRP و sdLDL در بیماران مبتلا به سندرم حاد کرونری در مقایسه با افراد سالم بالاتر است. ولی در دو گروه MI و UA سطح سرمی sdLDL تفاوتی ندارد، در حال آنکه سطح سرمی hsCRP در بیماران مبتلا به MI بیشتر است همچنین سطح سرمی دو فاکتور مذکور در ابتدای بستری با سطح آنها در روز دوم بستری تفاوتی ندارد. نکته آخر اینکه بیشتر حملات قلبی در BMI نرمال رخ می دهد.

واژه های کلیدی: آنفارکتوس میوکارد، آنژین ناپایدار، sdLDL، hsCRP

تأثیر مدل مراقبت مشارکتی بر میزان افسردگی و اضطراب بیماران مبتلا به نارسایی قلبی

هادی خوشاب^{*}، بهناز باقریان، عباس عباسزاده، عیسی محمدی، سیمین کهن، حمید ثمره راد

زمینه و هدف: افسردگی و اضطراب در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی شیوع فراوانی دارد و باعث تأثیرات منفی در پیش آگهی این بیماران از جمله کاهش میزان فعالیت و استفاده بیشتر از خدمات مراقبتی می شود.

روش تحقیق: این کارآزمایی بالینی یک مطالعه نیمه تجربی بود که در آن ۹۰ بیمار مبتلا به نارسایی قلبی از دو بیمارستان آموزشی شهر کرمان در سال ۱۳۹۰ شرکت داشتند. بیماران به صورت تصادفی دسترس در دو گروه شاهد و آزمون قرار گرفتند. مدل مراقبت مشارکتی که شامل ۴ مرحله انگیزش، آماده سازی، اجرا و ارزشیابی بود، در گروه مداخله اجرا گردید. سطح اضطراب و افسردگی هر دو گروه توسط ابزار بک سنجیده شد. داده ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ و آزمون های آماری t زوجی و کای اسکوار تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: میانگین نمرات اضطراب در گروه شاهد و آزمون قبل از اجرای مداخله به ترتیب $32/73 \pm 10/23$ و $33/45 \pm 11/83$ بود که این نمرات بعد از اجرای مداخله به $35/32 \pm 10/10$ (در گروه شاهد) و $13/96 \pm 5/05$ (در گروه آزمون) رسید ($p < 0/001$). قبل از اجرای مداخله در گروه شاهد و آزمون، میانگین نمرات افسردگی در گروه شاهد $24/73 \pm 8/21$ و در گروه آزمون $26/97 \pm 10/40$ بود، که بعد از اجرای مداخله، به ترتیب به $29/14 \pm 8/62$ در گروه شاهد و $13/26 \pm 4/25$ در گروه آزمون کاهش پیدا کرد ($p < 0/001$).

نتیجه گیری: استفاده از مدل مراقبت مشارکتی، می تواند سطح اضطراب و افسردگی بیماران مبتلا به نارسایی قلبی را کاهش دهد. بنابراین استفاده از این مدل در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی برای کنترل و کاهش اضطراب و افسردگی توصیه می شود.

واژه های کلیدی: نارسایی قلبی، اضطراب، افسردگی، مدل مراقبت مشارکتی

پیش بینی وجود اختلال عملکرد سیستمیک بعد از انفارکتوس میوکارد با استفاده از معیار سایتوکاینهای چندگانه در بالین بیمار: ادغام روشهای تشخیصی بزاقی با عملکرد بالینی

حبیب حی بر*، محمدرضا بزرگمنش

زمینه و هدف: هدف از انجام این مطالعه بررسی احتمال این می باشد که ترکیب اندازه گیری پلاسمایی و بزاقی اینترلوکین^۲(IL-2)، اینترلوکین^۶(IL-6)، فاکتور نکروز تومور آلفا (TNF- α) فاکتور رشد تومور بتا (TGF- β) و تروپونین می تواند در بیماران با سابقه MI اخیر، احتمال وقوع اختلال عملکرد سیستمیک بطن چپ (LVSD) را کاهش دهد.

روش تحقیق: در این مطالعه ۸۰ بیمار با MI تازه تشخیص داده شده با روش اکوکاردیوگرافی از نظر وجود LVSD معاینه شدند (کسر تخلیه $\geq 40\%$). معیارها شامل فاکتورهای خطر سنتی برای MI، میزان غلظت تروپونین در پلاسما و بزاق، IL-2، IL-6، TNF- α و TNF- β بودند. با LVSD به عنوان متغیر برآیند، ما تعدادی از مدل‌های NESTED LOGISTIC REGRESSION طراحی کردیم که با مدل‌های پایه ای در ترکیب با فاکتورهای خطر سنتی شروع شده و به ترتیب بیومارک‌های بزاقی و پلاسما را افزودیم. مدل‌ها با استفاده از معیارهای متعدد که شامل (نه محدود به) C STATISTIC (discrimination) و net reclassification improvement index (NRI) بود مقایسه شدند.

یافته ها: جدای از تروپونین، مقادیر بزاقی و سرمی بیومارک‌ها ارتباط سنجی شد: SPEARMAN'S P معادل ۰.۱۹ ($P=0.088$) برای تروپونین، ۰.۳۶ ($P=0.001$) برای IL-2، ۰.۷۴ ($P<0.001$) برای IL-6، ۰.۶۱ ($P<0.001$) برای TNF- α و ۰.۶۵ ($P<0.001$) برای TGF- β بود. عملکرد پیش بینی شده مدل پایه برای تخمین احتمال پره تست وجود LVSD هنگام افزودن سایتوکاینها بطور قابل ملاحظه ای بهبود یافت (بزاق افزوده شده): C-statistic از ۰.۷۷ به ۰.۸۲ و NRI ۰.۷۷٪ (پلاسمای افزوده شده): C-statistic: به ۰.۸۰ و NRI ۰.۱۳۴٪.

نتیجه گیری: بیومارک‌های متعدد ارزش تشخیصی به فاکتورهای خطر استاندارد برای پیش بینی وجود LVSD بعد از MI افزودند. ادغام روشهای تشخیصی بزاقی با عملکرد بالینی حوزه قلب میتواند افق تازه ای جهت امکان پیش بینی مرگ و میر و عوارض بعد از MI در بالین بیمار باشد.

واژه های کلیدی: اختلال عملکرد سیستمیک، سایتوکاین، انفارکتوس میوکارد

بررسی تاثیر آموزش بهداشت بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر پیشگیری از

پرفشاری خون در نوجوانان

زهرا راهنورد*

زمینه و هدف: پرفشاری خون یکی از مهم ترین معضلات عمومی در کشور است که امید به زندگی را کاهش داده و با عوارض برگشت ناپذیر قلبی، مغزی و کلیوی همراه است. شیوع این بیماری به دنبال افزایش امید به زندگی و بالا رفتن استرس شهرنشینی به سرعت رو به افزایش است، در حالی که سن ابتلا به پرفشاری خون بخصوص در کشورهای در حال توسعه در حال کاهش می باشد. هدف از این مطالعه تعیین تاثیر آموزش بهداشت بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده بر پیشگیری از ابتلا به پرفشاری خون در نوجوانان مدارس راهنمایی دخترانه می باشد.

روش تحقیق: این مطالعه نیمه تجربی در مدارس راهنمایی دخترانه منطقه ۱۷ شهرداری تهران می باشد. نمونه ها شامل ۸۰ نوجوان دختر از مدارس راهنمایی (۴۰ نفر در هر یک از دو گروه مداخله و کنترل) بود که به روش تصادفی در دو مرحله انتخاب شدند. آموزش بر اساس مدل رفتار برنامه ریزی شده در دو بعد تغذیه و فعالیت جسمی در جهت پیشگیری از ابتلا به پرفشاری خون با روش کارگاهی ارائه شد. اطلاعات طی دو مرحله قبل و بعد از آموزش جمع آوری گردید.

یافته ها: قبل از آموزش دو گروه از نظر متغیرهای دموگرافیک و هم چنین از نظر متغیرهای مربوط به اجزاء نظریه همگن بودند. مقایسه دو گروه مداخله و کنترل بعد از آموزش نشان داد که در بعد تغذیه همه اجزای نظریه یعنی نگرش، هنجار ذهنی، کنترل درک شده رفتار و قصد رفتار در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل افزایش معنادار یافت. در بعد فعالیت جسمانی، در گروه مداخله، نگرش، کنترل درک شده رفتار و قصد رفتار افزایش معنادار یافتند ولی در مورد هنجار ذهنی در دو گروه اختلاف معنادار آماری حاصل نشد.

نتیجه گیری: آموزش بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده برای پیشگیری از ابتلا به پرفشاری خون در نوجوانان موثر می باشد.

واژه های کلیدی: آموزش، نظریه رفتار برنامه ریزی شده، پرفشاری خون، تغذیه و فعالیت جسمی

مقایسه اثرات آنتی لیپیدمیک عصاره الکلی تیغه میانی گردو با داروی مت فورمین

در رتھای دیابتی

زھرا قیروانی^{*}، مھران حسینی، محمد حسن پور فرد

زمینه و هدف: در سالهای اخیر شمار مبتلایان به دیابت در دنیا افزایش چشمگیری داشته است. هیپرلیپیدمی ایجاد شده توسط دیابت از عوامل خطر اصلی بروز آترواسکلروز عروق بوده و کنترل آن در پیشگیری از بیماری های قلبی و عروقی اهمیت زیادی دارد. از آنجایی که گردو در طب سنتی ایران دارای خاصیت کاهش دهنده قند و چربی خون می باشد استفاده از آن می تواند در پیشگیری از ایجاد و پیشرفت آترواسکلروز موثر باشد. بنابر این مطالعه ی حاضر به منظور بررسی اثرات آنتی لیپیدمیک عصاره الکلی تیغه میانی گردو با داروی مت فورمین در رتھای دیابتی اجرا گردید.

روش تحقیق: در این مطالعه ی تجربی ۵۰ سر رت نر نژاد ویستار در ۵ گروه (۳ گروه آزمایش و ۲ گروه کنترل) به صورت تصادفی قرار گرفتند. رتھای دیابتی شده با آلوکسان با دو دوز ۲۰۰ و ۴۰۰ (mg/kg) از عصاره الکلی تیغه میانی گردو محلول در نرمال سالین، روزانه یکبار بمدت ۴ هفته گاوژ شدند. همچنین گروه کنترل منفی دیابتی و گروه کنترل مثبت دیابتی روزانه به ترتیب مورد گاوژ با نرمال سالین و متفورمین (دوز ۵۰ mg/kg) قرار گرفتند. پس از خونگیری و جدا سازی پلاسما پارامترهای چربی نظیر: کلسترول تام، تری گلیسیرید، LDL-c، HDL-c با استفاده از کیتھای تشخیصی استاندارد اندازه گیری شد و اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که عصاره الکلی تیغه میانی گردو در هر دو دوز به ویژه در دوز ۲۰۰ (mg/kg) از افزایش کلسترول، تری گلیسیرید و LDL-C در رتھای دیابتی بطور معنی داری در مقایسه با گروه دیابتی جلوگیری کرد ($p < 0.05$). اما متفورمین نتوانست افزایش این پارامترها را مهار کند و در جلوگیری از دیس لیپیدمی بجز کاهش تری گلیسیرید موثر نبود.

نتیجه گیری: مصرف گردو دارای آثار کاهندگی میزان چربی های خون بوده و احتمالاً موجب توزیع بهتر چربی ها در بین زیر گروه های چربی می شود.

واژه های کلیدی: گردو، تیغه میانی، آنتی لیپیدمیک، دیابت

بررسی رابطه بین توکل به خداوند و اضطراب در بستگان درجه اول بیماران بستری در بخشهای ICU و CCU بیمارستان ولی عصر (عج) و ICU بیمارستان امام رضا (ع) شهر بیرجند

محمد رضا میری^{*}، محمد مهدی دیانی، مهرداد پورکاظمی، رضا حسینی صفت

زمینه و هدف: در عصر حاضر رشد و پیشرفت روزافزون بشر در جنبه‌های مختلف کاملاً محسوس است. انسان معاصر با بهره‌مندی از فن‌آوری‌های پیچیده و ابزارهای ارتباطی گسترده توانمندیهای فراوانی به دست آورده است. سرعت و شتاب به عنوان ارمغان فن‌آوری و ارتباطات به تمام زوایای زندگی بشر نفوذ کرده است. اضطراب و افسردگی، بعنوان متداولترین و شایعترین، مشکلات روانی افراد یکی از معضلات عمده جوامع معاصر می‌باشد.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی تحلیلی تعداد ۲۵۰ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند که به روش نمونه‌گیری ساده انجام شد، به این صورت که ابتدا از بخشهای ICU بیمارستانهای ولی عصر (عج) و امام رضا (ع) و همچنین CCU بیمارستان ولی عصر (عج) بیماران بستری در بخش انتخاب شده و سپس از بستگان درجه اول، کسانی که مایل به همکاری بودند انتخاب شدند و پرسشنامه به صورت حضوری تکمیل گردید. پس از ارائه توضیحات لازم به افراد مورد مطالعه اطلاعات مورد نیاز توسط پرسشنامه استاندارد کتل (شامل ۴۰ سؤال، ۲۰ سؤال مربوط به اضطراب نهان و ۲۰ سؤال مربوط به اضطراب آشکار) و پرسشنامه استاندارد توکل (شامل ۲۴ سؤال) جمع‌آوری شد. این پرسشنامه‌ها اطلاعات دموگرافیک را نیز در بر می‌گرفت. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها داده‌ها در نرم‌افزار SPSS وارد شده و از ضریب همبستگی پیرسون Pearson و آزمون T-test group برای سنجش تفاوت‌های بین گروه دارای نمره $(Mean \pm 1SD)$ و آزمون ANOVA استفاده شد.

یافته‌ها: در این مطالعه ۶۲/۸٪ زن و ۳۷/۲٪ مرد، ۸۰٪ شهری و ۲۰٪ روستایی، ۳۶/۴٪ روان آزاده و ۳۴/۸٪ سطح اضطراب متوسط و ۱۸/۸٪ اضطراب شدید وجود داشت و تنها ۱۰٪ آرام بودند. میانگین نمره توکل $71/56 \pm 11/25$ بود و ۱۴/۴٪ سطح توکل قوی و ۶۹/۶٪ توکل متوسط و ۱۶٪ توکل ضعیف داشتند. بین سن و نمره اضطراب نهان، نمره توکل و نمره اضطراب نهان، آشکار و کل، اضطراب نهان با سن، نمره توکل، نمره اضطراب آشکار و کل، نمره اضطراب آشکار با نمره توکل، نمره اضطراب نهان و کل، نمره اضطراب کل با نمره توکل، نمره اضطراب نهان و آشکار ارتباط وجود داشت. بین میانگین نمره اضطراب و جنس، محل سکونت ارتباط وجود نداشت ولی بین میانگین نمره توکل و جنس ارتباط وجود داشت.

نتیجه‌گیری: افراد با سطح تحصیلات بالا از توکل بالاتری نسبت به بقیه افراد برخوردارند. جنس افراد نیز می‌تواند در سطح توکل آنها تأثیر گذار باشد که در این مطالعه میانگین نمره توکل در زنان بالاتر از مردان بود. همچنین میزان توکل با افزایش سطح تحصیلات افزایش داشت. توکل بر خدا می‌تواند از اضطراب روزانه بکاهد و هر چقدر ایمان به خدا بیشتر باشد توکل نیز بیشتر خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: اضطراب، توکل، بیماری

*استادیار آموزش بهداشت و عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

miri_moh2516@yahoo.com

Journal of Birjand University of Medical Sciences. 2013;19(5 Sup). Available from URL: <http://journal.bums.ac.ir>

گرلین ضخامت انتیما- مدیای آئورت و تعداد و اندازه سلولهای چربی

را در موشهای طبیعی و چاق تغییر نمی دهد

رویا طاهر گورابی*، بهمن رشیدی، مجید خزاعی

زمینه و هدف: آترواسکلروز یک بیماری ایمنی- التهابی مزمن است که عموماً منجر به بیماری ایسکمیک قلبی می گردد. گرلین دارای چندین اثر تنظیمی و تعدیلی بر سیستم قلبی- عروقی است. در این مطالعه ما اثر گرلین بر ضخامت انتیما مدیای آئورت و اندازه و تعداد سلولهای چربی را در موشهای چاق و کنترل بررسی کردیم.

روش تحقیق: این مطالعه بر روی ۲۴ موش نر C57BL/6 انجام شد. حیوانات به ۴ گروه شامل کنترل، چاق (غذای پرچرب دریافت کردند)، کنترل + گرلین (تزریق زیر جلدی $100 \mu\text{g/kg}$ دو بار در روز) و چاق + گرلین تقسیم شدند (تعداد در هر گروه=۶). بعد از ۱۰ روز حیوانات کشته شدند و بافت چربی اپی دیدیم و آئورت توراسیک شان برداشته شد. تعداد و اندازه سلولهای چربی و ضخامت انتیما- مدیای آئورت بررسی شد.

یافته ها: گرلین تعداد و اندازه سلولهای چربی و ضخامت انتیما- مدیای آئورت را در موشهای چاق و کنترل تغییر نداد. در این مطالعه، رژیم غذایی پرچرب بطور معنی داری تعداد سلولهای چربی را کاهش اما اندازه آنها را افزایش داد. با تزریق گرلین تعداد سلولهای چربی در گروههای چاق و کنترل تفاوت معنی داری نداشت. رژیم غذایی پرچرب تشکیل رگه های چربی (fatty streak) را افزایش داد اما میزان تشکیل رگه های چربی در گروههای چاق و کنترل بین آنهایی که گرلین دریافت کردند و آنهایی که دریافت نکردند تفاوت معنی داری نداشت.

نتیجه گیری: اگرچه گرلین اثرات قلبی- عروقی متعددی دارد به نظر می رسد که نتوانسته است اندازه تعداد سلولهای چربی و ضخامت انتیما- مدیای آئورت را در موشهای چاق القاء شده بر اثر رژیم غذایی تغییر دهد.

واژه های کلیدی: چاقی، گرلین، آترواسکلروز، سلول چربی

بررسی ارتباط بین پرخاشگری و خطر بروز آترواسکلروز عروق کرونر

سمیه خضولو*

زمینه و هدف: پژوهش های پیشین درباره اتیولوژی آترواسکلروز عروق کرونر در ایران ، غالباً بر ریسک فاکتورهای پزشکی و بالینی تأکید داشتند. اما درباره ریسک فاکتورهای رفتاری آترواسکلروز عروق کرونر، مانند خصومت و خشم ، پژوهشهای اندکی در ایران انجام شده است. مطالعه حاضر با هدف تعیین تفاوت بین بیماران با علائم آترواسکلروز شریان کرونر (مورد) و افراد سالم (شاهد) از نظر خصومت و خشم انجام شد.

روش تحقیق: پژوهش حاضر در قالب یک طرح مورد- شاهد انجام شد. داده ها از ۷۰ بیمار با علائم آترواسکلروز عروق کرونر (مورد) که به بیمارستان سیدالشهداء ارومیه مراجعه کرده بودند و ۷۰ نفر سالم از لحاظ عروق کرونر و سلامت قلبی عروقی (شاهد)، جمع آوری گردید. دو گروه به پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (PBAQ) پاسخ دادند.

یافته ها: تفاوت معنی داری میان بیماران و افراد سالم از نظر خصومت ($P < 0/05$) و خشم ($P < 0/001$) وجود داشت. تحلیل رگرسیون لجستیک چندگانه به شیوه سلسله مراتبی نیز نشان داد که متغیرهای اجتماعی- جمعیت شناختی و بالینی (مرحله ۱) بین ۳۸/۵ تا ۴۲/۵ درصد و متغیرهای خصومت و خشم (مرحله ۲) ۶/۴ الی ۱۲ درصد از واریانس متغیر ملاک ابتلا به آترواسکلروز شریان کرونر را تبیین کردند.

نتیجه گیری: خشم از جمله ریسک فاکتورهای نیرومند برای آترواسکلروز عروق کرونر در جمعیت های ایرانی هستند. بنابراین به منظور کاهش نرخ بروز آترواسکلروز عروق کرونر لازم است در کنار مداخله های پزشکی، به مداخله های رفتاری در جهت تعدیل رفتارهای مبتنی بر خصومت و خشم توجه شود.

واژه های کلیدی: آترواسکلروز، عروق کرونر، پرخاشگری

بررسی تاثیر ملاقات برنامه ریزی شده بر وضعیت شاخصهای فیزیولوژیک بیماران

سندرم کرونری حاد بستری در بخش مراقبت ویژه قلبی

رزا احمدیان یزدی *

زمینه و هدف: برای بیماران بستری در بخش های مراقبت ویژه اغلب محدودیت های ملاقاتی اعمال می شود. برخی بر این باور هستند که ملاقات برای این بیماران نه تنها مضر نیست بلکه دارای تاثیرات مثبت نیز هست. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر ملاقات برنامه ریزی شده بر فاکتورهای فیزیولوژیک بیماران مبتلا به سندرم کرونری حاد بستری در بخش مراقبت ویژه قلبی انجام گرفت.

روش تحقیق: این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی می باشد که بر روی ۷۲ بیمار سندرم کرونری حاد بستری در بخش مراقبت ویژه قلبی در یکی از بیمارستانهای تهران انجام گرفت. در این مطالعه از روش نمونه گیری در دسترس مبتنی بر هدف استفاده شد که بیماران به صورت تصادفی در دو گروه آزمون و شاهد تقسیم شدند. در این پژوهش برنامه ملاقات برنامه ریزی شده عبارت بود از اجرای سه نوبت ملاقات در روز در گروه آزمون و در مقابل یک نوبت ملاقات روتین برای گروه شاهد. متغیرهای مورد مطالعه شامل شاخصهای فیزیولوژیک فشار خون، ضربان قلب، تنفس و دیسریتمی های قلبی بیماران بود.

یافته ها: میانگین فشار سیستولیک بیماران در گروه آزمون از ۱۲۴/۲ در روز اول به ۱۱۷/۲ در روز سوم به طور معنی داری کاهش یافته بود ($p=0/004$) این میانگین در گروه شاهد از ۱۲۱/۴ در روز اول به ۱۲۲/۷ در روز سوم افزایش یافته بود ($p=0/487$). میانگین فشار دیاستولیک در گروه آزمون به طور معنی داری از ۷۴/۹ در روز اول به ۷۱/۲ کاهش یافته بود ($p=0/041$)، در گروه شاهد میانگین از ۷۳/۸ به ۷۵/۴ در روز سوم افزایش یافت ($p=0/220$). تعداد ضربان قلب بیماران در گروه آزمون از ۷۱/۳ به ۶۹/۵ در روز سوم بستری کاهش یافت ($p=0/372$)، در گروه شاهد این متغیر در روز سوم نسبت به روز اول از ۷۰/۲ به ۷۲/۵ افزایش یافته بود ($p=0/119$). تعداد تنفس در گروه آزمون از ۱۶/۹ به ۱۷/۰۵ افزایش یافته بود ولی این افزایش معنی دار نبود ($p=0/862$)، این متغیر در گروه شاهد از ۱۷/۱ در روز اول به ۱۸/۰۱ در روز سوم بستری به طور معنی داری افزایش یافته بود ($p=0/001$). میانگین تعداد دیس ریتمی حین ملاقات در گروه آزمون ۰/۰۱۵ و در گروه شاهد ۰/۴۶ بود که این اختلاف از نظر آماری معنی دار بود ($P=0/004$).

نتیجه گیری: برنامه ملاقات برنامه ریزی شده در مقابل ملاقات محدود می تواند تاثیر مثبتی بر کاهش استرس و به تبع آن تعدیل شاخصهای فیزیولوژیک این بیماران باشد.

واژه های کلیدی: ملاقات برنامه ریزی شده، بخش مراقبت ویژه قلبی، شاخصهای فیزیولوژیک

تاثیر گرما درمانی بر شدت درد و شاخص مچ پا - بازویی (ABI) بیماران مبتلا به

اختلالات انسدادی مزمن شریان‌های محیطی

محمد هادی سروری*، حمید چمنزاری، غلامحسین کاظمزاده

زمینه و هدف: اختلالات انسدادی مزمن شریان‌های محیطی از بیماری‌های شایع و پرعارضه و آزاردهنده و گاهی زمین‌گیر کننده می‌باشد که عمدتاً اندام تحتانی را درگیر می‌کند. می‌توان گفت که این بیماری شایع‌ترین علت معلولیت و ناتوانی است. هدف از مطالعه فوق بررسی تاثیر گرمادرمانی بر کاهش شدت درد و بهبود شاخص مچ پا - بازویی (ABI) بیماران مبتلا به اختلالات انسدادی مزمن شریان‌های محیطی می‌باشد.

روش تحقیق: در این کارآزمایی بالینی ۶۰ بیمار مبتلا به اختلالات انسدادی مزمن شریان‌های محیطی به روش نمونه‌گیری در دسترس و تخصیص تصادفی به دو گروه کنترل (۳۰ نفر) و آزمون (۳۰ نفر) انتخاب شدند. در ابتدا پرسشنامه مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک و سابقه و وضعیت بیماری برای تمامی بیماران تکمیل شد. سپس شدت درد و شاخص مچ پا - بازویی (ABI) آنان قبل از مداخله اندازه‌گیری شد. شدت درد بوسیله مقیاس عددی ارزیابی شدت درد و شاخص ABI بوسیله تقسیم بالاترین فشار سیستولیک مچ پا بر بالاترین فشار سیستولیک بازویی اندازه‌گیری شد. پای بیماران در گروه آزمون در یک ظرف آب گرم با حرارت ۴۱ درجه سانتی‌گراد به مدت ۲۰ دقیقه قرار گرفت. بعد از گرمادرمانی مجدداً شدت درد و شاخص ABI بیماران گروه آزمون اندازه‌گیری شد. این کار به مدت ۵ روز پیاپی انجام شد. بیماران گروه کنترل در طی ۵ روز فقط درمانهای دارویی روتین بخش را دریافت کردند و هر روز نیز شدت درد و شاخص ABI آنان اندازه‌گیری و ثبت شد. در بیمارانی که درد در حال استراحت نداشتند و با پیاده‌روی دچار درد می‌شدند توصیه شد که اقدام به پیاده‌روی معمولی تا شروع درد در پایشان بنمایند. یعنی در این بیماران بجای شدت درد، مدت زمان پیاده‌روی بدون درد اندازه‌گیری شد.

یافته‌ها: میانگین شدت درد بیماران گروه آزمون بعد از مداخله کاهش معنی‌داری را نشان داد ($P=0/000$). میانگین مدت زمان پیاده‌روی بدون درد بعد از مداخله نیز افزایش یافت ($P\leq 0/05$) ولی افزایش معناداری در میانگین شاخص ABI کلی بیماران بعد از مداخله نسبت به قبل از آن در گروه آزمون ایجاد نشد ($P>0/05$). میانگین شدت درد، مدت زمان پیاده‌روی بدون درد و شاخص ABI بیماران گروه کنترل در طی ۵ روز تفاوت معنی‌داری را نشان نداد ($P>0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که گرمادرمانی با آب گرم باعث کاهش شدت درد و افزایش مدت زمان پیاده‌روی بدون درد در بیماران گروه آزمون شد، ولی بر بهبود شاخص ABI بیماران تغییری ایجاد نکرد.

واژه‌های کلیدی: اختلالات انسدادی مزمن شریان‌های محیطی، گرمادرمانی، درد، شاخص مچ پا - بازویی

سود و زیان استاتین ها در بیماری های ریوی

سید غلامرضا مرتضوی مقدم*

زمینه و هدف: در بروز بیماری های ریوی و بیماری های قلبی ممکن است عوامل مشترکی مثل سیگار دخیل باشند. لذا ممکن است درمان های مشترکی نیز در نظر گرفته شود. استاتین ها امروزه کاربرد وسیعی در بیماری های قلبی و عروقی پیدا کرده اند. مطالعاتی در مورد اثرات آنها روی ایجاد و یا پیشگیری از بیماری های ریوی هم صورت گرفته است.

روش تحقیق: مطالعه یک مطالعه مروری ساده است که موضوعات مرتبط با اثرات مفید یا مضر استاتین ها را در ایجاد یا پیشگیری بیماری های اینتراستیسیل ریه، COPD، آسم، کانسر ریه و آمبولی ریه را مورد بحث قرار خواهد داد.

یافته ها: مطالعات انجام شده در مورد عوارض ریوی این دارو ها اغلب به صورت گزارش مورد بوده و نشان داده است که احتمالاً این داروها در ایجاد فیروز در ریه و تسریع پیشرفت بیماری اینتر استیسیل نقش دارند. به نظر می رسد مکانیزم شبیه به اثر آمیودارون باشد. اما COPD و آسم به عنوان بیماریهای التهابی سیستمیک مطرح می شوند و استاتین ها دارای نقش ضد التهابی هستند و می توانند در کاهش ریت پیشرفت بیماری COPD، کاهش ریت پیر شدن ریه، و بهبود عملکرد ریه در بیماران مبتلا به آسم مفید باشند. در کانسر ریه نیز با افزایش بقای بیماران همراه می باشند و در درمان بیماران مبتلا به ترومبوز وریدی به عنوان یک درمان کمکی مطرح می باشد و احتمالاً می توانند ریت ترومبوز را در افراد در معرض خطر کاهش دهند.

نتیجه گیری: مطالعات نقش مفید استاتین ها را در آسم، COPD، کانسر ریه را می رساند ولی در بیماری های اینتر استیسیل ریه اثر منفی دارند. با این وجود دلیل اینکه بسیاری از این مطالعات مورد شاهی و یا گزارش موردی بوده اند، نتایج قطعی نبوده و احتیاج به مطالعات RCT وجود دارد.

واژه های کلیدی: استاتین ها، COPD، ILD، آسم

ارزیابی ترکیب اسیدهای چرب سیس و ترانس پیه گوسفندی مصرفی

در شهرستان‌های استان خراسان جنوبی

محمد ملکانه^{*}، سید جواد حسینی و اشان، علی اله رسانی، علی محمدی

زمینه و هدف: ترکیب اسید چرب منابع خوراکی انسان بر میزان بروز بیماری‌ها قلبی-عروقی و آترواسکلروز تأثیر می‌گذارد. یکی از دلایل عمده بروز این بیماری‌ها، ترکیب رژیم غذایی بویژه ترکیب اسیدهای چرب و میزان اسید چرب ترانس در خوراک می‌باشد. با افزایش میزان اسیدهای چرب ترانس و اسیدهای چرب امگا-۶ در برنامه غذایی انسان، خطر بروز بیماری‌های قلبی-عروقی افزایش می‌یابد. اسیدهای چرب ترانس باعث کاهش HDL و افزایش میزان لیپوپروتئین a و LDL و تری گلیسرید شده و از متابولیسم اسیدهای چرب ضروری ممانعت می‌نماید، به همین منظور ترکیب اسیدهای چرب پیه گوسفندی مصرفی در شهرستان‌های استان خراسان جنوبی مورد ارزیابی قرار گرفت.

روش تحقیق: تعداد ۵ نمونه پیه حیوانی از محل کشتارگاه‌های دام سریش، نهندان، اسدیه، قائن، فردوس، سرایان و بشرویه تهیه و بلافاصله نمونه‌ها فریز گردید و تا زمان استخراج چربی آن‌ها در فریزر -80°C نگهداری شد. پس از جمع‌آوری تمام نمونه‌ها، چربی استخراج و متیله گردید. سپس نوع و درصد اسید چرب در مقایسه با زمان پیک و مقدار پیک استاندارد و روش استاندارد داخلی تعیین گردید و سپس آنالیز آماری داده‌ها به کمک نرم افزار SAS انجام شد.

یافته‌ها: مقدار اسیدهای چرب لوریک، مریتولیک، پالمیتولیک سیس و ترانس، ایکوزانویک، ایکوزامونویک، ایکوزادی‌انویک، آراشیدونیک، ایکوزاپنتانویک، دکوزاترانویک و دکوزاپنتانویک و مقدار کل اسیدهای چرب اشباع در پیه گوسفند‌های مناطق مختلف استان تفاوت معنی‌داری نشان داد. مقدار اسیدهای چرب مریتیک، پالمیتیک، استئاریک، اولئیک، لینولیک، لینولنیک و ایکوزاتری‌انویک و دکوزاهگزانویک پیه گوسفندی در مناطق مختلف استان تفاوت معنی‌داری نشان داد مقدار اسیدهای چرب غیراشباع با یک پیوند دوگانه در سریش بالاترین و سرایان کمترین بود و مقدار اسیدهای چرب غیراشباع امگا-۶ و ترانس در بیرجند بالاترین و بشرویه کمترین و مقدار اسیدهای چرب غیراشباع امگا-۳ در فردوس بالاترین و در سریش کمترین بود.

نتیجه گیری: پیه گوسفندی منطقه فردوس و سریش به ترتیب بدلیل دارا بودن سطح بالاتر اسیدهای چرب امگا-۳ و MUFA در کاهش بروز آترواسکلروز دارای اهمیت می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: اسیدهای چرب سیس، ترانس، پیه گوسفندی، استان خراسان جنوبی

بررسی وضعیت لیپید های سرم در کودکان دبستانی شهر بیرجند سال ۱۳۹۱

طوبی کاظمی^{*}، فاطمه طاهری، کوکب نمکین، محمود زردست، طیبه جهکندی، بیتا بیجاری

زمینه و هدف: بیماریهای عروق کرونر یکی از مشکلات اصلی سلامت در استان خراسان جنوبی است. اما در مورد وضعیت فاکتورهای خطر در کودکان اطلاعات کمی در دست است. در این مطالعه ما به بررسی وضعیت دیس لیپیدی های سرم در کودکان دبستانی شهر بیرجند پرداختیم.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۱ بر روی ۱۶۲۱ دانش آموز دبستانی شهر بیرجند انجام شد. روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای سهمی بود. بعد از ۱۲ ساعت ناشتایی از کودکان نمونه خون جهت اندازه گیری کلسترول، تری گلیسرید، HDL و LDL گرفته شد. سپس داده ها وارد نرم افزار SPSS شد و با استفاده از آزمون های آماری T-test و X2 آنالیز گردید.

یافته ها: در این مطالعه ۸۹۳ دختر (۵۵.۱٪) و ۷۲۸ پسر (۴۴.۹٪) شرکت کردند. بامیانگین 9.4 ± 1.6 سال، میانگین کلسترول 168.4 ± 28.7 میلی گرم در دسی لیتر، میانگین تری گلیسرید 81.3 ± 37.2 میلی گرم در دسی لیتر، LDL 95.3 ± 23.3 ، HDL 52.1 ± 10.8 بود. میانگین کلسترول و LDL در دخترها و پسرها تفاوت معناداری نداشت. اما میانگین TG در دخترها و HDL پسرها بطور معناداری بالاتر بود. میانگین کلسترول، LDL، HDL با افزایش سن تفاوتی نداشت. اما میانگین تری گلیسرید با افزایش سن بطور معناداری افزایش می یافت.

نتیجه گیری: با توجه به بالا بودن میانگین لیپیدهای سرم در کودکان دبستانی شهر بیرجند لازم است برنامه های مداخله ای جهت تغییر شیوه زندگی از دوران کودکی طراحی و اجرا شود.

واژه های کلیدی: کودکان دبستانی، بیرجند، لیپید های سرم

* دانشیار قلب دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر

تاثیر برنامه آموزشی مدون بر سطح نیازهای اطلاعاتی بیماران پس از تعویض دریچه قلبی

احمد نصیری، طیبه امیرآبادی*، طوبی کاظمی

زمینه و هدف: با وجود گستردگی و تنوع مشکلات بیمارانی که تعویض دریچه قلبی داشته اند، لازم است جهت رفع مشکلاتشان آموزشهایی به این بیماران داده شود. از طرفی تعیین نیازهای اطلاعاتی می تواند باعث افزایش اثربخشی برنامه آموزش گردد. مطالعه حاضر به منظور تعیین تاثیر برنامه آموزشی مدون بر نیازهای اطلاعاتی بیماران پس از تعویض دریچه قلبی انجام شده است.

روش تحقیق: در این مطالعه نیمه تجربی تک گروهی که به شیوه پیش و پس آزمون انجام گرفت ۳۱ بیمار که در طی ۳ سال گذشته تحت عمل تعویض دریچه قرار گرفته بودند به شیوه در دسترس شرکت داشتند. پرسشنامه های دموگرافیک و سنجش نیازهای اطلاعاتی قبل از آموزش تکمیل شد و برنامه آموزشی مدون براساس نیازهای اطلاعاتی بیماران طراحی و طی ۵ جلسه مستمر آموزش داده شد و یک ماه بعد از مداخله نیز نیازهای اطلاعاتی بررسی گردید و تفاوت سطوح نیازهای اطلاعاتی قبل و پس از مداخله نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS16 و آزمونهای پارامتریک (تی مستقل) و ناپارامتریک (ویلکاکسون، من ویتنی و کروکسال والیس) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: بررسی سطوح نیازهای اطلاعاتی قبل از مداخله نشان داد که در حیطه آگاهی از ماهیت بیماری، (۸۰.۶٪) از بیماران "نیاز اطلاعاتی بالا" داشتند که بعد از مداخله این میزان بطور معنی داری کاهش پیدا کرد و به ۳۵.۵٪ رسید ($P=0.000$). در حیطه های آگاهی از داروها ۵۱.۶٪، رژیم غذایی ۷۴.۲٪، فعالیت ۱۰۰٪، عوارض ۹۶.۸٪ از بیماران قبل از مداخله "نیاز اطلاعاتی بالا" داشتند که بعد از آموزش به ترتیب به (۲۵.۸٪، ۵۸.۱٪، ۹۳.۵٪، ۶۷.۷٪) رسید و نتیجه آزمون ویلکاکسون حاکی از معنادار بودن این اختلاف در تمامی حیطه ها بجز رژیم غذایی بود. میزان تاثیر مداخله در دو جنس و برحسب سن نیز در حیطه های مختلف نیازهای اطلاعاتی مقایسه شد که در برخی از حیطه ها به لحاظ آماری معنادار بود.

نتیجه گیری: اجرای برنامه آموزشی بر اساس نیازهای اطلاعاتی، سطوح نیازهای اطلاعاتی و بدنبال آن احتمال بروز مشکلات را در این گروه از بیماران کاهش می دهد. لذا پرستاران می بایست برای شروع هر برنامه آموزشی، اقدام به نیازسنجی نموده و سپس برنامه آموزشی را بصورت مدون برای بیماران طراحی و اجرا نمایند.

واژه های کلیدی: نیاز اطلاعاتی، آگاهی، تعویض دریچه قلبی، برنامه آموزشی

شیوع سندرم متابولیک در کودکان ۱۱ - ۶ ساله بیرجند در سال ۱۳۹۱

کوکب نمکین^{*}، فاطمه طاهری، محمود زردست، طیبه جهکندی، بیتا بیجاری، حمیدرضا مشرقی مقدم

زمینه و هدف: چاقی و سندرم متابولیک از ریسک فاکتورهای مهم دیابت و بیماری های قلبی - عروقی است که شیوع آن نه تنها در بالغین بلکه به عنوان یک مشکل جدی در کودکان هم در حال افزایش است. این مطالعه با هدف تعیین میزان شیوع سندرم متابولیک در کودکان ۶ - ۱۱ ساله بیرجند در سال ۱۳۹۱ انجام گرفت.

روش تحقیق: این مطالعه مقطعی تحلیلی بر روی ۱۶۲۱ دانش آموز دبستانی شهر بیرجند انجام شد. وزن، قد، دور کمر و فشار خون کودکان اندازه گیری و سپس نمایه توده بدنی محاسبه گردید. غلظت قند خون ناشتا، کلسترول تام، HDL و تری گلیسرید سرم اندازه گیری شد. سندرم متابولیک براساس معیار NCEP - ATP III تعریف شد.

یافته ها: بطور کلی شیوع سندرم متابولیک ۵.۲۶٪ بود (در پسران ۴.۷۷٪ و دختران ۵.۶۷٪) با افزایش سن شیوع سندرم متابولیک افزایش یافت. اضافه وزن در ۱۴.۶٪ و چاقی در ۸.۵٪ کودکان وجود داشت. اجزاء سندرم متابولیک به ترتیب شیوع پرفشاری خون (۱۹٪)، چاقی شکمی (۱۵.۷٪)، تری گلیسرید بالا (۱۵.۲٪) HDL پایین (۱۳٪) و هیپرگلیسمی (۱٪) بود.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای سندرم متابولیک و چاقی اقدامات پیشگیرانه اولیه از طریق آموزش پایدار برای تغذیه صحیح و فعالیت فیزیکی ضروری به نظر می رسد.

واژه های کلیدی: سندرم متابولیک، کودکان دبستانی بیرجند، چاقی

ارزیابی کارایی کاف رگ گیر سه منظوره: معرفی ابزار ابداعی در بهبود عملکرد پرستاری

علی محمد ایزدپناه*، محسن فوادالدینی، مرتضی بهرام پور

زمینه و هدف: سرعت و دقت عمل پرستار از مهمترین شاخصهای حصول نتایج بالینی مطلوب می باشد. استفاده از تورنیکت های رایج دقت کافی در رگ گیری به منظور خونگیری و یا وصل آنژیوکت را فراهم نمی سازد. در این شرایط احتمال آسیب رساندن به اندام بیمار به دلیل واضح نبودن رگ بیمار وجود دارد. این وسیله ابداعی علاوه بر فراهم آوردن یک رگ مناسب برای خونگیری می تواند اندازه گیری فشار خون را که یکی از شاخص های مهم فیزیولوژیک و نشان دهنده کارکرد مناسب سیستم قلب و عروق است، را فراهم سازد. مطالعه حاضر به منظور معرفی یک وسیله ابداعی ساده و موثر در انجام همزمان رگ گیری، اندازه گیری فشار خون در بزرگسالان و اطفال و نیز ارزیابی کارایی این وسیله از دیدگاه کادر پرستاری طراحی گردید.

روش تحقیق: تعدادی کاف سه منظوره (شماره ثبت اختراع ۷۱۲۹۲) در اختیار ۲۰ پرستار شاغل در بخش هایی که مهارت رگ گیری اهمیت بیشتری دارد، قرار گرفت. پس از آموزش ۱۵ دقیقه ای بوسیله مخترع در خصوص نحوه کار با دستگاه، دستگاه در اختیار آنان قرار داده شد. پس از ۳ روز، پرسشنامه محقق ساخته ای شامل ۱۹ سوال ۵ گزینه ای با مقیاس لیکرت (۱ تا ۵) و ۲ سوال بمنظور بررسی مزایا و معایب دستگاه در مقایسه با روشهای معمول رگ گیری در اختیار آنان قرار داده شد. روایی آن با نظرخواهی از ۵ نفر اعضای هیات علمی دانشکده پرستاری تایید گردید.

یافته ها: از ۲۰ نفر پرستار مورد مطالعه ۱۶ نفر مرد و ۴ زن با سابقه شغلی $8/3 \pm 8/8$ سال بودند. نیمی از ایشان شاغل در بخش اورژانس بودند. از دیدگاه آنان چهار گویه که بیشترین میانگین را بخود اختصاص دادند عبارتند از: ارزیابی دستگاه در ۱- کارایی در رگ گیری از ساعد ۲- کارایی در اندازه گیری فشار خون بزرگسال ۳- کارایی در اندازه گیری فشار خون اطفال ۴- کارایی در تورنیکت (جلوگیری از خونریزی) به ترتیب با میانگین $6/1 \pm 4/8$ ، $8/3 \pm 4/8$ ، $1 \pm 4/2$ و $8/4 \pm 4/8$ بود. چند منظوره بودن، سهولت در استفاده و اطمینان بخش بودن به ترتیب مهمترین مزایای اصلی دستگاه و از سوی دیگر محدودیت کاربرد دستگاه در صورت وجود جراحت در اندام، ضعف اصلی بیان شد.

نتیجه گیری: کاربرد این وسیله ابداعی جایگزین مناسبی برای روشهای رایج رگ گیری بوده و پرستار را در اندازه گیری فشار خون بیمار کمک می کند. برنامه ریزی برای آشنایی وسیع کادر پرستاری با کاربرد دستگاه کاف رگ گیری سه منظوره توصیه می شود.

واژه های کلیدی: کاف رگ گیری، تورنیکت، جلوگیری از خونریزی، اندازه گیری فشار خون

اثرات محافظتی کروسین بر مقاومت قلب در برابر آسیب ناشی از ایسکمی - رپرفیوژن:

تجربه اولیه با مدل ابداعی قلب ایزوله موش کوچک

محسن فوادالدینی^{*}، پریسا پروایی

زمینه و هدف: کروسین (کاروتنوئید محلول در آب) مهمترین و فراوانترین آنتی اکسیدان کلالة زعفران *sativus Crocus* است. شواهد آزمایشگاهی حاکی از آثار ضد آریتمی، ضد التهابی و ضد فشارخونی زعفران است. این مطالعه ضمن ارائه یک مدل کارآمد از قلب ایزوله موش کوچک آزمایشگاهی با هدف بررسی اثرات محافظتی کروسین بر مقاومت قلب در برابر آسیب ناشی از ایسکمی - رپرفیوژن اجرا گردید.

روش تحقیق: این مطالعه تجربی بر روی موش سوری نر Balb/C انجام شد. موشها روزانه کروسین 100mg/kg, ip بمدت ۲۱ روز دریافت کردند (گروه کنترل همان حجم سالین دریافت کردند $n=7$). پس از بیهوشی موشها با کتامین 50mg/kg، به سرعت قلب از بدن خارج و آنورت با سوزن شماره ۲۰ کانوله و به دستگاه لانگندورف متصل شده تا با بافر کریس-هنسلیت و اکسیژن تغذیه می شد. بالون متصل به ترانسدیسر فشار (دستگاه ثبات پاورلب) از طریق دهلیز چپ وارد بطن چپ گردید. ۲۰ دقیقه برای تثبیت وضعیت قلب در نظر گرفته شده، با قطع جریان ورودی بمدت ۳۰ دقیقه ایسکمی گلوبال ایجاد و بدنبال آن ۶۰ دقیقه جریان مجدد برقرار گردید. در این فاصله پارامترهای عملکردی قلب: فشار سیستول بطن چپ (LVSP)، فشار انتهای دیاستولی بطن (LVEDP) اندازه گیری و همزمان فشار افزایش یافته بطن (LVDP)، قدرت انقباضی (+dp/dt) محاسبه شد. در پایان قلب در ماتریکس ویژه قرار گرفته و برش خورده و تحت رنگ آمیزی تترازولیوم کلراید برای بررسی اندازه انفارکت قرار گرفت.

یافته ها: +dp/dt و LVEDP نسبت به کنترل بهبود معنی داری داشت ($p<0.05$). LVSP تفاوت معنی داری نشان نداد. کروسین اندازه انفارکت را به میزان قابل ملاحظه ای کاهش داد ($p<0.05$).

نتیجه گیری: کروسین تا اندازه ای تحمل قلب را در برابر آسیب ناشی از ایسکمی - رپرفیوژن افزایش می دهد.

واژه های کلیدی: محافظت، کروسین، قلب، ایسکمی - رپرفیوژن، لانگندورف، موش کوچک

تأثیر آموزش تمرینات بدنی با استفاده از یک مدل شناختی اجتماعی

بر کیفیت زندگی بیماران نارسایی قلبی

فاطمه رجعتی*، فیروزه مصطفوی، غلامرضا شریفی راد، معصومه صادقی، آوات فیضی

زمینه و هدف: ادغام تمرینات ورزشی به همراه آموزش در برنامه توانبخشی قلبی خصوصاً برای بیماران نارسایی قلبی توصیه می شود. مشاوره فعالیت فیزیکی برای بیماران به توصیه و حمایت برای انجام فعالیت فیزیکی و بازگشت به کار محدود می شود. این شیوه ها مداخله آموزشی جامع و موثری را برای بیماران فراهم نمی کند. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر آموزش فعالیت بدنی بر کیفیت زندگی بیماران نارسایی قلبی با استفاده از یک مدل شناختی اجتماعی است.

روش تحقیق: ۶۰ بیمار با تشخیص نارسایی قلبی که در طبقه ۲ و ۳ NYHA قرار می گرفتند، با در نظر گرفتن بقیه معیارهای ورود و خروج وارد کارآزمایی شدند. در ابتدا پرسشنامه کیفیت زندگی SF-36 تکمیل و آزمایشات پاراکلینیکی لازم برای شرکت کنندگان انجام شد، سپس بیماران به شکل تصادفی به روش Permuted Random Block Number به دو گروه کنترل و مداخله تقسیم شدند. در گروه مداخله علاوه بر مراقبتهای معمول بازتوانی، بیماران به مدت هشت هفته در جلسات آموزشی گروهی و چهره به چهره که بر اساس سازه های مدل شناختی اجتماعی طراحی شده بود به صورت هفتگی شرکت کردند. از بیماران در این گروه خواسته می شد که در برنامه پیاده روی، دویدن آهسته، دوچرخه سواری آهسته و ورزش های سبک بدون وسیله شرکت کنند. به خانواده شرکت کنندگان درباره نقش حمایتی آنان در تمرینات ورزشی بیماران آموزش داده شد.

یافته ها: در گروه مداخله بیماران به شکل بارزی نسبت به گروه کنترل در حیطه عملکرد جسمی $p < .001$ ، نقش عوامل جسمی $p < .05$ ، سلامت عمومی $p < .05$ ، سرزندگی $p < .05$ ، نقش عوامل عاطفی $p < .0001$ و سلامت روان $p < .001$ نمرات بالاتری کسب کردند. اما در گروه مداخله و کنترل تفاوت معنی دار آماری در کسر جهشی قلب قبل و بعد از مداخله دیده نشد.

نتیجه گیری: مداخلات مبتنی بر سازه های خودکارآمدی، افزایش انتظارات پیامد، خود تنظیمی و افزایش حمایت اجتماعی تمرینات بدنی همگی بر کیفیت زندگی بیماران موثر است. نتایج این مطالعه نشان می دهد که آموزش ها بر اساس سازه های تئوری شناختی و اجتماعی در فعالیت فیزیکی بیماران نارسایی قلبی می تواند بر کیفیت زندگی این بیماران موثر باشد.

واژه های کلیدی: فعالیت بدنی، مدل شناختی اجتماعی، نارسایی قلبی

شناسایی یک جهش هموپلاسمی 5568A>G در DNA میتوکندریایی

بیماران مبتلا به آترواسکلروز

محمد مهدی حیدری، مهری خاتمی، سید خلیل فروزان‌نی، محبوبه درخشانی*

زمینه و هدف: آترواسکلروز، دلیل اولیه بیماری‌های قلبی عروقی، بیماری است که بر عروق بزرگ و متوسط درون بدن اثر می‌گذارد و دربرگیرنده سلول‌ها و ارگان‌های متعدد و شماری فرآیند فیزیولوژیکی است. جهش‌های ژن‌های RNA انتقال دهنده (tRNA) میتوکندریایی در ارتباط با بیماریهای متنوعی گزارش شده است. هدف این بررسی شناسایی جهش‌های ژن‌های میتوکندریایی tRNA های تریپتوفان، آلانین، آسپارتیک اسید در بیماران ایرانی مبتلا به آترواسکلروز بود.

روش تحقیق: در این مطالعه ناحیه‌ای از mtDNA (tRNA تریپتوفان، آلانین، آسپارتیک اسید) در ۵۰ بیمار مبتلا به آترواسکلروز مورد بررسی قرار گرفت. DNA از لنفوسیت‌های خون محیطی استخراج شد و قطعه‌ی مورد نظر با PCR تکثیر شد. سپس، غربالگری جهش‌ها با تکنیک SSCP مورد بررسی قرار گرفت و نمونه‌های مثبت را با تعیین توالی جستجو کردیم.

یافته‌ها: برای اولین بار، یک جهش هموپلاسمی جدید در tRNA تریپتوفان در موقعیت 5568A>G مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: جهش 5568A>G در منطقه حفاظت شده ژنوم جانداران قرار دارد و بررسی‌های بیوانفورماتیکی مشخص کرده که جهش در ژن‌های tRNA میتوکندری باعث تغییر در سطح پایداری و ساختار tRNA می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آترواسکلروز، tRNA میتوکندریایی، جهش، PCR-SSCP

*دانشجوی زیست‌شناسی دانشکده علوم، دانشگاه یزد، mahboobederakhshani@yahoo.com

بررسی تاثیر کنترل دیابت بر آنزیمهای آنتی اکسیدانی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲

زهرا سیادت*، محمود جلالی، سعید حسینی، حجت زراعتی، مریم السادات فروید، سید محمدرضا پریزاده

زمینه و هدف: در بیماران مبتلا به دیابت، افزایش قند خون با بالا رفتن میزان تولید رادیکالهای آزاد همراه می باشد. آنزیمهای آنتی اکسیدانی همچون کاتالاز و سوپر اکسید دیسموتاز از مهمترین عوامل دفاعی و آنتی اکسیدان درون سلولی بدن در مقابله با سمیت زایی این رادیکالهای آزاد محسوب می شوند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر کنترل دیابت نوع ۲ بر آنزیمهای آنتی اکسیدانی انجام گردیده است.

روش تحقیق: این مطالعه شاهدهی - موردی بر روی ۱۲۷ بیمار مبتلا به دیابت نوع ۲ انجام شد. براساس میزان هموگلوبین گلیکوزیله، ۶۴ نفر در گروه کنترل شده ($HbA1C \leq 6\%$) و ۶۳ نفر در گروه کنترل نشده ($HbA1C > 6\%$) قرار گرفتند. میزان کاتالاز، سوپر اکسید دیسموتاز، قند خون ناشتا و تری گلیسرید سرم در دو گروه تعیین شد. اطلاعات تغذیه ای شامل: میزان و درصد انرژی، پروتئین، کربوهیدرات و چربی دریافتی نیز با استفاده از پرسشنامه یادآمد ۲۴ ساعته دو روزه در دو گروه فوق بررسی شد. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و آزمونهای آماری t مستقل و Chi-Square در سطح معنی داری $P \leq 0.05$ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج نشان داد که تفاوت معنی داری بین دو گروه کنترل شده و کنترل نشده از نظر میزان و درصد انرژی، پروتئین، کربوهیدرات و چربی وجود ندارد. میزان قند خون ناشتا و تری گلیسرید سرم در گروه کنترل نشده بطور معنی داری بیشتر از گروه کنترل شده بود ($P \leq 0.05$). میانگین کاتالاز در گروه کنترل نشده بیشتر از گروه کنترل شده بود، اما این تفاوت از نظر آماری معنی دار نبود. بعلاوه تفاوت آماری معنی دار بین دو گروه از نظر سوپر اکسید دیسموتاز مشاهده نشد.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که دیابت کنترل نشده با افزایش قند خون ناشتا و تری گلیسرید همراه میباشد. بنابراین کنترل دیابت یک اقدام موثر در جهت کاهش قند و تری گلیسرید خون و نیز عوارض دیابت می باشد.

واژه های کلیدی: دیابت کنترل نشده، دیابت کنترل شده، فعالیت آنتی اکسیدانی، مطالعه مورد شاهدهی

جنبه های ایمونولوژیک آترواسکلروز

محمود محمودی*

آترواسکلروز با واسطه یک سلسله فرآیندهای التهابی در انتیمای جدار عروق ایجاد می شود. در سال های اخیر مشخص شده است که این التهاب به نوبه خود توسط پاسخ های ایمونولوژیک در برابر آنتی ژن های پلاک های آترواسکلروزی پیش رانده می شود. آنتی ژن های خودی تغییر یافته مانند لیپوپروتئین های با چگالی کم اکسید شده می توانند به عنوان هدف این پاسخ های ایمنی عمل نمایند. سیستم ایمنی در مقابل این دو راهی قرار دارد که این آنتی ژن ها را خودی یا غیر خودی ببیند. در صورت خودی در نظر گرفتن آن ها ماحصل یک فرآیند حفاظتی خواهد بود. در صورت دیده شدن این آنتی ژن ها به عنوان غیر خودی، تشکیل پلاک های آترواسکلروزی می تواند مورد انتظار باشد. اگرچه این روند مشابهت با سایر بیماری های خود ایمن دارد، ولی رفتار سیستم ایمنی در پدیده آترواسکلروز پیچیده تر است. لنفوسیت های T در این فرآیند نقش کلیدی دارند. فعالیت التهابی در ضایعات بستگی به تعادل بین سلول های T از نوع Th-1 که پیش التهابی هستند با سلول های T از نوع تنظیمی که ضد التهابی هستند دارد. البته هر دو این سلول ها اختصاصیت برای آنتی ژن مشابه دارند. از سوی دیگر با وجود این که در حال حاضر برخی آنتی بادی های حفاظتی در مقابل ضایعات شناخته شده است، مشخص شدن نقش لنفوسیت های B که تولید کننده این آنتی بادی ها هستند در آترواسکلروز نیاز به مطالعات بیشتری دارد. با وجود برداشته شدن قدم های اولیه در شناخت پدیده های ایمونولوژیک آترواسکلروز هنوز درک کاملی از چگونگی عملکرد آنتی ژن ها و آنتی بادی های موثر وجود ندارد. ایمونیزاسیون با آنتی ژن های احتمالی بسته به نوع آنتی ژن، مسیر و روش ایمونیزاسیون نتایج متفاوت کاهشی یا افزایشی در بیماریزایی را در حیوانات آزمایشگاهی نشان داده است. در انتها به عنوان جمع بندی باید اذعان داشت که هنوز به زمان و جزئیات بیشتری نیاز داریم تا بتوانیم دانسته های ایمونولوژی را در کاربری های بالینی در آترواسکلروز مورد استفاده قرار دهیم.

* استاد مرکز تحقیقات ایمونولوژی و دپارتمان آلرژی و ایمونولوژی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چاقی و آنژیوزنز

مجید خزاعی

چاقی یکی از مشکلات شایع جوامع بشری است که با اختلالات و عوارش متعددی از جمله دیابت تیپ ۲، هیپرتانسیون، عوارض قلبی-عروقی، بیماریهای عروق مغز، استئوآرتریت و ... همراه است. سلولهای بافت چربی یا آدیپوسیت سیستم عروقی منحصر به فرد و غنی دارند به طوریکه هر آدیپوسیت توسط یک یا چند مویرگ احاطه می گردد. بافت چربی از جمله بافتهای خاص در بدن است که پلاستیسیته زیادی دارد و می تواند میزان و حجم آن در طول زندگی کم یا زیاد شود. افزایش تعداد آدیپوسیت یا آدیپوزنز نیاز به افزایش تعداد مویرگها یا افزایش قطر مویرگهای قبلی دارد. لذا ضرورت پدیده آدیپوزنز، آنژیوزنز همزمان در بافت چربی است. آنژیوزنز عبارتست از ایجاد مویرگهای جدید از عروقی که از قبل در بافت موجود هستند. عوامل متعددی بر پدیده آنژیوزنز اثرگذارند که تعدادی از آنها به عنوان محرک و تعدادی نیز مهار کننده آنژیوزنز هستند. بافت چربی که شامل سلولهای آدیپوسیت، سلولهای اندوتلیال عروق و ماتریکس خارج سلولی است تعداد زیادی فاکتور ترشح می کند که می توانند به طور مستقیم یا غیر مستقیم در ایجاد آنژیوزنز نقش داشته باشند که از جمله این فاکتورها می توان به VEGF، PIGF، لپتین، آدیپونکتین و ماتریکس متالوپروتئازها اشاره کرد. لذا به نظر می رسد بافت چربی به عنوان یک بافت اندوکرین می تواند نقش زیادی در ایجاد آنژیوزنز داشته باشد.

مطالعات نشان داده اند میزان بروز سرطان در افراد چاق بیشتر از افراد با وزن متناسب است (مثل کانسر کولون) و از سوی دیگر با توجه به اهمیت بیماری چاقی به عنوان یک معضل اجتماعی-اقتصادی و ترشح فاکتورهای متعدد مؤثر بر پدیده آنژیوزنز، این سؤال مطرح است که آیا می توان با کاهش تعداد عروق بافت چربی یا آنژیوزنز، چاقی را درمان کرد؟ آیا می توان چاقی را مشابه یک تومور با داروهای آنتی آنژیوژنیک درمان کرد؟ علی رغم مطالعات انجام شده، تاکنون نتایج آنها بیانگر نتیجه قطعی در خصوص استفاده از داروهای مهار کننده آنژیوزنز در درمان چاقی نیست و مطالعات زیادی نیاز دارد.



دومین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت – آترواسکلروز

بیرجند ۸ الی ۱۰ اسفند ۱۳۹۱

ارائه سخنرانی



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شیراز

Prevalence of Coronary Artery Disease Risk factors in Shiraz

Mohammad Javad Zibaeenezhad

Background: Risk assessment for fast growing burden of cardiovascular diseases is very important and difficult. As a response to this challenge, in particular, genetic risk factors which potentially modify risk, we conducted a survey of primary data registry of Shiraz Heart Study on integration and application of family history data in prevention of cardiovascular disorders.

Method: This study is a longitudinal cohort project to be extended from subpopulations of different job groups to the community. Questionnaires were applied to collect information including; demographic data, physical activity, history of CAD, hypertension, dyslipidemia, and smoking. In addition, waist circumference, height, weight, body mass index (BMI), and hip circumference (HC) were measured and serum biochemistry profiles were determined on venous blood samples. Such data helped identify the prevalence of diabetes, hypercholesterolemia, hypertriglyceridemia, hypertension, overweight and obesity, central obesity, and smoking.

Results: The mean age of 7870 participant was 42.7 and 41.5 years for men and women respectively. The prevalence of pre-diabetes, diabetes, hypertension, hypercholesterolemia and hypertriglyceridemia were %18.56, %8.21, %11.23, %34.94 and %35.32 respectively. Diabetes, hypertension and dyslipidemia were more prevalent among females and older subjects. The frequency of obesity and overweight were %19.31 and %43.35

Keywords: Risk Factors, Myocardial Infarction, Risk Assessment, Cohort Study

بررسی اپیدمیولوژیک AMI در شهرستان قوچان

هایده هاشمی زاده*

زمینه و هدف: انفارکتوس حاد میوکارد یکی از شایعترین علل موربیدیتی و مورتالیتی در اکثر جوامع انسانی است. شناخت اپیدمیولوژیک انفارکتوس قلبی در هر منطقه ای می تواند راهگشا برای برنامه ریزی های منطقه ای جهت پیشگیری از این بیماری باشد.

روش تحقیق: این مطالعه به صورت یک مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی کلیه بیمارانی که در طی یک سال با تشخیص انفارکتوس حاد قلبی در بیمارستان موسی بن جعفر شهرستان قوچان بستری شده بودند، انجام شد. تعداد نمونه ها ۳۰۰ بیمار بود که به روش در دسترس انتخاب گردیدند. تشخیص انفارکتوس حاد قلبی بر اساس علائم بالینی و ECG توسط پزشک متخصص قلب صورت گرفت که به صورت مکتوب در پرونده ها موجود بود. داده ها بر اساس پرسشنامه ای که شامل اطلاعات دموگرافیک، نوع MI، نوع داروهای مصرفی، مدت بستری، مورتالیتی، ریسک فاکتورهای قلبی بود و با بررسی پرونده بیماران تکمیل گردید. داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار SPSS وارد و آنالیز گردید.

یافته ها: تعداد کل بیماران MI در طی ۲ سال ۳۰۰ نفر بود که ۳۳٪ زن و ۶۷٪ مرد بودند. ۵۳٪ مقیم شهر و ۴۷٪ مقیم روستا بودند. میانگین سنی بیماران در مردان 60 ± 13 و در زنان 63 ± 13 سال بود که از نظر آماری، تفاوت معنی داری بین میانگین سن بیماران زن و مرد مشاهده نگردید. حداقل و حداکثر سن مردان ۲۹ و ۹۹ سال و در زنان ۳۲ تا ۸۹ سال بود. میانگین مدت بستری در بیمارستان 6 ± 2 روز بوده است. میانگین کلسترول 189 ± 47 ، تری گلیسرید 125 ± 70 ، HDL 43 ± 28 و LDL 120 ± 50 میلی گرم/لیتر گزارش گردید. ۴۴٪ دارای کلسترول بالای ۲۰۰، ۱۰٪ تری گلیسرید بالای ۲۰۰، ۲۸٪ HDL کمتر از ۳۵ و ۱۶٪ LDL بالای ۱۶۰ میلی گرم / لیتر داشتند. ۱۶٪ مبتلا به دیابت، ۳۹٪ مبتلا به هیپرتانسیون، ۲۰٪ سیگاری، ۳۷٪ معتاد به مواد مخدر بودند. از نظر میزان ابتلا به دیابت، هیپرتانسیون، استعمال سیگار و اعتیاد تفاوت معنی داری در دو جنس مشاهده نشد. شایعترین نوع MI آنتریور (۵۳٪) و اینفریور (۲۸٪) بود. مورتالیتی داخل بیمارستانی بیماران ۶٪ بوده است. در ۱۸٪ بیماران ترومبولیتیک تراپی صورت گرفته بود.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای فاکتورهای خطر در بیماران AMI لازم است، برنامه های مداخله ای جهت تشخیص و درمان سریع این فاکتورها صورت گیرد. در مطالعه ما میزان ترومبولیتیک تراپی پایین بود که لازم است علل آن بررسی شود.

واژه های کلیدی: انفارکتوس قلبی، ریسک فاکتورهای قلبی، اپیدمیولوژی

بررسی عوامل مؤثر بر عدم پذیرش انسولین درمانی توسط بیماران دیابتی

رحیم حبیبی، منصور سلطانی*. غلامرضا حبیبی

زمینه و هدف: طبق پیش‌بینی سازمان بهداشت جهانی در ۲۰۱۰ در جهان بیش از ۲۵۰ میلیون نفر مبتلا به دیابت می‌باشند، که احتمالاً تا ۲۰ سال آینده (۲۰۳۰ میلادی) با ۵۰٪ افزایش، دو برابر خواهد شد. عدم درمان مناسب دیابت منجر به عوارض بسیار خطرناکی چون آترواسکلروز، مشکلات قلبی، کلیوی و مغزی خواهد شد. یکی از درمان‌های اصلی دیابت، درمان دارویی خصوصاً درمان با انسولین می‌باشد. متأسفانه عدم پذیرش درمان با انسولین یکی از چالش‌های حاضر در امر درمان و کنترل دیابت می‌باشد. هدف از انجام این مطالعه بررسی عوامل مؤثر بر عدم پذیرش انسولین درمانی توسط بیماران دیابتی می‌باشد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی بود. محیط پژوهش بخش غدد بیمارستان امام رضا (ع) مشهد بود. نمونه مطالعه را ۸۰ بیمار بستری (در دسترس) تشکیل می‌دادند. پس از بیان روش و اهداف مطالعه و کسب رضایت آگاهانه، پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، و پرسشنامه عدم پذیرش انسولین تکمیل گردید. روایی پرسشنامه با استفاده از روایی محتوا و پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آزمون - آزمون مجدد ($r=0/90$) مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها: شنیدن تجربیات دیگران، شرایط سخت نگهداری انسولین و وابسته شدن به خانواده بیشترین عوامل (۳۸/۸٪) در عدم پذیرش انسولین از سوی بیماران معرفی شدند. کمترین عوامل (۵٪) مربوط به ترس از مرگ ناگهانی و ترس از کمیاب شدن انسولین بود. آزمون من ویتنی نشان داد که بین جنس و عدم پذیرش انسولین و بین محل سکونت و عدم پذیرش انسولین اختلاف آماری معنی‌داری ($P<0/050$) وجود داشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت انسولین در درمان بیماری دیابت و کاهش عوارض بیماری، و با توجه به نتایج حاصل از پژوهش توصیه می‌شود تا قبل از اقدام به تجویز انسولین کلاس‌های آموزشی برای بیماران و خانواده‌هایشان گذاشته شود.

واژه‌های کلیدی: عدم پذیرش، انسولین درمانی، دیابت، بیماران دیابتی

بررسی تولیدات علمی و همکاریهای بین المللی پژوهشگران ایرانی

در حوزه آترواسکلروزیس در پایگاه ISI طی سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱

حلیمه صادقی*

زمینه و هدف: امروزه توسعه علمی هر کشوری از طریق فعالیتهای علمی پژوهشگران آن کشور مورد بررسی قرار می گیرد. هدف این پژوهش بررسی تولیدات علمی آترواسکلروز و همکاریهای بین المللی نویسندگان ایرانی در پایگاه اطلاعاتی وب آو ساینس طی سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ می باشد.

روش تحقیق: این پژوهش توصیفی است که با استفاده از شاخصهای علم سنتجی انجام شده است. جامعه آماری، مقالات نمایه شده دهه اخیر حوزه آترواسکلروز در پایگاه Web of Science می باشد. پس از جستجوی کلید واژه "atherosclerosis" در فیلد Topic، با محدودیت زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ و محدوده مکانی کشور "iran" در پایگاه "Web of Science" در تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۰، رکوردهای بازیابی شده برای تجزیه و تحلیل بیشتر وارد نرم افزار Excel و HistCite شد و نرخ رشد تولیدات علمی، پرکارترین نویسندگان، دانشگاه ها و موسسات ایرانی، مجلات مهم، زبان انتشارات و هم تالیفی پژوهشگران ایرانی با نویسندگان سایر کشورها مشخص شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان می دهد در مجموع ۳۹۳ مقاله از نویسندگان ایرانی طی سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ در حوزه آترواسکلروز وارد پایگاه آی. اس. آی. شده است. کمترین مقالات این حوزه در سال ۲۰۰۲ و بیشترین تعداد مربوط به سال ۲۰۱۱ بوده است. صدیقه عسگری از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با داشتن ۲۵ مقاله پرکارترین نویسنده و دانشگاه علوم پزشکی تهران با انتشار ۸۴ مقاله (۲۱/۳۲ درصد) فعالترین موسسه بوده است. اکثر مقالات به زبان انگلیسی منتشر شده است (۹۹/۷ درصد)، بیشترین هم تالیفی نویسندگان ایرانی با همتایان خود از کشور آمریکا صورت گرفته است (۲۸ مقاله) و نویسندگان ایرانی مقالات خود را بیشتر در دو مجله Atherosclerosis Supplements و Clinical Biochemistry به چاپ رسانده اند (هر کدام ۱۷ مقاله)، ضریب همکاری گروهی نویسندگان در حد بالایی بود (۰/۹۸ درصد).

نتیجه گیری: تولیدات علمی محققان ایرانی در حوزه آترواسکلروز روند صعودی دارد.

واژه های کلیدی: علم سنتجی، پایگاه وب آو ساینس، آترواسکلروز، ضریب همکاری، برونداد علمی، تحلیل استنادی

بررسی وضعیت مراقبت دیابت در مناطق روستایی استان خراسان جنوبی در سال ۸۹

بهمن قلی نژاد*، مجید شایسته، محمد حسین نخعی، محمد رضا جمع اور

زمینه و هدف: بیماری دیابت شایعترین بیماری متابولیک با شیوعی رو به افزایش، ازدیاد ۱۲۲ درصدی جمعیت مبتلایان تا سال ۲۰۲۵، مسئول مرگ ۴ میلیون نفر در سال (۹٪ کل مرگهای جهان) می باشد. همچنین هر پانزده سال یکبار این آمار سه برابر می شود. لذا پژوهش حاضر با هدف مطالعه وضعیت مراقبت دیابت در مناطق روستایی استان خراسان جنوبی انجام شد.

روش تحقیق: طی یک مطالعه مقطعی - توصیفی با استفاده از آمار گزارش دهی فصلی مراقبت از بیمار دیابتی و استفاده از نرم افزار EXCEL داده ها در طول سال از مراکز بهداشت ۸ شهرستان تابعه جمع آوری با استفاده از آمار توصیفی شیوع، درصد، میانگین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: شیوع دیابت در مناطق روستایی ۱۷ در هزار نفر از افراد بالای ۳۰ سال است. تعداد موارد دیابتی استان ۲۳۹۱ در سال ۸۹ نفر بود، از این افراد ۷۵۹ نفر مرد (۳۱٪) و ۱۶۳۲ نفر زن (۶۹٪) بودند که ۱۰۷ مورد جدید بود. میانگین بار مراقبت بیمار توسط پزشک در مراکز روستایی ۲.۷ بار بود که میانگین بار مراقبت مردان ۲.۶۵ زن بود از کل بیماران مراقبت شده تعداد ۲۰۱۹ نفر BMI آنها ثبت شده است که ۶۴۱ مرد (۳۱٪) زن ۱۳۷۸ (۶۹٪) بودند. بطور کلی ۷۹۷ نفر (۳۹٪ BMI کمتر از ۲۵، ۶۲۳ نفر (۳۰٪) BMI بین ۲۵ تا ۲۷. ۵۹۹ نفر (۳۱٪) BMI بالاتر از ۲۷ داشتند. تعداد ۴۸۴۴ مورد آزمایش قند خون ناشتا از بیماران در طول سال انجام شد، که ۱۵۷۱ نفر (۳۲٪) مربوط به مردان و ۳۲۷۳ نفر (۶۸٪) مربوط به زنان بود. بطور کلی ۳۱۹۲ نفر (۶۵٪) قند خون ناشتا بالای ۱۲۰ داشتند. از کل بیماران در طول این مدت ۵۰۴ مورد آزمایش قند دوساعته و بیشتر انجام شد، که ۱۵۴ نفر (۳۰٪) مرد و ۳۵۰ نفر (۶۰٪) زن این آزمایش را انجام دادند. بطور کلی ۱۹۵ نفر (۳۸٪) قند خون دو ساعته کمتر از ۱۴۰، ۳۰۹ نفر (۶۲٪) قند خون دو ساعته بالای ۱۶۰ داشتند. از کل بیماران در طول سال ۲۰۷ آزمایش HA1c ۸۲ نفر (۳۹٪) مرد و ۱۲۵ نفر (۶۱٪) از زنان انجام شد. از کل مردان ۴۵ نفر (۵۵٪) HA1c کمتر از ۰/۰۷ و ۳۷ نفر (۴۵٪) HA1c بین ۰/۰۷-۱ داشتند. از کل زنان ۵۳ نفر (۴۲٪) HA1c کمتر از ۰/۷۲/۰۷، ۷۲/۰۷ نفر (۵۸٪) HA1c بین ۰/۰۷-۱ داشتند.

نتیجه گیری: شیوع بیماری در بین زنان دو برابر مردان است. بار مراقبت پزشکان خانواده برای دیابت پایین است، BMI زنان از مردان بالاتر است بیش از ۶۰٪ افراد بالای ۳۰ سال روستایی دچار اضافه وزن و چاقی هستند. علیرغم مراقبت ۶۵٪ قند خون ناشتای بالاتر از ۱۲۰ و ۶۱٪ قند خون دو ساعته و بیشتر از ۱۴۰ داشتند. لذا پیشنهاد می گردد پزشکان خانواده توجه بیشتر به این بیماری داشته باشند.

واژه های کلیدی: وضعیت، مراقبت دیابت، روستایی، خراسان جنوبی

بررسی ریسک فاکتورهای ضایعات عروقی مغز در بیماران بستری

در بیمارستان نهم دی شهرستان تربت حیدریه

مجید حسن زاده*، مجتبی اسدی، حشمت مرادی

زمینه و هدف: بیماری عروقی مغز شایع ترین بیماری سیستم عصبی بوده در کشورهای پیشرفته سومین علت مرگ و میر بعد از بیماری های قلبی و سرطان ها می باشد. ضایعات عروقی مغز به دو صورت ایسکمیک و هموراژیک تقسیم می شوند. مهمترین ریسک فاکتور استروک عبارتند از: فشار خون بالا، هیپرلیپیدمی، مصرف دخانیات، دیابت، بیماریهای قلبی عروقی و افزایش هماتوکریت می باشند. لذا این مطالعه با هدف بررسی اپیدمیولوژیک و تعیین ریسک فاکتورها در بیماران بستری با ضایعات عروقی مغز در بیمارستان نهم دی شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۸۷-۱۳۸۶ انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع توصیفی بوده که طی آن پرونده تمامی بیمارانی که طی سالهای (۸۷-۸۶) با تشخیص ضایعات عروقی مغز در بیمارستان نهم دی شهرستان بستری تربت حیدریه بستری شده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. واحدهای پژوهش ۵۰۰ بیمار بوده که اطلاعات مورد نیاز با توجه به اهداف پژوهش به کمک پرسشنامه جمع آوری گردیده و با استفاده از آزمون های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها: نتایج حاصل از پژوهش نشان داد ۴۵٪ بیماران سن بالای ۶۰ سال داشتند. ۱۰٪ مونث بودند، ۶۰٪ ساکن شهر بودند از نظر فصلی وقوع ضایعات عروقی مغز در فصل بهار ۳۱/۸٪ زمستان ۲۸/۵٪ پائیز ۲۰٪ و تابستان ۱۹/۷٪ بود. ۹۱٪ فشار خون سیتولیک بیشتر از ۱۴۰ میلی متر جیوه، ۸۳٪ فشار دیاستولیک بیشتر از ۹۰ میلیمتر جیوه داشتند، ۱۲/۶٪ بیماران دیابتیک بودند، که ۱۵/۸٪ در جمعیت زنان و ۹/۶٪ در جمعیت مردان وجود داشت، هیپرکلسترومی در ۲۷/۸٪ بیماران و هیپرترمی گلیسیریدمی در ۶/۸٪ بیمار وجود داشت. ۲۶/۵٪ جمعیت مورد مطالعه سیگاری بودند. ۲/۹٪ بیماران سابقه بیماری قلبی همراه از جمله MI- AF- MS را داشتند، ۲/۳٪ بیماران هماتوکریت بالاتر از نرمال داشتند. ۳/۹٪ از بیماران فوت شده بودند. (۱۹ نفر)

نتیجه گیری: با توجه به اینکه مهم ترین ریسک فاکتورها افزایش فشار خون، افزایش چربی های خون و مصرف دخانیات و دیابت بوده پیشنهاد می شود، اقدامات پیشگیرانه به منظور کنترل این ریسک فاکتورها در سطح جامعه بعنوان پیشگیری اولیه و ثانویه انجام تا ریسک ضایعات عروقی مغز به حداقل کاهش یابد.

واژه های کلیدی: ضایعات عروقی مغز، ریسک فاکتور، تربت حیدریه

بررسی تاثیر مشاوره تغذیه بر کیفیت زندگی بیماران دیابتی

مجید حسن زاده*، اعظم سپهری

زمینه و هدف: چاقی به حالتی گفته می شود که انباشت های چربی بدن تا آن اندازه افزایش یابد که به تندرستی آدمی آسیب رساند. سازمان بهداشت جهانی درباره پیشگیری از چاقی فعالیتهای فراوانی احراز نموده و در حال اجرای برنامه هایی در این زمینه است از جمله این فعالیت ها دانستن پیامدهای چاقی است.

روش تحقیق: در پژوهش حاضر که یک مطالعه مداخله ای نیمه تجربی است، تعداد ۷۰ بیمار ۶۵-۴۰ ساله اضافه وزن و چاق دیابتی دارای نمایه شاخص توده بدن (BMI) بالای ۲۵ (kg/M2)، مراجعه کننده به کلینیک دیابت تربت حیدریه مورد مشاوره تغذیه قرار گرفت. کیفیت زندگی بیماران در دو مرحله قبل از مشاوره و یکماه پس از آن توسط پرسشنامه کیفیت زندگی SF-36 سنجیده شد. در پایان میانگین نمره کیفیت زندگی و ابعاد آن مقایسه گردید و تجزیه و تحلیل یافته ها توسط برنامه SPSS با نرم افزار تحت ویندوز انجام شد.

یافته ها: براساس یافته های پژوهش میانگین سنی واحدهای پژوهش در سطح ضعیف برآورد گردید و ۲/۵۴٪ از واحد ها اظهار داشتند که وضعیت سلامت آنها نسبت به سال گذشته برتر است. آزمون آماری تی زوجی با $p < 0.005$ تفاوت معنی داری را از لحاظ میانگین فشار خون سیستولیک و دیاستولیک، قند خون ناشتا، قند خون غیر ناشتا، کلسترول و تری گلیسرید خون، پس از مشاوره رژیم کیفیت زندگی کل و ابعاد مختلف آن و عملکرد جسمی، محدودیت نقش بعثت مشکلات جسمی، محدودیت نقش بعثت مشکلات روحی، روانی، انرژی زنده دلی، وضعیت ذهنی، عملکرد اجتماعی، درد جسمانی و درک کلی از سلامت عمومی قبل و بعد از مشاوره تغذیه و کاهش وزن نشان داد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر که نشان داد برنامه مشاوره تغذیه و کاهش وزن باعث بهبود کیفیت زندگی بیماران در ابعاد مختلف می گردد. لذا استفاده از برنامه مشاوره رژیم غذایی جهت کاهش وزن به لحاظ پیشگیری و کاهش بروز عوارض در بیماران دیابتی چاق و اضافه وزن یک ضرورت محسوب می گردد.

واژه های کلیدی: چاقی و اضافه وزن، مشاوره تغذیه، کیفیت زندگی

بررسی تاثیر مدل مراقبت پیگیر بر فشار خون بیماران دیابتیک

مجید حسن زاده*، امیررضا برومند، عباس قدرتی، هادی علیزاده

زمینه و هدف: فشار خون بالا یک بیماری و اختلال شایع، مزمن و پیچیده ای است که حدود ۲۰٪ از افراد بزرگسال را در سراسر دنیا درگیر کرده است. کنترل این بیماری خطرناک و مهلك از اهداف مشترک سازمان بهداشت جهانی و مجامع بین المللی می باشد. لذا مطالعه ای با هدف تاثیر مدل مراقبت پیگیر بر کنترل فشار خون بیماران دیابتیک مرکز دیابت شهرستان تربت حیدریه انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه یک پژوهش نیمه تجربی بوده که بر روی ۷۰ بیمار دیابتی در شهر تربت حیدریه انجام شده است. نمونه های پژوهش بطور تصادفی به دو گروه آزمون و شاهد تقسیم شده با توجه به جور شدن متغیرهای ضروری در دو گروه، حول مراقبت پیگیری که دارای چهار قدم اساسی، اورنیتاسیون، حساس سازی، اجرا و ارزشیابی می باشد. در گروه آزمون اجرا و پس از سه ماه میانگین اندازه فشار خون کنترل شده در دو گروه مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: میزان فشار خون سیستولیک در گروه شاهد در شروع مطالعه ۱۲۸/۶ میلیمتر جیوه و در ماه های اول، دوم و سوم مطالعه بترتیب ۱۲۶/۴، ۱۲۷/۴ و ۱۲۷/۷ میلیمتر جیوه و این میزان در گروه آزمون در شروع مطالعه ۱۲۷/۷ میلیمتر جیوه و در ماه های اول، دوم و سوم مطالعه بترتیب ۱۲۱/۸ و ۱۲۳ و ۱۲۴ میلیمتر جیوه بود. همچنین میزان فشار خون دیاستولیک در گروه شاهد در شروع ۷۴/۵ میلیمتر جیوه و در ماه های اول، دوم و سوم مطالعه بترتیب ۷۷/۵ و ۷۷/۵ و ۷۷/۱ میلیمتر جیوه و این میزان در گروه آزمون در شروع مطالعه ۷۹/۲ میلیمتر جیوه و در ماه های اول دوم و سوم مطالعه بترتیب ۷۷/۹ و ۷۵/۴ و ۷۴/۷ میلیمتر جیوه بود. آزمون آنالیز واریانس با اندازه گیری مکرر فشار خون نشانگر ارتباط معنی دار فشار خون سیستولیک ($P < 0/001$) و دیاستولیک ($P < 0/02$) در دو گروه می باشد.

نتیجه گیری: بکارگیری الگوی مراقبت پیگیر در کنترل فشار خون مؤثر می باشد.

واژه های کلیدی: مراقبت پیگیر، فشار خون، دیابت

بررسی میزان آگاهی پرسنل پرستاری بیمارستان شهدای قاین از بیماری آترواسکلروز

سید مصطفی محسنی زاده*، علی دشتگرد، علی سپهری نژاد

زمینه و هدف: آترواسکلروز از عوامل عمده مرگ و میر در بیشتر مناطق جهان از جمله ایران به شمار می‌رود. پژوهش‌ها در ایران نشان می‌دهد که نرخ بیماری‌های عروق کرونر طی سال‌های اخیر بین ۲۰ الی ۴۰ درصد افزایش پیدا کرده است. با توجه به این که اکثر عوامل زمینه‌ساز آترواسکلروز قابل تعدیل می‌باشد، بنابراین با آموزش صحیح افراد در معرض خطر از طریق پرستاران که تعامل زیادی با آنان دارند، می‌توان نقش مهمی را در افزایش آگاهی این افراد جهت پیشگیری و کنترل عوارض این بیماری ایفا نمود. لذا این مطالعه با هدف بررسی سطح آگاهی پرسنل پرستاری در رابطه با بیماری آترواسکلروز و مراقبت‌های آن انجام گردید.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی بوده که در آن ۶۰ پرستار به روش نمونه‌گیری در دسترس در سه شیفت صبح، عصر و شب از کلیه بخش‌های بیمارستان انتخاب شدند و پرسشنامه‌ای پژوهشگر ساخته متشکل از ۱۵ سوال ۴ گزینه‌ای در ارتباط با بیماری آترواسکلروز که روایی و پایایی آن با استفاده از نظر اساتید متخصص و آزمون‌های آماری به تایید رسیده بود، در اختیار آن‌ها قرار داده شد و سپس نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که از ۶۰ پرستار مورد پژوهش، ۵۴٫۸٪ (۳۴ نفر) مونث و ۴۱٫۹٪ (۲۶ نفر) مذکر بودند. از نظر سطح آگاهی در مورد بیماری آترواسکلروز، بیشترین آن‌ها با ۵۳٫۲٪ (۳۳ نفر) در سطح متوسط و سپس ۲۵٫۸٪ (۱۶ نفر) در سطح خوب بودند. همچنین نتیجه آزمون آماری دقیق فیشر ارتباط خطی معنی‌داری بین سطح آگاهی از بیماری آترواسکلروز با بخش محل خدمت پرسنل پرستاری نشان داد ($P=0.033$) به طوری که بیشترین سطح آگاهی مربوط به پرسنل ICU و سپس اورژانس بود.

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان می‌دهد که میزان آگاهی پرستاران در سطح متوسط است، لذا لازم است برنامه‌های آموزشی جهت افزایش آگاهی پرستاران طراحی شود.

واژه‌های کلیدی: آترواسکلروز، آگاهی، پرسنل پرستاری

مفهوم Ca-score و پنتراکسین-۳ در شناسایی غیر تهاجمی تنگی قابل ملاحظه عروق کرونر

در آنژین صدری پایدار مزمن

حبیب حی بر*، محمد داودی، احمد رضا عصاره، آبتین شهلائی، مریم آذریان، زهرا فاضلی نژاد، امیر اسلامی شهر بابکی

زمینه و هدف: بیماری عروق کرونر (CAD) در آینده همچنان مورد نگرانی جامعه پزشکی خواهد بود. علل عمده حوادث قلبی و عروقی آترواسکلروز و ترومبوز عروق کرونر هستند. تعیین میزان تنگی مجرای کرونری یک فاکتور کلیدی در کنترل CAD می باشد، که سالانه مقادیر زیادی از منابع صرف آن می شود. روشهایی که در حال حاضر مورد استفاده قرار می گیرند خطرات مشخصی را از نفروتوکسیسیته ناشی از CT آنژیوگرافی (CTA) تا مرگ هنگام کاتتر گذاری قلبی را در بر دارند. Long pentraxine یا پنتراکسین-۳ (PTX3) برای پیش بینی بقاء یا فرایند آترواسکلروتیک ولی نه در شناسایی تنگی کرونر استفاده شده است. بدین منظور کلسیم اسکور با موفقیت استفاده شده است. هدف اصلی از مطالعه ما توانایی در پیش بینی وجود تنگی قابل ملاحظه در عروق کرونر اشخاص با استفاده از روش PTX3 می باشد.

روش تحقیق: افراد وارد شده به مطالعه افرادی با آنژین پایدار مزمن بودند که شواهد مبنی بر انفارکتوس میوکارد (MI) نداشتند و پس از انجام تست ورزش با تردمیل، بر اساس پروتوکول دوک، بعنوان ریسک متوسط طبقه بندی شدند. علاوه بر کاتتریزاسیون قلبی، نمونه خون از سینوس کرونر جهت اندازه گیری PTX3 و hs-CRP گرفته شد و نیز اسید اوریک کلسترول، گلوکز و لیپوپروتئین با دانسیته بالا (HDL)، PTX3 و hs-CRP از گردش خون ورید فمورال گرفته شد. کلسیم اسکورها با استفاده از معیار آگاتستون و سی تی اسکن چند مقطعی بدون ماده حاجب محاسبه شدند. شرکت کنندگان بر اساس تعداد عروق کرونر تنگ شده به انواع (باز، یک، دو و سه رگ بیمار) تقسیم بندی شدند.

یافته ها: علاوه بر اطلاعات دموگرافیک و اندازه سطح سرمی HDL، گلوکز و اسید اوریک، که مجموعاً با سایر مطالعات همسو بودند، ما متوجه شدیم که پس از تبدیل لگاریتمی (log transformation) مقادیر، میزان PTX3 در سینوس کرونر و ورید فمورال با هم ارتباط داشتند. مقادیر PTX3 و کلسیم اسکورها در افرادی که گرفتگی سه رگ داشتند با افرادی که گرفتگی قابل ملاحظه ای نداشتند متفاوت بود. در مورد سطوح hs-CRP تفاوت قابل ملاحظه ای مشاهده نشد.

نتیجه گیری: می توان نتیجه گرفت که سطوح PTX3 در عروق محیطی نمایانگر مقادیر آن در عروق کرونر می باشد و این متغیر را می توان به روش کم تهاجم تری اندازه گیری کرد. علاوه بر کلسیم اسکور سطوح PTX3 در چهار گروه مطالعه ما متفاوت بود. با کمک استفاده همزمان این روشها می توان افرادی را که تنگی عروق کرونر قابل توجه دارند را شناسایی کرد و بصورت گزینشی تر بیماران با ریسک متوسط در تست ورزش را مورد آنژیوگرافی قرار داد.

واژه های کلیدی: بیماری عروق کرونر، کلسیم اسکور، پنتراکسین-۳، hs-CRP، long، غیر تهاجمی

مقایسه کیفیت زندگی بیماران CAD تحت درمان با روش طبی و CABS

بتول نحیر*، رمضان رحمانی، عباس عبادی، اکرم مهجوری، محمد پورابراهیمی

زمینه و هدف: بیماری شریان کرونر CAD نخستین علت مرگ در کشورهای توسعه یافته و ایران به شمار می آید، درمان این بیماری به سه روش دارویی، مداخله غیر جراحی با استفاده از کاتتر بالون دار و به روش پیوند راه فرعی کنارگذر در کرونر CARG انجام می گیرد، در انتخاب شیوه درمان علاوه بر تصمیم پزشک، نظر بیمار خیلی مهم است. برای خیلی از بیماران مزیت روشهای درمانی مورد سؤال است. این مطالعه با هدف تعیین مزیت دو روش درمانی CABS و طبی از طریق اندازه گیری کیفیت زندگی افراد انجام گرفته است.

روش تحقیق: دریک مطالعه توصیفی- تحلیلی مجموعاً ۱۹۰ بیمار مبتلا به CAD تحت درمان با یکی از روشهای دارویی و جراحی عروق کرونر با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف از لیست بیماران بیمارستان بقیه ا... (عج) انتخاب شدند. سپس طی یک مصاحبه ساختارمند پرسشنامه استاندارد کیفیت زندگی ناتینگهام تکمیل گردید. داده ها با آزمون آماری تی مستقل و کای با استفاده از نرم افزار SPSS11 تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: در بیماران تحت درمان با CABS میانگین نمره کیفیت زندگی $18/5 \pm 3/3$ در مقایسه با گروه دارویی که میانگین $23/4 \pm 4/3$ بود و آزمون آماری تی مستقل اختلاف معنا داری را بین این دو شیوه نشان داد ($p < 0.05$). یعنی کیفیت زندگی در بیماران تحت درمان با CABS مطلوبتر از گروه دارویی بود.

نتیجه گیری: روش درمانی CABS هر چند برای بیماران دشوارتر است و هزینه بیشتری در بردارد، اما روش مطلوبتری میباشد و نیازمند دادن آگاهیهای بیشتر به مردم و فراهم کردن امکانات و شرایط لازم جهت فراگیر کردن بکارگیری این روش میباشد.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، بیماری عروق کرونر، جراحی عروق کرونر، مداخله دارویی

بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان دانشگاه های بیرجند

در رابطه با تغذیه

ام البنین معتمد رضایی*، حمیدرضا مشرقی مقدم، بیتا بیجاری، غلامرضا شریف زاده، نرگس معاشری

زمینه و هدف: بیماری های قلبی مهمترین عامل مرگ ومیر در تمامی جوامع شهری می باشند. یکی از عوامل خطر اصلی بیماریهای قلبی رژیم غذایی ناسالم است. هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان دانشگاه های بیرجند در رابطه با تغذیه می باشد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی ۴۳۰ دانشجوی انجام شد. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته ای که روایی محتوی آن را اعضای هیئت علمی صاحب نظر در خصوص مباحث تغذیه ای و مرکز تحقیقات قلب دانشگاه تأیید کرده اند استفاده شد. پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک، سئوالات آگاهی، نگرش و عملکرد تغذیه ای افراد مورد مطالعه بود. پرسشنامه ها به صورت مصاحبه با دانشجویان تکمیل شد. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS 11/5 و روش های آماری توصیفی و آمار استنباطی تجزیه تحلیل داده ها انجام شد.

یافته ها: مطالعه بر روی ۴۳۰ دانشجو (۲۵۰ نفر از دانشگاه علوم پزشکی و ۱۸۰ نفر از دانشگاه بیرجند) انجام شد. میانگین سنی شرکت کنندگان $20/8 \pm 1/7$ سال بود. اکثریت دانشجویان دختر ($66/7\%$) و مجرد ($85/1\%$) بودند و اکثریت در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند. میانگین نمره آگاهی از عوامل خطر بیماریهای قلبی عروقی در شرکت کنندگان از ۷ نمره $5/0 \pm 1/32$ و میانگین نمره نگرش از ۹۵ نمره $71/6 \pm 6/54$ بود. $12/4\%$ دانشجویان مورد مطالعه سطح آگاهی ضعیف داشتند و سطح نگرش در هیچ مورد ضعیف نبود. بین سطح آگاهی و نگرش دانشجویان برحسب وضعیت تاهل، دانشگاه محل تحصیل و مقطع تحصیلی ارتباط آماری معنی داری مشاهده نشد. ولی سطح آگاهی و نگرش در دانشجویان مونث و ساکن مناطق شهری بالاتر از دانشجویان مذکر و روستایی بود. درمورد عملکرد تغذیه ای، شایعترین نوع روغنی که دانشجویان همیشه و اکثراً استفاده می کردند، روغن مایع خوراکی ($58/6\%$) و بعد از آن روغن نباتی جامد ($51/9\%$) بود. $48/9\%$ دانشجویان هیچوقت روغن زیتون مصرف نمی کردند. میانگین مصرف ماهی در هفته $9 \pm 0/8$ ، سبزی و میوه $5/2 \pm 6/3$ و غذاهای آماده $2/3 \pm 1/9$ بود.

نتیجه گیری: علیرغم بالا بودن سطح آگاهی و نگرش تغذیه ای، دانشجویان مورد مطالعه الگوی تغذیه ای مناسبی ندارند. ارائه الگوهای مناسب در تغذیه و داشتن برنامه غذایی سالم در سلف دانشگاهها ضروری بنظر می رسد.

واژه های کلیدی: آگاهی، نگرش، عملکرد، دانشجویان دانشگاه های بیرجند، تغذیه

بررسی کیفیت زندگی و عوامل موثر بر آن در بیماران مبتلا به نارسایی احتقانی قلب مراجعه کننده به درمانگاه های قلب وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران

زهرا راهنورد*

زمینه و هدف: نارسایی احتقانی قلب بیماری است که شیوع و بروز آن در حال افزایش می باشد و به نظر می رسد که بر جنبه های مختلف کیفیت زندگی مبتلایان تاثیر می گذارد. این پژوهش به منظور تعیین کیفیت زندگی و عوامل موثر بر آن در بیماران مبتلا به نارسایی احتقانی قلب مراجعه کننده به درمانگاه های قلب دانشگاه علوم پزشکی تهران صورت گرفته است.

روش تحقیق: یک مطالعه پیمایشی است. تعداد نمونه ها ۱۸۴ نفر از بیماران مبتلا به نارسایی احتقانی قلب بودند که مبتنی بر هدف انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه مشخصات دموگرافیک و کیفیت زندگی بود.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد که اکثریت واحدهای مورد پژوهش کیفیت زندگی نامطلوب در ابعاد جسمی (۴۴/۶٪)، روانی (۴۷/۳٪)، اقتصادی و اجتماعی (۴۹/۵٪) و کیفیت کل زندگی (۴۶/۷٪) داشته و در بعد سلامت عمومی (۲۴/۴٪) از کیفیت زندگی نسبتا مطلوب برخوردار بوده اند. هم چنین نتایج نشان داد که بین وضعیت اشتغال، میزان تحصیلات، مراقبت در منزل، شدت بیماری، طول مدت ابتلا به بیماری، دفعات مراجعه به پزشک، دفعات بستری، مدت زمان ابتلا به فشارخون، وجود ادم، اطلاع از چربی خون و برخی نشانه ها و عوارض بیماری، شدت خستگی در حال حاضر و در یک ماه اخیر ($P=0/000$) و تعداد داروهای مصرفی ($P=0/039$) با کیفیت زندگی ارتباط معنی داری وجود دارد.

نتیجه گیری: نارسایی احتقانی قلب بر کیفیت زندگی تاثیر منفی دارد. بنابراین لازم است که با شناخت عوامل موثر بر کیفیت زندگی و کنترل آنها و انجام مداخلات پرستاری کیفیت زندگی اینگونه بیماران را افزایش داد.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، عوامل موثر، نارسایی احتقانی قلب

بررسی تاثیر آموزش بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتارهای پیشگیری

از مصرف سیگار در نوجوانان دختر

زهرا راهنورد*

زمینه و هدف: استعمال سیگار یک مشکل خطرساز و شایع در میان نوجوانان است و تلاش جهت حفظ هر چه بیشتر سلامت جامعه بسیار ضروری است. هدف از این مطالعه تعیین میزان تاثیر آموزش مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتارهای پیشگیری از مصرف سیگار در نوجوانان دختر می باشد.

روش تحقیق: این یک مطالعه مداخله ای از نوع نیمه تجربی است که در کانون های فرهنگی تربیتی منطقه ۱۷ شهرداری تهران که هر یک از کانونها به طور تصادفی به عنوان گروه کنترل یا تجربه انتخاب شدند، بر روی ۱۷۶ نفر از نوجوانان دختر (۸۸ نفر در دو گروه کنترل و تجربه) انجام شده است. مداخله پژوهش آموزش مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی به روش سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ، طی سه جلسه آموزشی و ارائه محتوای آموزش به صورت کتابچه در گروه تجربه صورت گرفت. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بود که در دو مرحله قبل و بعد از آموزش با فاصله زمانی ۸ هفته جمع آوری گردید.

یافته ها: قبل از آموزش دو گروه از نظر متغیرهای دموگرافیک و همچنین از نظر متغیرهای مربوط به اجزاء مدل همگن بودند. مقایسه دوگروه نشان داد که میانگین اجزاء مدل اعتقاد بهداشتی مشتمل بر حساسیت، شدت، منافع و موانع درک شده، راهنمای عمل و رفتارهای پیشگیری بعد از آموزش در گروه تجربه نسبت به قبل از مداخله و همچنین نسبت به گروه کنترل افزایش معنی داری داشته است ($P=0/001$).

نتیجه گیری: آموزش بهداشت مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی در انجام رفتارهای پیشگیری از مصرف سیگار در نوجوانان موثر بوده است.

واژه های کلیدی: آموزش، مدل اعتقاد بهداشتی، مصرف سیگار، نوجوانان دختر

بررسی رابطه مرحله مثبت شدن تست ورزش با آنژیوگرافی عروق کرونر

فرزانه احمدی، سید مسعود سیدیان، صدیقه باقری*، رضا آیتی پور، مختار قنواتی

زمینه و هدف: بیماری عروق کرونر یکی از شایعترین علل مرگ در تمام کشور می باشد. تست ورزش یک روش که نوعی فعالیت کنترل شده در چند مرحله می باشد، در دسترس و غیر تهاجمی برای غربالگری و تشخیص بیماری عروق کرونری است و بیمارانی که در تست ورزش، ضایعه ای داشته باشند کاندید بررسی بیشتر می شوند. هدف از این مطالعه بررسی وجود رابطه نتیجه حاصل از تست ورزش با شدت ضایعات عروقی در آنژیوگرافی در بیماران با بیماری عروق کرونر است.

روش تحقیق: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی است که بر روی ۱۰۰ نفر بیمار (۷۵ نفر مرد و ۲۵ نفر زن) که تست ورزش مثبت داشته اند و کاندید آنژیوگرافی شده بودند صورت گرفت. با توجه به مثبت شدن تست ورزش و سپس ارزیابی بیمار بوسیله آنژیوگرافی کرونر و مقایسه این دو نتایج آزمایش با هم، بیماران به چهار گروه مختلف تقسیم بندی شدند: الف) درگیری سه رگ (3VD ب) درگیری دو رگ (2VD ج) درگیری یک رگ (SVD د) بدون درگیری (نرمال). با مقایسه این نتایج با پاسخ تست ورزش در هر بیمار میزان درگیری عروق کرونر در هر مرحله از تست ورزش معین گردید و میزان P.Value آن محاسبه شد. و رابطه مرحله مثبت شدن تست ورزش با نتیجه آنژیوگرافی مقایسه گردید. در پایان میزان Specificity تست ورزش در مراحل مختلف آن با توجه به نتایج آنژیوگرافی عروق کرونری تعیین گردید. جهت بررسی از روش آماری chi Square استفاده شد.

یافته ها: همبستگی زیادی بین مرحله مثبت شدن تست ورزش با تعداد عروق کرونری که به آترواسکلروز مبتلا هستند (یک رگ گرفتار، دو رگ گرفتار، سه رگ گرفتار)، بر اساس نتیجه آنژیوگرافی عروق کرونر با ($P < 0/001$) دیده شد. این ارتباط به صورت معکوس می باشد. یعنی هر چه تست ورزش یک بیمار در مراحل اولیه مثبت گردد، میزان درگیری عروق کرونری در آن فرد بیشتر است.

نتیجه گیری: در این مطالعه ارتباط قابل توجه بین مرحله مثبت شدن تست ورزش و تعداد عروق کرونر درگیر دیده شد. و نشان داده شد که هر چه مرحله مثبت شدن تست ورزش پایین تر باشد میزان درگیری عروق کرونری فرد بیمار بیشتر است.

واژه های کلیدی: تست ورزش، آنژیوگرافی کرونر، بیماری عروق کرونر

بررسی وضعیت عیوب انکساری چشم در بیماران مبتلا به هیپرتانسیون سیستمیک

محمدحسین داوری*، متین هاشمی

زمینه و هدف: پرفشاری خون یک بیماری شایع می باشد. با توجه به عوارض آن در چشم و کلیه و سایر ارگانهای حساس و امکان پیشگیری از طریق کنترل ریسک فاکتورها و اینکه عیوب انکساری چشم هم در جامعه شایع است. این مطالعه به منظور تعیین رابطه بین پرفشاری خون و عیوب انکساری چشم انجام شده است.

روش تحقیق: این مطالعه بصورت موردی شاهدهی بر روی ۲۰۱ بیمار مبتلا به پرفشاری خون مراجعه کننده به درمانگاه قلب بیمارستان ولیعصر (عج) بیرجند به عنوان مورد و ۲۰۱ نفر از سایر بیماران درمانگاه که پرفشاری خون نداشتند انجام شد. هر دو گروه از نظر عیوب انکساری توسط چشم پزشک و اپتومتریست با استفاده از، جعبه عینک، اتور فراکتومتر، رتینوسکوپ، افتالموسکوپ، و اسنلن چارت معاینه گردیدند. فشار خون بیماران در شرایط استاندارد توسط دانشجوی چشم پزشکی اندازه گیری و ثبت گردید، فشار سیستولیک بزرگتر مساوی ۱۴۰ میلیمتر جیوه و دیاستول بزرگتر مساوی ۹۰ میلیمتر جیوه و سابقه ۵ سال فشار خون بالا بعنوان پرفشاری خون و عیب انکسار معادل شده ± 0.50 بعنوان عیب انکساری محسوب گردید. داده ها در نرم افزار SPSS وارد و به وسیله آزمونهای آماری کای اسکور و T-test در سطح $\alpha = 0.05$ آنالیز گردید.

یافته ها: میانگین عیب انکساری دوربینی دو چشم در گروه مورد، 0.9729 و در گروه شاهد 0.421 و میانگین نزدیک بینی دو چشم در گروه مورد 0.3955 و در گروه شاهد 0.6032 بود، ولی میانگین آستیگماتیسم دو چشم در گروه مورد 0.2270 و در گروه شاهد 0.2021 بود که معنی دار نبود. میانگین سنی مورد $6/9 \pm 6/50$ و میانگین سنی شاهد $3/50 \pm 4/8$ و $p = 0.75$ می باشد.

نتیجه گیری: افراد با هیپرتانسیون سیستمیک ریسک افزایش یافته جهت ابتلا به دو عیب انکساری دوربینی و نزدیک بینی دارند. پیشنهاد می شود افرادی که عیب انکساری دارند از نظر هیپرتانسیون سیستمیک بررسی و چک شوند.

واژه های کلیدی: پرفشاری خون، دوربینی، نزدیک بینی، آستیگماتیسم

بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد کارکنان درمانی مرکز آموزشی درمانی

ولی عصر (عج) بیرجند از روش گلوکومتری در سال ۱۳۹۱

منصور سلطانی^{*}، اکرم خزاعی، طاهره خزاعی، سمیرا غلامی، عاطفه امیرآبادی

زمینه و هدف: دیابت از عوامل مرتبط با آترواسکلروز به شمار می‌رود. پایش دقیق گلوکز خون توسط گلوکومتر در محیط‌های بالینی منجر به نرموگلیسمی و کاهش مورتالیتی می‌شود. نمونه‌گیری و انجام آزمایشات بایستی به درستی انجام شود. میزان آگاهی، نگرش و عملکرد کارکنان در استفاده از گلوکومتر می‌تواند نقش مهمی در حفظ حیات و سلامت بیمار و یا مرگ وی داشته باشد.

روش تحقیق: در مطالعه توصیفی - تحلیلی انجام گرفته به روش سرشماری کارکنان درمانی شاغل کلیه بخش‌های مرکز آموزش درمانی ولی عصر بیرجند (۲۰۰ نفر) به عنوان نمونه انتخاب شدند و با پرسشنامه پژوهشگر ساخته میزان آگاهی، نگرش و عملکرد آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. بررسی آگاهی بر مبنای مقیاس سه نقطه‌ای و نگرش و عملکرد بر مبنای مقیاس پنج نقطه‌ای لیکرت شامل ۴۶ سوال نمره‌گذاری شد. داده با استفاده از نرم‌افزار SPSS16 و آمار توصیفی (میانگین، فراوانی و انحراف معیار) و آزمون‌های آنالیز واریانس و تعقیب توکی در سطح معنی‌داری ($P < 0.05$) تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نشان داد میانگین نمره آگاهی، نگرش و عملکرد بین گروه‌ها از نظر متغیر سن و جنس واحدهای پژوهش اختلاف آماری معنی‌داری ($P > 0.05$) وجود ندارد. میانگین نمره نگرش برحسب سطح تحصیلات بین دو گروه کارشناس ارشد و فوق دیپلم اختلاف آماری معنی‌داری دارد و در بعد آگاهی بین دو گروه شیفت در گردش با شیفت صبح اختلاف آماری معنی‌داری ($P = 0.01$) وجود دارد. اختلاف در ابعاد آگاهی و عملکرد بین گروه رادیولوژی با سایر گروه‌ها دیده شد و در بعد نگرش اختلاف آماری معنی‌داری ($P = 0.00$) بین بخش چشم و ENT با بخش‌های اورژانس، پاراکلینیک و ویژه وجود دارد.

نتیجه‌گیری: گرچه پرسنل بر برخی جنبه‌های مراقبت گلوکومتری اشراف دارند، اما ضروری است برنامه ارتقای علمی و توسعه فردی پرسنل (PDP) در این خصوص ارائه گردد.

واژه‌های کلیدی: گلوکومتر، کارکنان درمانی، آگاهی، نگرش، عملکرد

بررسی عوامل خطر ساز بیماری های عروق کرونر

در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

زهرا قیروانی^{*}، طیبه کرمانی، محمدرضا میری

زمینه و هدف: انجمن قلب امریکا (AHA) بعضی از عوامل خطر بیماری های عروق کرونر (CAD) را افزایش کلسترول خون، پر فشاری خون، اضافه وزن، چاقی، عدم فعالیت جسمی و دیابت و ... گزارش می کند. بنابراین شناخت و تعدیل این فاکتورها نقش مهمی در پیشگیری از ایجاد آترواسکلروز و کاهش مرگ و میر ناشی از بیماری های قلبی عروقی دارد. به منظور ارزیابی سلامت جسمی دانشجویان، مطالعه ی اخیر با هدف بررسی عوامل خطرساز بیماری های (CAD) در دانشجویان رشته های مختلف علوم پزشکی ورودی ۸۹ در رده ی سنی (۲۲-۱۸ سال) اجرا گردید.

روش تحقیق: در این مطالعه ی توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی که بر روی ۱۵۸ نفر (۴۲ پسر، ۱۱۶ دختر) از دانشجویان رشته های مختلف علوم پزشکی (ورودی ۸۹) در رده ی سنی ۲۲-۱۸ صورت گرفت. اندازه گیری های آنتروپومتری (قد، وزن، فشارخون، دورکمر، دور شکم، دور ساق، بازو، و ...) انجام شد و توده ی بدنی (BMI) تعیین شد. شاخص های تغذیه ای براساس تعریف تغذیه ی متعادل، مصرف آب کافی و میزان فعالیت های ورزشی و تحرک فردی به صورت سؤالاتی در پرسش نامه گنجانده شد. ضمناً سابقه ی افزایش قند و چربی خون بر اساس گزارش فرد ثبت شد. سپس داده ها با استفاده از آزمون های آماری آنالیز گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد که در فاکتور های قد، وزن، دورکمر، دور شکم، فشارسیستول، فشار دیاستول میانگین مقادیر پسران بیشتر از دختران بوده است. به عبارت دیگر فاکتور های فوق بطور معنی داری ($p=0.000$) در دختران با پسران تفاوت داشتند. درتمام شاخص های سلامت جسمی بجز فشار دیاستول و دور شکم اختلاف معنی داری ($p=0.000$) بین دو جنس مشاهده شد. میانگین فشار سیستول و دیاستول در پسران به ترتیب (۷۵ و ۵۵) و میانگین این فشارها در دختران به ترتیب (۷۳ و ۵۵) بود. بر طبق شاخص نمای توده ی بدنی (BMI) درکل افراد (۵۵/۳٪) طبیعی و (۲۶/۴٪) لاغر و (۱۷٪) اضافه وزن و (۱/۳٪) چاق بودند. نتایج حاصل از پرسشنامه نشان داد که در بین دانشجویان (۱/۳٪) هیپرتانسیون، (۱/۳٪) دیابت و (۱/۸٪) هیپرلیپید می داشتند.

نتیجه گیری: بنابراین شناسایی عوامل خطرساز CAD و تعیین شیوع آنها و نیز افزایش آگاهی افشار مختلف جامعه به ویژه دانشجویان رشته های علوم پزشکی که خود نقش اساسی در آموزش، پیشگیری و کنترل دارند، ضروری بنظر می رسد. همچنین پیشنهاد می شود که بمنظور افزایش آگاهی در دانشجویان، برنامه های آموزشی و تحقیقاتی خاصی برای کاهش عوامل خطرساز بیماریهای قلبی و عروقی در جامعه طراحی شود.

واژه های کلیدی: بیماری های عروق کرونر، عوامل خطرساز، دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی

* مربی هیات علمی گروه فیزیولوژی و فارماکولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند ghiravani@yahoo.com

بررسی درصد تجویز گروههای مختلف دارویی و پنج داروی اول تجویزی

در نسخ پزشکان متخصص قلب و عروق

کبری ناصری^{*}، ملیحه کریمی درمیان، اعظم سلمانی بجستانی

زمینه و هدف: استفاده مناسب از داروهای مختلف خصوصاً در بیماران قلب و عروقی با شرایط خاص بیماری و سنی میتواند متولیان سلامت را در اتخاذ تصمیم گیریهای بهداشتی- درمانی راهنمایی کند. تجویز و مصرف منطقی دارو مهمترین گام در ارتقای سلامت بیماران است و یکی از مستندترین راههای بررسی الگوی تجویز دارو در یک جامعه ارزیابی نسخ پزشکان است.

روش تحقیق: این مطالعه یک بررسی توصیفی - مقطعی در خصوص الگوی تجویز گروههای مختلف دارویی و همچنین پرتجویزترین داروها در ۱۵۰۷۸ نسخه متخصصان قلب و عروق استان خراسان جنوبی است. نسخ کلیه داروخانه ها از سازمانهای بیمه گر جمع آوری گردید و توسط نرم افزار بررسی نسخ از نظر درصد تجویز گروههای مختلف و پنج داروی اول تجویزی ارزیابی شد.

یافته ها: بررسی ۱۵۰۷۸ نسخه پزشکان متخصص قلب و عروق استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۰ نشان داد که از بین گروههای دارویی تجویزی، داروهای قلب و عروق ۶۱.۴۶٪، داروهای سیستم عصبی مرکزی ۳۳.۷۶٪، داروهای آنالژژیک ۱۵.۳۳٪، داروهای گوارشی ۳.۴۳٪ و کورتونها ۲.۱۷٪ تجویز شده اند. درضمن ۵ داروی اول تجویزی از نظر بیماران دریافت کننده بترتیب آسپرین، نیتروگلیسرین، متوپرولول، لوزارتان و آتورواستاتین گزارش گردید.

نتیجه گیری: بیشترین گروههای دارویی تجویز شده داروهای قلب و عروق، داروهای سیستم اعصاب مرکزی و آنالژژیک است که با تعامل مناسب پزشکان و داروسازان میتوان اطلاع رسانی در خصوص عوارض و تداخلات دارویی مهم این دسته داروها را در اولویت برنامه های آموزش قرار داد.

واژه های کلیدی: داروهای قلب و عروق، درصد تجویز دارو، متخصص قلب و عروق، گروههای دارویی

* دکترای فارماکولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، معاونت غذا و دارو naserik@bums.ac.ir

بررسی تأثیر لیدوکائین وریدی بر تغییرات همودینامیک بدنبال ساکشن لوله تراشه

در بیماران بخش مراقبت های ویژه

محمد رضا حاجی آبادی^{*}، آراز قورچاهی، قاسم کریمی

زمینه و هدف: با توجه به افزایش تعداد بخشهای ICU و بیماران بحرانی که در بخش مراقبتهای ویژه تحت لوله گذاری تراشه و تهویه مکانیکی قرار دارند. تعداد بیماران نیازمند به ساکشن داخل نای رو به تزاید است. ساکشن لوله تراشه در بیماران بالاخص بیماران ICU با توجه به بیماری زمینه ای و نوع بیماری که باعث بستری شدن آنها در ICU گردیده و می تواند باعث ایجاد تغییرات همودینامیک و متعاقب آن ایسکمی عضله قلب، آریتمی و هیپوکسی شود. تغییرات همودینامیک و هیپوکسی علاوه بر عضله قلب روی ارگانهای دیگر بدن نیز اثرات سوئی دارد. این مطالعه به منظور تأثیر لیدوکائین وریدی در پیشگیری از تغییرات شدید همودینامیک و هیپوکسی بدنبال ساکشن لوله تراشه در بیماران بخش مراقبتهای ویژه انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع کارآزمایی بالینی آینده نگر است که بصورت پلاسیبو کنترل و دوسویه کور بر روی ۸۰ بیمار بخش مراقبتهای ویژه انجام گرفت. بیماران را بطور تصادفی در دو گروه ۴۰ نفری، گروه (الف) دریافت کننده لیدوکالین وریدی (1.5mg/kg) و گروه (ب) یا گروه کنترل (دریافت کننده نرمال ساکین (4ccIV)) قرار دادیم. پس از تزریق لیدوکائین و پلایو برای بیمار، عمل ساکشن لوله تراشه با تکنیک علمی انجام شد. تغییرات فشار خون، ضربان نبض و میزان اشباع اکسیژن شریانی قبل از ساکشن و ۳ دقیقه بعد از آن ثبت گردید و یافته های بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون (t-test) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: بر اساس مطالعه انجام شده تزریق لیدوکالین وریدی قبل از ساکشن لوله تراشه از تغییرات همودینامیک بدنبال ساکشن لوله نای جلوگیری کرد و در گروهی که دارونما دریافت کرده بودند، بدنبال ساکشن لوله تراشه، فشار خون و ضربان قلب افزایش و میزان اشباع اکسیژن شریانی کاهش یافت و این تغییرات همودینامیک در دو گروه از نظر آماری معنی دار بود.

نتیجه گیری: تجویز لیدوکائین وریدی قبل از ساکشن داخل نای مانع از تغییرات همودینامیک در بیماران بخش ICU می شود. بنابراین استفاده از لیدوکائین وریدی قبل از ساکشن لوله نای به همکاران متخصص بیهوشی و مراقبتهای ویژه توصیه می گردد.

واژه های کلیدی: لیدوکائین، تغییرات همودینامیک، ساکشن لوله تراشه

سازگاری زنان مبتلا به بیماری های عروق کرونر: کاربرد نظریه روی (Roy)

دیانا هکاری*، دکتر رحمت محمدزاده

زمینه و هدف: هدف پژوهش حاضر تعیین کاربرد مدل سازگاری روی درمورد زنان مبتلا به بیماریهای عروق کرونر بود. در این بررسی سازگاری بیماران با این بیماری در بعدهای فیزیولوژیک، مفهوم خود، ایفای نقش و استقلال/وابستگی بررسی گردیدند. طبق مدل سازگاری روی (Roy) پرستاری بر ارتقاء میزان سازگاری متمرکز گردیده و بنابراین دارای سهم مثبت در سلامتی، کیفیت زندگی و مرگ توأم با آرامش می باشد.

روش تحقیق: این پژوهش از نوع تحلیل همبستگی و روش نمونه گیری آن تصادفی طبقه ای بوده است. نمونه پژوهش ۲۵۰ نفر و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بود. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام پذیرفت.

یافته ها: میانگین سنی افراد نمونه $58/6 \pm 8/3$ سال، ۱۶۶ نفر بیسواد ($66/4\%$)، ۲۳۱ نفر ($92/4\%$) خانه دار و بعد خانوار اکثریت ۷۰ (28%) پنج نفر بود. نتایج نشان داد بین میزان تحصیلات و بعد خانوار، متوسط درآمد ماهیانه خانوار و میزان سازگاری اختلاف معنی داری وجود دارد $P<0.001$. بررسی میزان سازگاری در ابعاد چهارگانه بیانگر آن بود که افراد نمونه در بعد فیزیولوژیکی برحسب چگونگی انجام فعالیتهای خود مراقبتی با ۱۵۲ مورد ($61/2\%$)، رفتارهای بهداشتی - سلامتی و حفاظت در برابر عوامل خطر آفرین با ۲۱۲ مورد ($84/8\%$) از سازگاری در حد متوسط برخوردار بودند. ۲۰۶ مورد ($82/4\%$) در بعد درک از خود سازگاری متوسطی داشتند. در حالی که ۱۰۹ مورد ($43/6\%$) در بعد استقلال/وابستگی سازگاری کمی را اذعان نمودند. ۲۲۴ مورد ($89/6\%$) در بعد ایفای نقش سازگاری در حد متوسط داشتند. میزان سازگاری براساس ابعاد چهارگانه فیزیولوژیک، خودپنداری، ایفای نقش و استقلال/وابستگی مقایسه گردید که براساس نتایج آزمون فریدمن و آزمون کندال واسپیرمن رو معنی دار بود $P<0.001$.

نتیجه گیری: این مطالعه نمایانگر ارزش استفاده از نظریه پرستاری به عنوان یک چارچوب سازمان یافته برای ارزیابی تجارب زندگی در زنان مبتلا به بیماری عروق کرونر قلب بود. بکارگیری آن می تواند در راستای سازگاری بهتر انسان با تغییرات بوجود آمده در وضعیت سلامتی وی کمک نماید.

واژه های کلیدی: مدل سازگاری خانم روی، ابعاد چهارگانه فیزیولوژیک، درک از خود، ایفای نقش و استقلال/وابستگی

بررسی رابطه سطح هموگلوبین سرم با انسداد عروق کرونر قلب

سمیه خضرلو*

زمینه و هدف: مطالعات اپیدمیولوژیک نشانگر رابطه میان افزایش ذخایر آهن بدن و بیماری های عروق کرونر قلب می باشد. اعتقاد بر این است که التهاب و اکسیداسیون LDL مکانیسم های مهمی هستند که در فرایند پیچیده و پاتولوژیک آترواسکلروز نقش ایفا می نمایند. آهن به عنوان کاتالیزور سبب تسهیل تولید رادیکال های آزاد می شود که این عوامل سبب افزایش پراکسیداسیون چربی ها بویژه LDL می شوند. تعیین سطح هموگلوبین پلاسما یک روش تشخیصی مناسب جهت ارزیابی تعادل آهن در بدن می باشد. هدف از این بررسی تعیین ارتباط بین سطح هموگلوبین سرم با شدت و وسعت تنگی عروق کرونر قلب می باشد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی- مقطعی بر روی ۱۱۰ بیمار مبتلا به آترواسکلروز که تحت آنژیوگرافی عروق کرونر در بیمارستان سیدالشهداء ارومیه قرار گرفتند، انجام شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS استفاده شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد که ارتباط معنی داری بین میزان هموگلوبین خون و شدت و وسعت آترواسکلروز در بیماران وجود دارد. ($P=0/03$)

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه تایید کننده رابطه قوی بین سطح هموگلوبین سرم با شدت و وسعت آترواسکلروز کرونر در بیماران می باشد. بنابراین بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه می توان میزان هموگلوبین را به عنوان یک اندکس مقایسه ای قابل بحث در بیماران مبتلا به آترواسکلروز عروق کرونر مطرح نمود.

واژه های کلیدی: آترواسکلروز، عروق کرونر، هموگلوبین

بررسی تداخلات دارویی در نسخ پزشکان متخصص قلب و عروق

استان خراسان جنوبی در سال ۹۰

ملیحه کریمی درمیان^{*}، کبری ناصری، اعظم سلمانی، محبوبه کریمی

زمینه و هدف: تداخل های دارویی در بدن هنگامی که دو یا چند دارو به طور همزمان تجویز می شوند، به وقوع می پیوندد. این امر سبب تغییر اثر درمانی یا سمیت یک دارو به واسطه حضور دارو یا عوامل دیگر می گردد. در این پژوهش آمار شیوع درجات مختلف تداخل های دارویی دسته داروهای قلبی - عروقی و بیشترین تداخلات هر درجه در نسخ بیمه پزشکان قلب و عروق خراسان جنوبی در سال ۹۰ بر اساس منبع Drug interaction facts 2005 مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی - مقطعی تعداد ۱۵۰۷۸ قلم نسخه بیمه (بیمه خدمات درمانی، تامین اجتماعی و نیروهای مسلح) از متخصصین قلب و عروق خراسان جنوبی در سال ۹۰ از کلیه داروخانه های شهر به شکل CD جمع آوری گردید و توسط نرم افزار بررسی نسخ از نظر شاخص های تجویز مورد ارزیابی قرار گرفت. برای تلخیص داده ها از نمودارها، جداول، درصد و میانگین تحت نرم افزار SPSS16 استفاده شد.

یافته ها: درصد نسخه های دارای تداخل از نظر درجه (۱-۲-۳) به ترتیب ۶.۵۶ - ۹.۱۹ - ۱۱.۲۰ درصد و شدت (خفیف، شدید، متوسط) ۱۰.۹۶ - ۶.۹۸ - ۹.۰۱ درصد و نمایش (تاخیری و سریع) ۲۳.۵۲ - ۳.۴۳٪ می باشد. شدیدترین تداخلات، تداخل دیگوسکین - فروزماید (۲.۰۳٪)، ACEI و دیورتیک های پتاسیم (۳.۰۵٪)، استاتینها و فیبراتها (۰.۷۸٪) می باشد. از بین تداخلات متوسط بیشترین درصد تداخل دیگوسکین - اسپیرینولاکتون (۱٪)، بنزودیازپین - آتورواستاتین (۱.۷۱٪) و ACEI - دیگوسکین (۰.۸۲٪) به دست آمد. خفیف ترین تداخلات نیز تداخل بنزودیازپین - بتابلاک (۴.۴۳٪) و دیگوسکین - تریامترن H (۱.۴۲٪) می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع تداخلات دارویی در نسخ حاوی داروهای قلبی - عروقی مورد بررسی، این مطالعه لزوم توجه و ارائه آگاهی مناسب به پزشکان و داروسازان در جهت ارتقا سلامت بیماران قلبی عروقی را گوشزد می نماید.

واژه های کلیدی: قلبی - عروقی، تداخل دارویی، نسخ بیمه، اقلام دارویی

تمرین مقاومتی موجب کاهش شاخص‌های آترواسکلروز در زنان دارای اضافه وزن می‌شود

شایلا نایبی فر*، محمد اسماعیل افضل پور

زمینه و هدف: میزان شیوع چاقی و اضافه وزن در سراسر جهان روند رو به رشدی را طی می‌کند و در هر دو جنس و هر نژادی دیده می‌شود. بالارفتن وزن بدن در پی افزایش بافت چربی، بویژه بافت چربی احشایی، با شاخص‌های التهابی مانند مولکول چسبان سلولی نوع یک (ICAM-1) و پروتئین واکنشی C (CRP) مرتبط است که منجر به رخداد آترواسکلروز میشوند. تمرین هوازی از طریق کاهش این بیومارکرها موجب کاهش آترواسکلروز میشوند. با وجود این، اثر تمرین مقاومتی بر بیومارکهای درگیر در آترواسکلروز مشخص نیست. از این رو هدف تحقیق حاضر بررسی تاثیر ۸ هفته تمرین مقاومتی بر شاخص‌های درگیر در آترواسکلروز در زنان دارای اضافه وزن بود.

روش تحقیق: ۱۴ زن سالم و دارای اضافه وزن شاخص توده بدنی 28 ± 4 و 27 ± 3 (kg.m²) و درصد چربی بدنی 36 ± 3 (۳۵/۹۳) برای ۸ هفته با شدت ۵۰ تا ۶۵ درصد یک تکرار بیشینه تمرین کردند. این تمرینات چهار جلسه در هر هفته و هر جلسه به مدت ۵۰ دقیقه اجرا شدند. سطح سرمی LDL-C، CRP، ICAM-1، کلاسترول و شاخص‌های ترکیب بدنی قبل و ۴۸ ساعت پس از پایان تمرینات اندازه‌گیری شدند. داده‌ها با استفاده از آزمون t وابسته ($p < 0.05$) تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: تمرین مقاومتی موجب کاهش معنی‌دار مولکول چسبان سلولی نوع یک ($p < 0.001$)، پروتئین واکنشی C ($p = 0.001$)، درصد چربی بدن ($p < 0.001$)، نسبت دور کمر به باسن ($p = 0.010$)، وزن ($p = 0.000$) و شاخص توده بدنی ($p < 0.001$) شد.

نتیجه گیری: به خاطر کاهش چربی بدن و بیومارکهای التهابی درگیر در آترواسکلروز، تمرین مقاومتی برای زنان دارای اضافه وزن توصیه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آترواسکلروز، زنان دارای اضافه وزن، بیومارکهای التهابی، تمرین مقاومتی

تعیین رابطه افزایش کمی CRP (hs-CRP) و انفارکتوس حاد قلبی

زهره آذرکار، مجید جعفرنژاد*، آزاده ابراهیم زاده، سیدرضا اکبرزاده

زمینه و هدف: بیماری های عروق کرونر قلب مهمترین عامل مرگ و میر در کشورهای صنعتی و رو به رشد شناخته می شود. آترواسکلروز را به دلیل وجود پاسخهای بسیار خاص سلولی و ملکولی میتوان به عنوان یک بیماری التهابی توصیف نمود. CRP از شاخص های سیستمیک التهاب می باشد که می تواند در تعیین پیش آگهی بیماران بستری شده با تشخیص آنژین صدری ناپایدار بسیار مفید باشد که این خود مطرح کننده واکنش التهابی در حوادث حاد عروق کرونر می باشد. هدف از این مطالعه تعیین رابطه افزایش کمی CRP با انفارکتوس حاد میوکارد می باشد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع مورد - شاهدی است. در این مطالعه تعداد ۱۸۰ فرد شامل ۹۰ بیمار انفارکتوس حاد قلبی به عنوان گروه مورد و ۹۰ نفر از بین همراهان بیماران بستری در بخش بعنوان شاهد انجام شد. در این بیماران سطح hs-CRP سنجیده شد. سطح سرمی CRP مساوی یا بیشتر از ۱۰ mg/L مثبت در نظر گرفته شد و در هر دو گروه با ریسک فاکتورهای قلبی مقایسه شد.

یافته ها: گروه مورد ۷۰٪ مرد و ۳۰٪ زن و در گروه شاهد ۶۶٪ مرد و ۳۳٪ زن بودند. در گروه مورد ۷۶ نفر (۸۴٪) و در گروه شاهد ۵۶ نفر (۶۲٪) hs-CRP مثبت داشته اند که این تفاوت از نظر آماری معنی دار بود. ($P=0.001$) و مقایسه بر اساس جنس و سن و ریسک فاکتورهای قلبی با hs-CRP هیچکدام از دو گروه تفاوت معنی دار را نشان ندادند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله در این مطالعه بین افزایش hs-CRP و انفارکتوس حاد قلبی ارتباط دیده میشود.

واژه های کلیدی: انفارکتوس حاد میوکارد ، التهاب ، CRP

بررسی شیوع فاکتورهای خطر قلبی در کارکنان شاغل در بیمارستان‌های آموزشی

شهر بیرجند ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹

محسن ضیایی فرد^{*}، سید علیرضا جوادى نیا، غلامرضا شریف زاده، محمد ارجمندی، رقیه نجف زاده، ناهید نخعی

زمینه و هدف: کارکنان بیمارستانها نقش به سزایی در سیستم های خدمات بهداشتی درمانی در سطح ارائه خدمات بهداشتی و در سطح ارائه خدمات آموزشی و پیشگیری از بیماری ها دارا بوده و بدون شک به عنوان یک نمونه عملکردی از شیوه زندگی سالم برای بیماران و مردم جامعه مطرح می باشند. با توجه به شرایط دشوار شغلی، هدف از این مطالعه وضعیت فاکتورهای خطر قلبی را در کارکنان شاغل در بیمارستانهای بیرجند می باشد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی - تحلیلی در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۹ بر روی پرسنل بیمارستانهای آموزشی امام رضا (ع) و ولیعصر (عج) شهر بیرجند به صورت سرشماری انجام پذیرفت. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه خودساخته براساس اهداف طرح که شامل اطلاعات دموگرافیک، وضعیت ریسک فاکتورهای قلبی عروقی، استفاده شد. یک نمونه خون بعد از ۱۲ ساعت ناشتایی از ورید برایکال جهت اندازه گیری قند و چربی های سرم گرفته شد. قد، وزن، دور کمر و دور باسن به روش استاندارد. داده ها در نرم افزار SPSS 13 بوسیله آزمون کای اسکونر در سطح ۰/۰۵ آنالیز گردید.

یافته ها: این مطالعه بر روی ۴۵۳ نفر از پرسنل با میانگین سنی ۴۰/۶±۷/۲ سال (۲۵ - ۶۵ سال) انجام پذیرفت. اغلب شرکت کنندگان مونث بودند (۶/۶۵٪). شایعترین فاکتورهای خطر در جمعیت مورد مطالعه دیس لیپیدمی، اضافه وزن و چاقی شکمی به ترتیب با شیوع ۴/۷۰٪، ۴۰٪ و ۳۷/۷٪ بوده است. شیوع دیس لیپیدمی و مصرف سیگار بطور معنی داری در جنس مذکر بالاتر از جنس مونث بوده است ($P < 0.001$) از سوی دیگر مشخص گردید که چاقی شکمی به طور معناداری در زنان بیشتر از مردان بوده است ($P < 0.001$).

نتیجه گیری: فاکتورهای خطر بیماری های قلبی از شیوع قابل ملاحظه ای در پرسنل شرکت کننده در مطالعه برخوردار بوده که شایعترین فاکتورهای خطر، دیس لیپیدمی، اضافه وزن و چاقی است که قابل پیشگیری می باشد.

واژه های کلیدی: فاکتورهای خطر قلبی، کارکنان، بیمارستانهای آموزشی بیرجند

مقایسه کیفیت زندگی بیماران CAD تحت درمان با CABS و PCI

زینب متدین^{*}، بتول نحیر، عباس عبادی، رمضان رحمانی

زمینه و هدف: بیماری عروق کرونر (CAD) به سه روش طبی، مداخله غیرجراحی با استفاده از کاتتر بالون دار (PCI) و به روش پیوند راه فرعی کنارگذر در کرونر (CABS) درمان می شود، با توجه به آمار پیشرونده CAD و شیوه های مختلف درمان، این مطالعه با هدف تعیین مزیت دو روش درمانی CABS و PCI از طریق اندازه گیری کیفیت زندگی افراد انجام گرفته است.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی - تحلیلی، ۱۹۰ بیمار مبتلا به CAD تحت درمان با یکی از روشهای جراحی عروق کرونر و PCI باروش نمونه گیری مبتنی برهدف از بیماران بیمارستان بقیه ا... (عج) انتخاب شدند. طی مصاحبه، پرسشنامه کیفیت زندگی ناتینگهام تکمیل گردید. داده ها با آزمون آماری تی مستقل و کای با استفاده از نرم افزار SPSS 11 تحلیل گردید.

یافته ها: در بیماران تحت درمان با CABS میانگین نمره کیفیت زندگی $18/56 \pm 3/25$ در مقایسه با گروه تحت درمان با PCI $22/67 \pm 2/691$ بود و آزمون آماری مستقل اختلاف معنی داری را بین دو شیوه نشان داد ($p < 0.05$). کیفیت زندگی در بیماران CABS مطلوبتر از گروه PCI بود.

نتیجه گیری: باتوجه به اینکه بیماران CABS نسبت به بیماران PCI مراقبت بهتری دریافت می کنند و آموزش ها به طور مستقیم به آنها داده می شود و همچنین بیماران PCI نیازمند درمان دارویی دراز مدت هستند، انتظار می رود کیفیت زندگی در گروه اول بیشتر باشد. روش درمانی CABS هرچند برای بیماران دشوارتر است و هزینه بیشتری در بر دارد، اما شیوه مطلوبتری می باشد و نیازمند دادن آگاهیهای بیشتر و فراهم کردن شرایط لازم جهت فراگیر کردن این روش می باشد.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، بیماری عروق کرونر، جراحی عروق کرونر، مداخله غیرجراحی باکاتتر بالون دار

* دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت های ویژه دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج) motedayen.ac@gmail.com

ارتباط لیپیدهای سرم با شاخص توده بدنی در دانش آموزان دبستانی شهر بیرجند

بیتا بیجاری^{*}، فاطمه طاهری، محمود زردست، کوکب نمکین، طیبه چهکندی، علی عباسی، حمید رضا مشرقی مقدم

زمینه و هدف: چاقی دوران کودکی تعیین کننده برخی عوامل خطر بیماری های قلبی عروقی شامل اختلالات چربی خون، پرفشاری خون و تصلب شرایین می باشد. هدف از این مطالعه مقایسه پروفایل چربی در کودکان دبستانی دارای شاخص توده بدنی نرمال با کودکان چاق و دارای اضافه وزن می باشد.

روش تحقیق: در این مطالعه موردی شاهدهی ۴۱۵ دانش آموز در دو گروه مورد (دارای شاخص توده بدنی بالای صدک ۹۰٪ برای سن و جنس) و شاهد (دارای شاخص توده بدنی زیر صدک ۹۰٪) بررسی شدند. نمونه مورد مطالعه شامل دانش آموزانی بود که از طرح بررسی شیوع سندرم متابولیک در کودکان دبستانی شهر بیرجند مشخص شده بودند. قد، وزن و سطح چربی های خون دو گروه از پرونده های آنان استخراج شده و با استفاده از نرم افزار (spss(16 با تست های آماری توصیفی و آزمونهای کای مربع و T مستقل در سطح معنی داری $\alpha \geq 0/05$ آنالیز شد. TG بیشتر از ۱۱۰، کلسترول بیشتر از ۲۰۰، LDL بیشتر از ۱۳۰ و HDL کمتر از ۴۰ به عنوان دیس لیپیدمی در نظر گرفته شد.

یافته ها: گروه مورد شامل ۲۰۷ دانش آموز با میانگین سنی $9/6 \pm 1/3$ سال و گروه شاهد شامل ۲۰۸ دانش آموز با میانگین سنی $9/7 \pm 1/2$ سال بودند. هایپرتری گلیسیریدمی در $4/4\%$ گروه مورد و $20/9\%$ گروه شاهد ($P < 0/001$)، هایپرکلسترومی در $14/6\%$ گروه مورد و $7/1\%$ گروه شاهد ($P = 0/01$)، LDL بالا در $11/7\%$ گروه مورد و $4/6\%$ گروه شاهد ($P = 0/01$) و HDL پایین در $24/2\%$ گروه مورد و $17/3\%$ گروه شاهد ($P = 0/05$) مشاهده شد. میانگین تری گلیسیرید، کلسترول، LDL و HDL در گروه مورد و شاهد به ترتیب به ترتیب $132/8 \pm 54/5$ در برابر $118/8 \pm 56/4$ ($P = 0/01$)، $142/5 \pm 55/6$ در برابر $131/9 \pm 45/4$ ($P = 0/04$)، $79/1 \pm 36/4$ در برابر $74/7 \pm 30/1$ ($P = 0/19$) و $83/5 \pm 54/8$ در برابر $70 \pm 36/7$ ($P = 0/004$) بود.

نتیجه گیری: شاخص توده بدنی می تواند به عنوان ابزاری آسان، غیرتهاجمی و ارزان در شناخت افراد دارای ریسک فاکتورهای بیماریهای آترواسکلروتیک مورد استفاده قرار بگیرد. با توجه به ارتباط چاقی عمومی که با شاخص توده بدنی بالا مشخص می شود با تغییرات مضر در پروفایل لیپید، توصیه می شود کودکان چاق از نظر دیس لیپیدمی مورد غربالگری قرار بگیرند

واژه های کلیدی: لیپیدهای سرم، شاخص توده بدنی، دانش آموز، بیرجند

ارتباط چاقی شکمی با سطح لیپیدهای سرم در دانش آموزان دبستانی شهر بیرجند

طیبه چهکندی، بیتا بیجاری^{*}، فاطمه طاهری، محمود زردست، کوکب نمکین، علی عباسی، سیدعلی ذوالفقاری

زمینه و هدف: افزایش سطح لیپیدهای سرم یکی از مهمترین عوامل خطر بیماریهای قلبی عروقی می باشد که با چاقی بخصوص چاقی مرکزی ارتباط دارد. هدف از این مطالعه مقایسه پروفایل چربی در کودکان دبستانی دارای چاقی مرکزی یا شکمی با کودکان بدون چاقی شکمی می باشد.

روش تحقیق: در این مطالعه موردی شاهدی ۴۸۰ دانش آموز در دو گروه مورد (دارای چاقی شکمی یا دور کمر بالای صدک ۹۰٪ برای سن و جنس) و شاهد (بدون چاقی شکمی) که از طرح بررسی شیوع سندرم متابولیک در کودکان دبستانی شهر بیرجند مشخص شده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. اندازه دور شکم و سطح چربی های خون دو گروه مورد و گروه شاهد از پرونده های آنان استخراج شد. TG بیشتر از ۱۱۰، کلسترول بیشتر از ۲۰۰، LDL بیشتر از ۱۳۰ و HDL کمتر از ۴۰ به عنوان اختلال چربی خون در نظر گرفته شد. داده ها با استفاده از نرم افزار (spss(16 با تست های آماری کای دو و محاسبه نسبت شانس در سطح معنی داری $\alpha \geq 0/05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: تعداد ۲۳۹ دانش آموز در گروه مورد ۲۴۱ نفر در گروه شاهد قرار داشتند. تری گلیسیرید بالا در ۳۹/۱٪ گروه مورد و ۱۷/۴٪ گروه شاهد ($P < 0/001$)، کلسترول بالا در ۲۰٪ گروه مورد و ۱۲/۱٪ گروه شاهد ($P = 0/006$)، LDL بالا در ۱۷/۵٪ گروه مورد و در ۶/۳٪ گروه شاهد ($P < 0/001$) و HDL پایین در ۲۵/۳٪ گروه مورد و ۱۲/۱٪ گروه شاهد ($P < 0/001$) مشاهده شد. نسبت شانس (OR) افزایش تری گلیسیرید، کلسترول، LDL و HDL در گروه مورد نسبت به گروه شاهد به ترتیب ($CI = 1/9 - 4/7$)، $3/04$ ($CI = 1/2 - 3/5$)، 2 ($CI = 1/6 - 6$) و $3/2$ ($CI = 0/2 - 0/6$) و $0/4$ محاسبه شد.

نتیجه گیری: شیوع دیس لیپیدمی در کودکان دارای چاقی شکمی نسبت به کودکان بدون چاقی شکمی و استفاده آسان، ارزان و غیرتهاجمی اندازه گیری شاخص های آنتروپومتریک از جمله اندازه گیری دور کمر برای شناسایی کودکان دارای چاقی مرکزی، غربالگری کودکان از نظر چاقی مرکزی و بررسی پروفایل لیپید در آنان توصیه می شود.

واژه های کلیدی: لیپیدهای سرم، چاقی شکمی، دانش آموز، بیرجند

میزان اسیدهای چرب ترانس برخی از کیک ها، شیرینی ها و میان وعده های

عرضه شده در شهر کرمانشاه

علی شیرزادی^{*}، سهیلا بهرامی، یحیی پاسدار، غلامرضا بهرامی

زمینه و هدف: اسیدهای چرب ترانس (TFAs) در اثر هیدروژناسیون و یا سرخ کردن مواد غذایی در روغن های گیاهی تولید می شوند. وجود این نوع چربی در رژیم غذایی می تواند سبب بیماری های عروق کرونر، آترواسکلروز، افزایش LDL، کاهش HDL، افزایش احتمال سرطان، دیابت و اختلال در رشد جنین انسان می شود. با توجه به عدم وجود اطلاعات کافی در مورد میزان TFAs مواد غذایی در ایران به ویژه در شهر کرمانشاه طراحی گردید.

روش تحقیق: مارک های متفاوت از ۱۳ گروه مواد غذایی شامل بیسکویت، کیک، نان برنجی، نان خرمایی، نان روغنی، زولبیا، بامیه، باقلوا، پیراشکی، چیپس، پفک شکلات و کافی میت خریداری شد. اسیدهای چرب آنها با استفاده از روش فولچ استخراج شد. بعد از متیلاسیون به روش AOCS توسط دستگاه کروماتوگرافی گازی با ستون مووین ۱۰۰ متری و ردیاب یونی شعله ای آنالیز گردید.

یافته ها: بیشترین اسیدهای چرب ترانس در کافی میت، بیسکویت و کیک از ۶.۹۵٪ تا ۱۳.۶۲٪ مشاهده شد که این میزان در شیرینی ها از ۱.۲۴٪ تا ۳.۳۸٪ می باشد. بیشترین میزان اسیدهای چرب اشباع در کافی میت و شکلات دیده شد که قسمت عمده ی آن را پالمیتیک اسید تشکیل می داد.

نتیجه گیری: میزان اسیدهای چرب ترانس مواد غذایی ایران بالاست. از آنجایی که در کشورهای توسعه یافته استاندارد صفر درصدی برای اسیدهای چرب در مواد غذایی منظور شده است، توصیه می شود تمهیداتی برای کاهش یا حذف آن در غذاهای ایرانی دیده شود.

واژه های کلیدی: اسیدهای چرب ترانس، میان وعده ها، کروماتوگرافی گازی

* دانشجوی علوم آزمایشگاهی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کمیته تحقیقات دانشجویی shirzadi.ali92@gmail.com

اثر عصاره های آبی و اتانولی دانه اسپند (*Peganum harmala* L)

بر پروفایل چربی های خون در رت

محمد مهدی حسن زاده طاهری^{*}، محمد حسن پور، نوید ربیعی، سید امیررضا قریشی

زمینه و هدف: درمان بیماری های قلبی - عروقی به کمک داروهای شیمیایی موجود دارای عوارض جانبی نظیر ناراحتی های گوارشی، ضعف و دردهای عضلانی می باشد. لذا گرایش به استفاده از گیاهان دارویی برای درمان آن همواره رو به افزایش می باشد. نظر به اینکه بر اساس برخی رفرنس های طب سنتی دانه گیاه اسپند در برخی جوامع بعنوان داروی کاهنده چربی های خون مصرف می شود، بنابراین مطالعه حاضر باهدف تعیین اثر عصاره های آبی و اتانولی دانه اسپند بر پروفایل چربی های خون طراحی و اجرا گردید.

روش تحقیق: در این پژوهش از ۱۸ سر رت نژاد ویستار با وزن متوسط ۳۰۰ گرم استفاده شد. رت ها بطور تصادفی در ۳ گروه و هر گروه ۶ سر رت، دو گروه آزمایش و یک گروه کنترل دسته بندی شدند. گروه های آزمایشی I و II بترتیب روزانه برای مدت ۳۰ روز با ۳ سی سی مایع محتوی ۱۰۰ mg/kg از عصاره آبی و اتانولی دانه اسپندگاواژ می شدند و گروه III بعنوان گروه شاهد منفی معادل حجم عصاره مصرفی گروه های آزمایش، آب مقطر دریافت می نمودند. در پایان آزمایش رت ها پس از بیهوشی عمیق با اتر خون گیری شدند و میزان چربی های خون آن ها شامل تری گلیسرید (TG)، کلسترول تام (TCL)، کلسترول های LDL و HDL با کیت های آزمایشگاهی اندازه گیری شد. و میزان کلسترول VLDL محاسبه گردید. اطلاعات حاصله ثبت و به کمک نرم افزار SPSS11.5 و استفاده از آزمون های Anova و Tukey و در سطح معنی داری $P < 0/05$ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: تری گلیسرید در گروه های آزمایشی I ($42/1 \pm 9/8$) و گروه آزمایشی II ($41/8 \pm 5/2$) با گروه کنترل ($47/9 \pm 4/3$) اختلاف معنی داری نشان نداد. TCL اگرچه در گروه های آزمایشی کمتر از گروه کنترل بود، اما اختلاف آنها معنی دار نبود. میزان کلسترول LDL در گروه های آزمایشی I و II بترتیب ($36/8 \pm 4/3$ و $35/8 \pm 4/2$) و درگروه کنترل ($44/3 \pm 4/6$) بود و از نظر آماری اختلاف گروه آزمایشی I با گروه کنترل ($P = 0/016$) و گروه آزمایشی II با گروه کنترل ($P = 0/008$) هر دو معنی دار بود. سایر چربی های خون در مقایسه با گروه کنترل اختلاف معنی داری نشان ندادند.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان می دهد که مصرف خوراکی دانه اسپند می تواند کلسترول LDL را بطور معنی داری کاهش دهد و عصاره ی الکلی گیاه موثرتر از عصاره آبی آن می باشد. مطالعه بیشتر بر روی مواد موثره این گیاه و مکانیسم محافظتی احتمالی توصیه می شود.

واژه های کلیدی: دانه اسپند، تری گلیسرید، کلسترول، رت

* دانشیار علوم تشریح دانشگاه علوم پزشکی بیرجند mmhtahery35@yahoo.com

بررسی دیدگاه مبتلایان به افزایش فشار خون در مورد بیماری در بیماران

بخشهای قلب و داخلی بیمارستان ولیعصر (عج) بیرجند

شهناز طبیعی*، علی محمد ایزدپناه، زهرا فرج زاده، سید علیرضا سعادتجو، هایده هدایتی، زهرا آموزشی، نرگس علی آبادی، ناهید نخعی، زهرا سعادت پور

زمینه و هدف: افزایش فشار خون به عنوان یکی از مهمترین عوامل مساعد کننده بیماریهای قلبی عروقی به طور فزاینده ای در جهان رو به افزایش است. فشار خون بالا نه تنها به عنوان یک بیماری بلکه به عنوان یک عامل خطر برای بسیاری از بیماریهای دیگر مطرح می باشد. در ایران حدود ۲۵-۳۵ درصد بزرگسالان میانسال مبتلا به پر فشاری خون هستند. با وجود اینکه امروزه تشخیص و درمان افزایش فشار خون سریع می باشد، اما مطالعات نشان می دهند که حدود ۵۰٪ بیماران شناخته شده تحت درمان بوده که در ۳۰٪ موارد فشار خون آنها در حد مطلوب کنترل شده است. در مطالعات انجام شده موارد از جمله اثر محیط، نوع داروی مصرفی، دانش و عملکرد مبتلایان، رژیم غذایی، فشارهای روانی و ... بر کنترل فشار خون مورد بررسی قرار گرفته، اما در مورد نگرش مبتلایان به افزایش فشار خون مطالعات اندکی انجام شده است. از آنجایی که یک اصل مهم در پیگیری و درمان بیماریها داشتن درک، باور و نگرش مناسب در مورد بیماری می باشد، این پژوهش با هدف تعیین دیدگاه مبتلایان به افزایش فشار خون در مورد بیماری طراحی گردید.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی - تحلیلی که به روش نمونه گیری در دسترس انجام شد، کلیه بیماران مبتلا به افزایش فشار خون که با نظر پزشک تحت درمان داروی کنترل کننده فشار خون قرار داشته و به منظور پایش یا درمان بیماری خود به بخش های داخلی و قلب مراجعه نمودند در طی یک ماه در سال ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفتند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه پژوهش گر ساخته که در دو قسمت اطلاعات دموگرافیک، سؤالات و عبارات نگرش طراحی شده بود استفاده شد. نگرش افراد بر اساس امتیازات کسب شده در ۳ رتبه (ضعیف، متوسط، خوب) طبقه بندی گردید. روایی و پایایی پرسشنامه به روش روایی محتوایی و استفاده از ضریب آلفا کرونباخ تعیین شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات توسط نرم افزار SPSS و به کمک آزمون های آمار توصیفی انجام شد.

یافته ها: ۳۸ بیمار مورد مطالعه قرار گرفتند. ۶۵/۸٪ مونث، ۸۱/۶٪ متاهل و ۵۵/۳٪ سن بالای ۶۰ سال داشته و ۵۵/۳٪ بیسواد بودند. ۶۵/۸٪ بالا بودن قند و اوره خون را به معنی افزایش فشار خون می دانستند. ۸۹/۵٪ معتقد بودند این بیماری علامت دارد که در ۷۱/۱٪ موارد سردرد و سرگیجه را ذکر کردند. تجربه ۲۵٪ بیماران مؤید این بود که داروهای شیمیایی در کنترل بیماری موثر بوده است، اما در مورد تاثیر تغییر الگوی زندگی، رعایت رژیم غذایی و مصرف داروی گیاهی تنها ۷/۹٪ دارای تجربه موفق بودند. نگرش اکثر بیماران (۶۳/۲٪) در مورد تشخیص و درمان فشار خون در حد متوسط بود، بین جنس و سطح تحصیلات با نگرش ارتباط معنادار مشاهده نشد ($p=0/61$).

نتیجه گیری: یافته های این پژوهش نشان می دهد که لازم است نگرش بیماران در خصوص افزایش فشار خون، تشخیص و درمان آن با برنامه ریزی برای افزایش آگاهی های عمومی به ویژه برای اقشار با سطح تحصیلات پایین ارتقا یابد.

واژه های کلیدی: نگرش، افزایش فشار خون، بیماران

بررسی اثر ضد چاقی عصاره های آبی و اتانولی پوست میوه انار در رت

محمد حسن پور^{*}، محمد مهدی حسن زاده طاهری، نعیم روانبخش، ابوالفضل آهنی

زمینه و هدف: چاقی یک اختلال شدید متابولیکی و یکی از عوارض بسیار شایع جوامع بشری است که خود زمینه ساز بسیاری از بیماریهای دیگر از قبیل دیابت، آترواسکلروز، بیماری های عروق کرونر و برخی سرطان ها می باشد. این عارضه براساس اطلاعات سازمان بهداشت جهانی علت اصلی بیش از ۴۰٪ مرگ و میرها در سال است. لذا روش های مختلف و بسیار متنوعی برای درمان این عارضه پیشنهاد و اجرا می گردد که یکی از آن ها استفاده از گیاه درمانی است. نظر به اینکه این روش درمانی دارای عوارض جانبی اندک می باشد و از طرفی کشور ما منبع بسیار غنی از این داروها می باشد، بر آن شدیم تا اثرات ضد چاقی پوست میوه انار را که در بین دامداران بعنوان یک ماده لاغر کننده شناخته می شود با روش علمی و با استفاده از حیوانات آزمایشگاهی رت نژاد ویستار مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم.

روش تحقیق: در این پژوهش از ۲۴ سر رت نژاد ویستار استفاده شد که بطور تصادفی در ۴ گروه (هر گروه ۶ سر رت) دو گروه آزمایش و دو گروه کنترل دسته بندی شدند. با شروع آزمایش تمام رت ها توزین گردیده، قد، اندازه دور کمر و BMI آنها اندازه گیری شد. گروه های آزمایشی I و II بترتیب روزانه برای مدت ۳۰ روز با ۳ سی سی مایع محتوی 400 mg/kg از عصاره آبی و اتانولی پوست میوه انارگاواژ می شدند و گروه III بعنوان گروه شاهد منفی روزانه ۳ سی سی آب مقطر و گروه IV بعنوان کنترل مثبت روزانه بمیزان 5 mg/kg از داروی لاغر کننده Xenical (Roche سوئیس) در ۳ سی سی آب مقطر دریافت می نمودند. در پایان آزمایش مجدداً رت ها توزین گردیده و اندازه قد، دور کمر و BMI برای هرکدام مشخص شد. اطلاعات حاصله ثبت و به کمک نرم افزار Prism ویرایش 3.0 و استفاده از آزمون های Anova و آزمون پیگیری Tukey و در سطح معنی داری $P < 0.05$ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: در مقایسه میانگین اختلاف وزن ابتدا و انتهای گروه های آزمایشی $\pm$ انحراف استاندارد با گروه های کنترل، گروه آزمایشی I (4.625 ± 13.79) و گروه آزمایشی II (-10.33 ± 10.19) با گروه کنترل منفی (7.667 ± 4.803) و کنترل مثبت (-3.33 ± 10.73)، اختلاف معنی داری بین گروه II و گروه کنترل منفی وجود داشت ($p < 0.01$). هیچگونه اختلاف معنی داری بین میانگین اختلاف BMI ابتدا و انتهای گروه های آزمایشی I (0.034 ± 0.346) و گروه II (0.495 ± 0.232) در مقایسه با گروه های کنترل مثبت (-0.197 ± 0.213) و کنترل منفی (0.067 ± 0.266) مشاهده نشد. از نقطه نظر شاخص آنتروپومتری دور کمر اختلاف معنی داری بین تفاوت میانگین دور کمر ابتدا و انتهای گروه های آزمایشی I (-0.688 ± 1.193) و گروه II (0.000 ± 1.140) در مقایسه با گروه های کنترل مثبت (-3.667 ± 0.817) و منفی (-3.167 ± 1.291) مشاهده گردید. ($P < 0.05$)

نتیجه گیری: با توجه به یافته های این پژوهش می توان نتیجه گیری نمود که مصرف خوراکی پوست انار می تواند تا اندازه ای در کاهش وزن و دور کمر نقش داشته باشد.

واژه های کلیدی: چاقی، انار، شاخص توده بدنی، وزن

* استادیار گروه فیزیولوژی و فارماکولوژی و مسئول مرکز تحقیقات عنباب و زرشک دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. mhassanpour61@yahoo.com

بررسی ارتباط عوامل اقتصادی - اجتماعی با کیفیت زندگی در بیماران

دارای بیماری آنژین صدری شهر قم

زهره طاهری خرامه^{*}، مجیده هروی کریموی، ناهید رژه، حسن کریمی یزدی، سمیه اسکندری

زمینه و هدف: بیماری عروق کرونر یکی از دلایل عمده مرگ و میر و ناتوانی محسوب شده و در ایران اولین علت مرگ و میر در افراد بالای ۳۵ سال می باشد. وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد با خطر ناتوانی و مرگ و میر ناشی از بیماری های قلبی - عروقی ارتباط تنگاتنگی دارد. کیفیت زندگی از فاکتورهای پیشگویی کننده وقوع ناتوانی و مرگ در این بیماران است. مطالعه حاضر به منظور تعیین ارتباط عوامل اقتصادی - اجتماعی و کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به بیماری آنژین صدری در شهر قم انجام گرفته است.

روش تحقیق: در این مطالعه مقطعی (توصیفی - تحلیلی) ۱۰۰ بیمار مبتلا به آنژین صدری بستری یا سرپایی مراجعه کننده به دو مرکز آموزشی درمانی منتخب شهر قم در سال ۱۳۹۱ به روش نمونه گیری آسان انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها کیفیت زندگی عمومی فرم کوتاه ۳۶ (SF-36) و پرسشنامه اطلاعات فردی و عوامل اقتصادی - اجتماعی بود. داده ها با استفاده از آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی مستقل و رگرسیون چند متغیره، در محیط نرم افزار آماری SPSS 16 تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: میانگین سنی افراد $59/20 \pm 10/61$ سال بود و ۶۳ درصد آن ها زن بودند. بیشترین نمره کیفیت زندگی مربوط به بُعد کارکرد اجتماعی و کمترین نمره مربوط به بُعد محدودیت نقش ناشی از مشکلات جسمی بود. جنسیت ارتباط معنی داری با تمام ابعاد کیفیت زندگی داشت و کیفیت زندگی زنان در تمام ابعاد پایین تر از مردان بود. ($P < 0/01$) وضعیت تأهل، اشتغال، میزان تحصیلات و سیگار با برخی از ابعاد کیفیت زندگی ارتباط معنی دار داشتند. بر اساس نتایج رگرسیون چندگانه، متغیر جنسیت فاکتور پیشگویی کننده کیفیت زندگی در تمام ابعاد بود. علاوه بر جنس، متغیر وضعیت مالکیت قادر بود دو بُعد عملکرد جسمانی، عملکرد اجتماعی را پیش بینی نماید.

نتیجه گیری: زنان به طور قابل ملاحظه ای کیفیت زندگی پایین تری نسبت به مردان داشتند. تمرکز و توجه بیشتر در مراقبتهای درمانی و پرستاری، جهت ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی این گروه از بیماران ضروری به نظر می رسد. همچنین با توجه به ارتباط وضعیت تأهل، اشتغال، تحصیلات، مالکیت و مصرف سیگار با برخی از ابعاد کیفیت زندگی بیماران قلبی سیاستگذاری و برنامه ریزی مسئولین، جهت بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی بیماران قلبی ضروری به نظر می رسد.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، آنژین صدری، عوامل اقتصادی - اجتماعی

* دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت های ویژه، دانشگاه علوم پزشکی قم zahrataherikharame@yahoo.com

بررسی ارتباط بین افزایش وزن دوران بارداری و فشار خون حاملگی

در بیمارستان ولیعصر (عج) بیرجند

زهره خزاعی^{*}، غلامرضا شریف زاده، خیرالنساء رمضان زاده

زمینه و هدف: چاقی شدید بی شک برای زن حامله و جنین خطرناک است. بیماریهای زیادی با چاقی در ارتباط هستند که می توان به بیماری قلبی و هیپرتانسیون اشاره کرد، تعدادی از پیامدهای نامطلوب پری ناتال در زنان حامله دارای اضافه وزن و چاقی افزایش می یابد. این مطالعه به منظور تعیین ارتباط بین وزن گیری دوران بارداری با فشار خون حاملگی در بیمارستان ولیعصر (عج) شهرستان بیرجند انجام شده است.

روش تحقیق: در مطالعه توصیفی آینده نگر بر روی خانم های باردار (ترم حاملگی)، تک قلو و بدون بیماری سیستمیک مراجعه کننده به زایشگاه ولیعصر (عج) انجام شد، ۶۸۵ زن باردار مطالعه شدند و متغیرهایی مانند سن مادر، شغل، سطح سواد، BMI اولیه، افزایش وزن دوران بارداری و فشار خون حاملگی در فرم اطلاعات ثبت شد. داده ها با نرم افزار SPSS وارد رایانه شده و برای تعیین ارتباط بین داده ها از آزمون کای اسکور آنالیز شدند.

یافته ها: در این مطالعه اضافه وزن و چاقی در بین زنان شیوعی معادل ۱۴/۷٪ و ۱۰/۸٪ داشتند. افزایش وزن مادر طی بارداری در ۱۳/۴٪ بیشتر از میزان توصیه شده بود. ۲۲ نفر بدلیل هیپرتانسیون در بیمارستان بستری شدند. ۳۷/۲٪ سزارین شدند، ۴/۲٪ ادم صورت و اندام فوقانی و ۰/۳٪ تشنج داشتند. در ۷/۲٪ فشار خون ایجاد شده در حاملگی مشاهده گردید. بیشترین مقدار ماکروزومی در BMI ۲۹ و بالاتر دیده شد. ارتباط معناداری بین موارد فشار خون بارداری و شاخص توده بدن مادر پیش از بارداری وجود داشت ($p=0/005$)، به طوری که بیشترین موارد آن در گروه با BMI بیش از ۲۶ مشاهده گردید. ارتباط معناداری بین فشار خون ایجاد شده در حاملگی و میزان افزایش وزن بارداری دیده شد، بطوریکه بیشترین موارد فشار خون ایجاد شده در حاملگی ۱۵/۲٪ در افزایش وزن بیش از حد جنین دیده شد.

نتیجه گیری: افزایش وزن گیری در دوران بارداری و افزایش شاخص توده بدنی مادر منجر به افزایش فشار خون ایجاد شده در طی حاملگی می گردد.

واژه های کلیدی: شاخص توده بدنی، افزایش وزن دوران بارداری، فشار خون حاملگی

اثر گرده گل بر چربی های خون جوجه های گوشتی

علیرضا فضایی راد^{*}، نظر افضلی، همایون فرهنگ فر، محمدرضا اصغری

زمینه و هدف: گرده گل یک مکمل غذایی مقوی و با ارزشی است که حاوی ویتامینهای مختلف، مقدار زیادی اسید آمینه ضروری برای رشد، مواد مختلف معدنی و ترکیبات تقویت کننده مویرگ ها می باشد. چربی های گرده اشباع نشده بوده و اغلب، این چربی ها می توانند میزان کلسترول خون را کاهش دهند. گرده گل توسط اندام نر گیاه تولید می شود و توسط سبده گرده که در ساق پای عقبی زنبور قرار دارد حمل و بوسیله تله گرده گیر جمع آوری می شود. استفاده از گرده گل باعث کاهش کلسترول و لیپوپروتئین در بیماران مبتلا به تصلب شرایین می شود. هدف از مطالعه حاضر بررسی تاثیر سطوح مختلف گرده گل در جیره جوجه های گوشتی بر چربی های خون می باشد.

روش تحقیق: تعداد ۱۶۰ قطعه جوجه نر سویه راس یک روزه در قالب طرح کاملاً تصادفی در ۴ تیمار، ۴ تکرار و ۴۰ قطعه جوجه در هر تیمار تقسیم شدند. تیمارهای غذایی شامل: جیره پایه (شاهد)، ۱ درصد گرده گل + جیره پایه، ۱/۵ درصد گرده گل + جیره پایه، ۲ درصد گرده گل + جیره پایه بودند. در سنین ۲۱ و ۴۲ روزگی ۸ پرنده از هر تیمار (۲ پرنده از هر تکرار) بطور تصادفی انتخاب و کلسترول، تری گلیسرید و گلوکز سرم خون اندازه گیری شد.

یافته ها: گرده گل تمام سطوح در سنین ۲۱ و ۴۲ روزگی کلسترول را در مقایسه با گروه شاهد بطور معنی داری کاهش داد ($p < 0.05$). افزایش گرده گل در سطوح مختلف به جیره غذایی مرغان گوشتی بر میزان کلسترول، تری گلیسرید و گلوکز تأثیر داشت بطوری که در همه گروهها کلسترول، تری گلیسرید و گلوکز خون پایین تر ($P < 0.05$) از گروه شاهد در سن ۴۲ روزگی بود.

نتیجه گیری: گرده گل، می تواند کلسترول خون در جوجه های گوشتی را پایین آورده و اثرات ناشی از آترواسکلروز را کاهش دهد.

واژه های کلیدی: گرده گل، آترواسکلروز، کلسترول، تری گلیسرید، جوجه گوشتی

* دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم دامی دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند fazaelirad.alireza@gmail.com

بررسی ترکیب اسیدهای چرب سیس و ترانس کوهان و گوشت شتر در بیرجند و نهبندان

علی اله‌رسانی، سیدجواد حسینی واشان^{*}، محمد ملکانه، زهره کامیار

زمینه و هدف: درصد بالای اسیدهای چرب ترانس و امگا-۶ در منابع خوراکی انسان، میزان بروز بیماری‌ها قلبی-عروقی و آترواسکلروز را تشدید می‌نماید. یکی از منابع پروتئین حیوانی مورد استفاده در رژیم غذایی ایرانیان گوشت شتر است. به همین منظور ترکیب اسیدهای چرب پیه کوهان و گوشت شتر در شهرستان‌های بیرجند و نهبندان به عنوان دو مرکز عمده گوشت شتر خراسان جنوبی مقایسه گردید.

روش تحقیق: تعداد ۵ نمونه گوشت و ۵ نمونه پیه کوهان از محل کشتارگاه‌های دام تهیه گردید و تا زمان استخراج چربی آنها در فریزر -80°C نگهداری شد. پس از جمع‌آوری تمام نمونه‌ها، چربی استخراج و متیله گردید، سپس نوع و درصد اسید چرب در مقایسه با زمان پیک و مقدار پیک استاندارد و روش استاندارد داخلی تعیین گردید و سپس آنالیز آماری داده‌ها به کمک نرم افزار SAS انجام شد.

یافته‌ها: مقدار اسیدهای چرب لوریک، مرستیک، مرستولئیک، پالمیتولئیک سیس و ترانس، اولئیک، الایدیک، لینولئیک، لینولنیک، ایکوزانوئیک، ایکوزاتری‌انوئیک، آراشیدونیک، ایکوزاپنتانوئیک، دکوزاتترانوئیک و دکوزاپنتانوئیک و SFA، MUFA، اسیدهای چرب غیراشباع امگا-۶ در کوهان و گوشت شتر نهبندان و بیرجند تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. مقدار اسیدهای چرب پالمیتیک، استئاریک، CLA و ایکوزامونوئیک، ایکوزادی‌انوئیک و دوکوزاهگزانوئیک کوهان و گوشت در مناطق مختلف استان تفاوت معنی‌داری نشان داد که مقدار اسیدهای چرب ترانس در کوهان کمتر و در گوشت بالاتر، همچنین در نهبندان بیشتر از بیرجند بود.

نتیجه‌گیری: مقدار کل اسیدهای چرب اشباع و غیراشباع گوشت و کوهان و یا منطقه جمع‌آوری شباهت داشته اما مقدار اسیدهای چرب ترانس در کوهان کمتر از گوشت و در تولیدات شتر بیرجند کمتر از نهبندان بود. احتمالاً گوشت شتر بیرجند بدلیل مقدار کمتر اسیدهای چرب ترانس از نظر میزان بروز آترواسکلروز دارای کیفیت بالاتری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: اسیدهای چرب سیس، ترانس، کوهان و گوشت شتر، آترواسکلروز

شیوع چاقی و چاقی شکمی در کودکان دبستانی شهر بیرجند سال ۱۳۹۱

فاطمه طاهری^{*}، کوکب نمکین، محمود زردست، طیبه جهکندی، بیتا بیجاری، محسن فوادالدینی

زمینه و هدف: شیوع چاقی در کودکان در چند دهه اخیر در سراسر جهان رو به افزایش است. چاقی به ویژه چاقی شکمی با افزایش ریسک سندرم متابولیک و بیماری قلبی عروقی همراه است. هدف از این مطالعه تعیین شیوع چاقی و چاقی شکمی در کودکان دبستانی ۶ تا ۱۱ ساله شهر بیرجند بود.

روش تحقیق: این مطالعه مقطعی و توصیفی - تحلیلی در سال ۱۳۹۱ روی ۱۶۲۱ دانش آموز دبستانی شامل ۸۹۳ دختر و ۷۲۸ پسر که از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای سهمی از دبستانهای شهر بیرجند انتخاب شده بودند، انجام گردید. برای تعیین چاقی از شاخص توده بدنی و مقایسه با صدک های CDC (صدک ۸۵ تا ۹۵ به عنوان اضافه وزن و صدک بالای ۹۵ به عنوان چاقی در نظر گرفته شد). برای تعیین چاقی شکمی با استفاده از دورکمر و صدک مساوی یا بیشتر از ۹۰ برای سن و جنس به عنوان چاقی شکمی منظور شد. آنالیز داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری t تست و کای دو انجام شد.

یافته ها: ۱۴.۶٪ کودکان (شامل ۱۱٪ دختران و ۱۸٪ پسران) دارای اضافه وزن و ۸.۵٪ کودکان (شامل ۶.۴٪ دختران و ۱۱٪ پسران) چاق بودند. ۱۵.۷٪ کودکان (شامل ۱۲٪ دختران و ۲۰/۳٪ پسران) چاقی شکمی داشتند. این تفاوتها از نظر آماری معنی دار بود.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای چاقی و اضافه وزن و چاقی شکمی در کودکان دبستانی بیرجند اطلاع رسانی و آموزش خانواده ها نسبت به اصلاح شیوه ی زندگی و پیشگیری از چاقی در کودکان توصیه می شود.

واژه های کلیدی: چاقی، چاقی شکمی، کودکان دبستانی، بیرجند

بررسی شیوع پرفشاری خون، هایپرلیپیدمی و دیابت در سالمندان مناطق شهری

استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۷

میترا مودی^{*}، غلامرضا شریف زاده، محمدحسین نخعی، زهرا امینی نسب، رویا طاهر گورابی

زمینه و هدف: پرفشاری خون، هیپرلیپیدمی و دیابت از جمله عوامل خطر ساز بیماری های قلبی - عروقی محسوب می شود. این مطالعه با هدف تعیین شیوع پرفشاری خون، هیپرلیپیدمی و دیابت در سالمندان ساکن مناطق شهری استان خراسان جنوبی انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی، بر روی ۱۵۳۷ سالمند مناطق شهری استان خراسان جنوبی به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای در سال ۱۳۸۷ انجام شد. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه طرح جامع سلامت سالمندان که روایی و پایایی آن در کشور ما تأیید شده، استفاده شد. پرسشنامه به صورت مصاحبه با سالمندان توسط کارشناسان سالمندان آموزش دیده مراکز بهداشت هفت گانه استان تکمیل شد و قد، وزن، فشار خون در شرایط استاندارد اندازه گیری شد. داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار SPSS11 وارد و با استفاده از آزمونهای آماری در سطح معنی داری $\alpha = 0/05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: میانگین سنی سالمندان مورد مطالعه $68 \pm 7/4$ سال بود. $56/3\%$ سالمندان زن و $43/7\%$ مرد بودند. $39/6\%$ سالمندان مبتلا به پرفشاری خون بودند. $19/9\%$ سابقه هیپرلیپیدمی و $10/6\%$ سابقه ابتلا به دیابت داشتند. هر چند شیوع پرفشاری خون در زنان بیشتر از مردان بود ولی آزمون آماری کای اسکور اختلاف معنی داری در شیوع پرفشاری خون بر حسب جنس در سالمندان مورد مطالعه نشان نداد ($p=0.96$). این آزمون اختلاف معنی داری در شیوع هیپرلیپیدمی و دیابت بر حسب جنس نشان داد ($p \leq 0.001$) به طوری که شیوع هیپرلیپیدمی و دیابت در زنان بیشتر از مردان بود.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای پرفشاری خون، هیپرلیپیدمی و دیابت در سالمندان، لازم است مسئولین بهداشت و درمان و سایر ارگانهای حمایتی به برنامه های درمانی و بازتوانی این گروه آسیب پذیر جامعه توجه بیشتری معطوف دارند.

واژه های کلیدی: پرفشاری خون، هیپرلیپیدمی، دیابت، سالمندان

* عضو هیات علمی گروه بهداشت عمومی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

mitra_m2561@yahoo.com

شیوع پرفشاری خون در کودکان ۱۱-۶ ساله بیرجند ۱۳۹۱

محمود زردست^{*}، فاطمه طاهری، کوکب نمکین، طوبی کاظمی، طیبہ چکهندی، بیتا بیجاری

زمینه و هدف: افزایش فشار خون یکی از مهمترین مسائل بهداشت عمومی در کشورهای پیشرفته است. راهنماهای بالینی جدید پرفشاری خون را به عنوان مشکل بهداشتی مهم در کودکان مطرح می نمایند. این بررسی با هدف تعیین شیوع پرفشاری خون در کودکان دبستانی شهر بیرجند انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه مقطعی توصیفی بر روی ۱۵۲۱ کودک دبستانی شهر بیرجند با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله‌ای خوشه‌ای انجام شد. پرسشنامه فردی برای هر کودک تکمیل و قد و وزن و فشار خون سیستولیک و دیاستولیک به روش استاندارد اندازه گیری شد و فشار خون بر اساس صدک های متناسب بر حسب قد ارزیابی شد. داده ها وارد نرم افزار SPSS شد و با آزمون کای اسکوتر در سطح $\alpha=0.05$ آنالیز شد.

یافته ها: میانگین سنی دانش آموزان دبستانی 9.4 ± 1.6 سال بود. میانگین فشارخون در دختران 96.1 mmHg و در پسران 99.2 mmHg بود، که این اختلاف از نظر آماری معنی دار بود. میانگین فشار دیاستولیک دختران 54.9 mmHg و پسران 57.3 mmHg بود. میانگین فشار خون با افزایش سن و قد افزایش یافته و پرفشاری خون در 15.5% از کودکان بدست آمد.

نتیجه گیری: پرفشاری خون بویژه در دختران شیوع بالایی دارد. پیشنهاد می شود پیگیری این کودکان به فواصل و با کاهش عوامل استرس محیطی انجام شده و در صورتی که فشار خون بطور ثابت بالا بود، تغییرات شیوه زندگی و تغذیه و افزایش فعالیت زندگی مد نظر قرار گیرد.

واژه های کلیدی: پرفشاری خون، کودکان دبستانی، بیرجند

کیفیت زندگی در بیماران ایسکمیک قلب شهر قم

زهرآ علی اکبرزاده آرانی^{*}، محسن تقدسی، حمیدرضا گیلانی، مجید خاری آرانی

زمینه و هدف: بیماری های ایسکمیک قلب، شایعترین بیماری های قلبی و مهم ترین علت مرگ و میر در تمام دنیا می باشد که بر روی کیفیت زندگی بیماران مبتلا تأثیر می گذارد. این مطالعه جهت تعیین کیفیت زندگی مبتلایان به بیماری های ایسکمیک قلب مراجعه کننده به مراکز درمانی کاشان در سال ۱۳۸۶ انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع مقطعی است که در روی ۵۰۰ نفر از مراجعین به مراکز درمانی که بر اساس نتایج آنژیوگرافی، درگیری عروق کرونر و یا سابقه عمل PTCA و CABG داشتند، با ابزار SF-36 کیفیت زندگی عمومی و با پرسشنامه SAQ کیفیت زندگی اختصاصی آن ها سنجیده شد. سپس با شاخص های توصیفی و با تست کای دو و فیشر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد میانگین سنی افراد $60/5 \pm 12/5$ سال بود. از ۵۰۰ بیمار ۵۵/۸٪ آن ها مرد بودند. بیشتر بیماران سابقه MI قلبی داشتند. ۹۵/۲٪ دارای حداقل یک ریسک فاکتور به ترتیب دیابت، پرفشاری خون و چربی خون بالا بودند. ۲۶/۱٪ PTCA شده بودند و ۸/۷٪ تحت CABG قرار گرفتند. میانگین کیفیت زندگی بر اساس SF-36 $112/5 \pm 24$ و بر اساس SAQ $59/8 \pm 9/1$ بود. عوامل موثر بر کیفیت زندگی شامل بیماری های زمینه ای، بیماری قلبی، سن بالا، عدم آموزش کافی، تحصیلات، دفعات MI و جنسیت بود.

نتیجه گیری: اکثر بیماران کیفیت زندگی متوسط و خوب داشتند. بیمارانی که تحت CABG قرار گرفته بودند کیفیت زندگی بهتری نسبت به PTCA داشتند، ولی کیفیت زندگی عمومی و اختصاصی در بیماران MI و آنژیونی بهتر از بیمارانی بود که تحت بازسازی عروق کرونر قرار گرفته بودند. همچنین سن بالا، بیماری های زمینه ای و نوع بیماری های قلبی، دفعات MI و جنسیت روی کیفیت زندگی موثر بوده که لزوم توجه بیشتر و دادن آموزش کافی به این بیماران را نشان می دهد.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، SAQ، SF-36، MI، CABG، PTCA، IHD

* هیات علمی گروه اتاق عمل، دانشگاه علوم پزشکی قم zaliakbarzade@muq.ac.ir

میزان آگاهی و عملکرد افراد بیمار مبتلا به سکته مغزی، بستری در بیمارستان بوعلی سینای

شهر قزوین از عوامل خطر ساز بیماری سکته مغزی در سال ۱۳۸۹

علی وفایی، جواد قدوسی نژاد^{*}، مصطفی چترروز، فرزانه فلاحت پیشه، الهام باغبان باغستان

زمینه و هدف: سکته یا ایسکمی مغزی، سومین عامل مرگ و میر در کشورهای پیش رفته و یا در حال توسعه بوده و یکی از علل اصلی معلولیت‌های دراز مدت به شمار می‌رود. مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان آگاهی و عملکرد در افراد سالم و مبتلایان به سکته مغزی و حمله ایسکمی گذرا مراجعه کننده به بیمارستان بوعلی سینای قزوین در سال ۱۳۸۹ از عوامل خطر ساز بیماری سکته مغزی و حمله ایسکمی گذرا طراحی و اجرا شد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی - تحلیلی و مقطعی در سال ۸۹ بین بیماران بستری در بیمارستان بوعلی سینا قزوین و افراد سالم انجام شد. تعداد ۸۰ نفر نمونه در گروه بیمار و ۱۶۰ نفر در گروه سالم برآورد شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه خودایفا مشتمل بر ۵۲ سوال بسته در رابطه با اهداف پژوهش در سه قسمت شامل: مشخصات دموگرافیک با ۱۳ سوال، سنجش عملکرد با ۳۰ سوال، سنجش آگاهی با ۹ سوال بود، که توسط پرسشگرها به صورت مصاحبه تکمیل گردید. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری تی کای دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: بین میانگین مجموع عملکرد در ۸۰ نفر نمونه بیمار از عوامل خطر ساز بیماری سکته مغزی و حمله ایسکمی گذرا برابر $87/76 \pm 94/3$ و میانگین مجموع عملکرد در ۱۶۰ نفر نمونه سالم برابر $25/86 \pm 53/7$ می باشد که بین میزان عملکرد و میزان بروز بیماری رابطه معناداری را ایجاد کرده است ($p < 0/0001$). میانگین مجموع آگاهی در افراد بیمار از عوامل خطر ساز بیماری سکته مغزی و حمله ایسکمی گذرا برابر $38/5 \pm 11/85$ و مجموع آگاهی در افراد سالم برابر $66/6 \pm 50/1$ بود (امتیاز مجموع آگاهی بین ۰-۹ می باشد) که بین میزان آگاهی با میزان بروز بیماری رابطه معناداری را ایجاد کرده بود. ($p < 0/01$)

نتیجه گیری: بین میزان آگاهی و عملکرد بیماران نسبت به بیماری و عوامل خطر ساز رابطه وجود دارد یعنی بررسی نیازها، برنامه ریزی و آموزش از طرف سازمان‌های وابسته به نظام سلامت می تواند میزان آگاهی از عوامل خطر را بالا می برد.

واژه‌های کلیدی: حمله ایسکمی گذرا، سکته مغزی، عوامل خطر ساز، آگاهی، عملکرد

عوامل خطرزای بیماریهای قلبی عروقی در کارگران صنعت کاشی

محمود صادقی خراشاد*، بیتا بیجاری

زمینه و هدف: افزایش شیوع بیماریهای قلبی عروقی (CVD) به دنبال افزایش شیوع عوامل خطرزای آنها رخ داده و طی مطالعات بعمل آمده افزایش شیوع عوامل خطرزا ریشه در شیوه زندگی مردم دارد. مطالعه حاضر به منظور تعیین شیوع عوامل خطرزای بیماریهای قلبی عروقی در کارگران یک کارخانه کاشی در بیرجند انجام شد تا در نهایت یک پروتکل عملیاتی برای پیشگیری و کنترل CVD در آینده در این کارخانه و سایر محیط های کارگری فراهم گردد .

روش تحقیق: این مطالعه مقطعی توصیفی - تحلیلی در سال ۱۳۸۷ بر روی ۱۰۸ نفر از کارگران یک کارخانه کاشی در شهرستان بیرجند انجام گرفت. داده های مطالعه با کمک پرسشنامه ای شامل مشخصات فردی، قد، وزن، فشارخون، دورکمر، دورباسن، قند و چربی خون گردآوری و سپس داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS در سطح معنی داری $p < 0.05$ تجزیه و تحلیل آماری گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد افراد مورد مطالعه همگی مرد بودند و میانگین سنی آنها $33/4 \pm 8/8$ سال، میانگین و انحراف معیار قند خون ناشتا و تری گلیسرید به ترتیب $85/16 \pm 16/40$ و $113/75 \pm 78/23$ مشاهده شد. از افراد مورد مطالعه ۱۱٪ سیگاری، ۳/۷٪ دارای قند خون بالا، ۴۸٪ توتال کلسترول بالا و ۵۱٪ تری گلیسرید بالا داشتند و همچنین از کارگران مورد بررسی ۴۲٪ BMI بالا داشتند و فعالیت فیزیکی کمتر از حداقل در ۷۵٪ کارگران مشاهده شد.

نتیجه گیری: عوامل خطرزای قلبی عروقی در کارگران مورد مطالعه با توجه به جوان بودن آنها نسبتاً بالا می باشد.

واژه های کلیدی: عوامل خطر، قلبی عروقی، کارگران، صنعت کاشی

بررسی نتایج آسیب شناسی عروق کرونر در کالبدگشایی های انجام شده در تالار تشریح مرکز**پزشکی قانونی خراسان جنوبی از سال ۱۳۸۶ الی شهریور ماه ۱۳۹۱**

حسن محمدزاده، امید مهرپور، راضیه احمدی*

زمینه و هدف: بررسی مرگ یکی از اساسی ترین و بارز ترین وظایف پزشکی قانونی در دستگاه قضایی است. یکی از راه های تشخیص قطعی علت مرگ، کالبدگشایی می باشد. این مطالعه به منظور تعیین نتایج آسیب شناسی قلب و عروق کرونر و مشخصات دمو گرافیک اجساد ارجاعی به تالار تشریح اداره کل پزشکی قانونی بیرجند انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی - تحلیلی، مقطعی و گذشته نگر است. کلیه پرونده های متوفیان که در فاصله زمانی فروردین ماه ۱۳۸۶ الی پایان شهریور ماه ۱۳۹۱ جهت تعیین علت فوت در تالار تشریح اداره کل پزشکی قانونی خراسان جنوبی کالبدگشایی شده بودند، مورد بررسی قرار گرفت و پرونده هایی که گزارش آسیب شناسی قلب نداشتند از مطالعه خارج شدند. از کل پرونده های تعیین علت فوت، ۱۰۱ پرونده انتخاب و اطلاعات در پرسشنامه ای که شامل اطلاعات دموگرافیک (سوابق بیماری، سابقه اخیر تروما، سوابق فردی) و نتیجه آسیب شناسی قلب (وزن قلب، وضعیت دریچه ها، وضعیت پریکارد، عروق کرونر و بطن راست و چپ) و علت فوت تعیین شده بود، تکمیل گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۱۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی متوفیان مورد مطالعه $38.3 \pm 17/84$ سال (۵ - ۸۵ سال) بود. با بیشترین فراوانی در سنین ۶۰ - ۳۱ سالگی و کمترین فراوانی در سنین بالای ۶۰ سال بود. ۷۱٪ اجساد مذکر بودند. علت نهایی فوت به ترتیب مسمومیت ها ۲۹/۹٪ (مسمومیت با مواد مخدر، داروها، متادون و)، بیماری های قلبی ۲۱/۶٪ (ایسکمی قلبی، بیماری های دریچه ای، نارسایی قلبی و میوکاردیت)، حلق آویزی ۱۲/۴٪، خونریزی مغزی و صدمات متعدد ۱۰/۴٪، نارسایی حاد تنفسی (ARDS) ۱۰/۳٪، بیماری داخلی ۹/۳٪، خونریزی داخلی ۳/۱٪ و سایر موارد (برق گرفتگی و...) ۲٪ را شامل می شد. در بررسی مسمومیت ها، شایعترین علت سوء مصرف مواد مخدر (۲۰/۶٪) و در بررسی علل فوت قلبی، بیشترین علت یافت شده، ایسکمی قلبی (حدود ۶۰٪) بود. در بررسی بافت شناسی عروق کرونر، بیشترین درگیری به ترتیب مربوط به شاخه های LAD (شریان نزولی چپ)، RCA (شریان کرونری راست) و CX (شریان سیرکومفلکس) بود. در بررسی میزان تنگی عروق کرونر نیز بالاترین میزان مربوط به تنگی بیش تر از ۷۰ درصد در LAD (۶۱/۹٪) و پس از آن تنگی بیش از ۷۰ درصد در RCA (۵۸/۸٪) بود ولی ۵۰٪ تنگی های CX بین ۷۰ - ۵۰ درصد بود. میانگین وزن قلب در کل متوفیان مورد مطالعه $323/54 \pm 105/90$ گرم بود. بین میانگین وزن قلب و جنس ($348/66 \pm 107/25$ گرم در مردها و $270 \pm 79/62$ گرم در زنان، $P=0/001$) و میانگین وزن قلب و سن ($286/94 \pm 101/38$ گرم در کمتر از ۳۰ سال و $348/46 \pm 107/52$ در بالای ۶۰ سال، $P=0/001$) ارتباط معنی داری مشاهده شد. همچنین قلب بیماران قلبی نسبت به بیماران غیر قلبی سنگین تر بود. ($P=0/001$)

نتیجه گیری: با توجه به اینکه در مطالعه فوق شایعترین علت مرگ های ارجاعی جهت تعیین علت فوت، متعاقب مسمومیتها و سپس بیماری های قلبی بوده و در میان بیماری های قلبی نیز بیشترین سهم را بیماری های عروق کرونر (IHD) داشت.

واژه های کلیدی: کالبدگشایی، آسیب شناسی، بیماری عروق کرونر، علت فوت، بیماری های قلبی

* پزشک عمومی، پزشک معاینات اداره کل پزشکی قانونی خراسان جنوبی raz.ahmadi55@yahoo.com

بررسی سلول های خونی در پیش آگهی بیماران سندروم حاد کرونری و انفارکتوس میوکارد

غلامرضا عنانی سراب^{*}، امیر رحمانیان شریف آباد، داوود نیک سیرت، محبوبه مراد علیزاده، محسن حسن آبادی

زمینه و هدف: بیماری های قلبی و عروقی از عوامل مقدم مرگ و میر در سطح جهانی هستند. شواهد در حال افزایشی از نقش التهابات خفیف در پیشبرد بیماری های آترواسکلروتیک عروق وجود دارد. در این بین نقش گلبول های سفید به عنوان یک عامل التهابی در ناپایدار کردن پلاک آترواسکلروتیک عروق و بدنبال آن پلاکت ها در ایجاد لخته دارای قابلیت انسداد عروق دارای اهمیت محوری است. از نظر هموستاتیک افزایش تعداد گلبول های سفید و پلاکت های بزرگتر به دلیل فعالیت بیشتر از عوامل خطر ایجاد لخته در عروق قلب و ایجاد انفارکتوس می باشند. در این مطالعه شمارش WBC و فاکتورهای پلاکتی شامل تعداد، حجم متوسط پلاکتی و PDW در پیش آگهی بیماران با سندروم حاد کرونری مورد مطالعه قرار گرفته است.

روش تحقیق: تعداد ۱۲۹ بیمار مراجعه کننده به پزشک متخصص قلب براساس تشخیص مسجل شده به سه گروه ۱- آنژین ناپایدار (Unstable) ۲- دارای قطعه بالا رونده ST (STEMI) و ۳- فاقد قطعه بالا رونده ST (NSTEMI) تقسیم شدند. در کنار گروه های مورد نظر تعداد ۳۸ نفر، افراد سالمی که سابقه بیمار قلبی نداشته و جهت بررسی روتین مراجعه کرده بودند نیز بعنوان گروه کنترل در نظر گرفته شدند. تجزیه و تحلیل آماری داده های جمع آوری شده از طریق تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA)، آزمون توکی و ضریب همبستگی با استفاده از نرم افزار SPSS در سطح معنی داری $P < 0.05$ انجام شد.

یافته ها: میانگین تعداد گلبول های سفید در گروه های NSTEMI و STEMI به صورت معنی داری نسبت به گروه کنترل بالاتر بود (به ترتیب 9586 ± 3698 و 10743 ± 7622 در مقابل 6511 ± 1548 میکرولیتر)، ولی تفاوت معنی داری در مقادیر MPV گروه های بیمار با کنترل مشاهده نشد. در بین مارکهای بیوشیمیایی سرم نیز غلظت گلوکز در سطح کاملاً معنی داری ($P < 0.01$) در گروه های بیمار بالاتر بود (به ترتیب در گروه های NSTEMI، STEMI، Unstable 145 ± 83 ، 158 ± 67 ، 143 ± 79 در مقابل 97 ± 17 میلی گرم در دسی لیتر).

نتیجه گیری: افزایش گلبول های سفید نشان دهنده نقش مهم این سلول ها در روندهای التهابی مرتبط با بیماری های آترواسکلروتیک عروق است. سطح بالای گلوکز سرمی و تعداد کلی WBC ها از جمله مارکرهای قابل اندازه گیری در آزمایشات معمولی هستند که می توانند در پیش آگهی حملات قلبی نیز مورد استفاده قرار گیرند.

واژه های کلیدی: آترواسکلروز، WBC، پلاکت

* دکترای ایمونولوژی و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند mmd643@bums.ac.ir

بررسی پلی مورفیسم $12308 A > G \text{ tRNA}^{\text{Leu}} (\text{CUN})$ در بیماران ایرانی مبتلا به بیماری عروق کرونر (CAD)

محمد مهدی حیدری، مهری خاتمی، سید خلیل فروزان‌نیا، فاطمه صدیقی*

زمینه و هدف: آترواسکلروزیس، عامل عمده بیماری قلبی عروقی، بیماری است که بر عروق با اندازه بزرگ و متوسط درون بدن اثر می‌گذارد. جهش‌های سوماتیکی ژنوم میتوکندریایی انسان می‌تواند عامل احتمالی آترواسکلروزیس باشد. ژن‌های RNA انتقال‌دهنده (tRNA) میتوکندریایی اجزا ضروری بیوسنتز پروتئین هستند. در اختلالات قلبی، این ژن‌ها نقاط داغ برای جهش هستند. هدف از مطالعه اخیر تعیین ارتباط احتمالی بین پلی مورفیسم $12308 A > G \text{ tRNA}^{\text{Leu}} (\text{CUN})$ و ابتلا به آترواسکلروزیس در بیماران ایرانی بود.

روش تحقیق: ۶۰ نمونه خون محیطی بیماران با بیماری عروق کرونر و ۶۰ نمونه خون محیطی افراد کنترل طبیعی که از طریق آنژیوگرافی کرونری مشخص شده بود، جمع‌آوری گردید. DNA از لئوسیت‌های خون محیطی استخراج شد و قطعه‌ای به طول ۱۴۴ جفت باز که دربرگیرنده محل جهش $\text{tRNA}^{\text{Leu}} (\text{CUN})$ بود، توسط mispairing PCR تکثیر شد. سپس غربالگری جهش $A12308G$ با روش PCR-RFLP انجام شد.

یافته‌ها: پلی مورفیسم $A > G$ ۱۲۳۰۸ در ۱۴ بیمار و ۹ کنترل طبیعی یافت شد. اختلاف بین گروه‌های بیمار و طبیعی با استفاده از تست احتمال دقیق فیشر محاسبه شد.

نتیجه‌گیری: ارتباط آماری مشخصی بین میزان شیوع پلی مورفیسم $A > G$ ۱۲۳۰۸ و آترواسکلروزیس مشاهده نشد ($P=0.225$). به منظور تخمین قابل اطمینان نقش آنها، مطالعات بر روی گروه‌های بزرگتری نسبت به گروه‌های کنترل لازم است.

واژه‌های کلیدی: آترواسکلروزیس، DNA میتوکندریایی، tRNA، پلی مورفیسم، PCR-RFLP

* دانشجوی گروه زیست‌شناسی دانشکده علوم، دانشگاه یزد. sediqi_1986@yahoo.com

بررسی میزان مراقبت های بهداشتی بیماران با فشارخون بالا

در مراکز بهداشتی و درمانی روستایی بیرجند

محمد صدیق فاروقی بجد^{*}، محمد حسن ایزدخواه، تکتّم شفيعی

زمینه و هدف: فشار خون بالا یکی از بیماری های شایع و مهم قلب و عروق است که تعداد زیادی در دنیا به آن مبتلا هستند و در ایران نیز حدود ۲۰٪ جمعیت بالغین دارای فشار خون بالا می باشند و سالانه تعداد زیادی از آن ها دچار عوارض کلیوی، قلبی و مغزی ناشی از فشار خون بالا شده و یا جان خود را از دست می دهند. به منظور پیشگیری و کنترل بیماری فشارخون و عوارض ناشی از آن، از سال ۱۳۸۱ کنترل و مراقبت بیماری در برنامه های مراکز بهداشتی و درمانی روستایی و خانه های بهداشت ادغام گردید. هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان تأثیر مراقبت های بهداشتی بیماران با فشارخون بالا در مراکز بهداشتی و درمانی روستایی بیرجند بر عوارض ناشی از آن در طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ می باشد.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی - تحلیلی به بررسی فرمهای ارسالی به مرکز بهداشت شهرستان بیرجند در طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ در رابطه با وضعیت کنترل فشار خون بالا پرداخته شد. بیماران فشار خونی هر ماه طبق دستورالعمل توسط بهورز مراقبت شده و هر سه ماه توسط پزشک ویزیت و نتیجه آن در پرونده ی بیمار ثبت گردید. در پایان هر سه ماه بهورز نتیجه اقدامات انجام شده را طی یک فرم به مرکز بهداشتی درمانی ارسال کرد و مرکز بهداشتی درمانی جمع آن را به مرکز بهداشت شهرستان ارسال کرد. مرکز بهداشت شهرستان جمع داده های مراکز را به مرکز بهداشت استان و جمع استان به وزارت بهداشت ارسال گردید. نتایج وارد نرم افزار SPSS گردید و با استفاده از تستهای آماری آنالیز در سطح $\alpha \geq 0.05$ انجام شد.

یافته ها: در طی این ۳ سال، ۲۵۸۸۹ نفر مراقبت شدند که بیشترین افراد در گروه سنی، ۳۰ تا ۳۹ سال (۳۳/۶٪)، ۶۱/۹٪ زن بودند. در طی این ۳ سال ۵۷۹ مورد فشارخون بالای جدید مشاهده شد، که ۳۷۵ نفر (۶۴/۷٪) زن بودند. با افزایش سن، شیوع هیپرتانسیون افزایش نشان می دهد. بطوری که ۴/۱۹٪ افراد سنین ۳۰-۳۹ ساله و ۷۳/۳۹٪ افراد بالای سن ۷۰ سال هیپرتانسیون داشتند ($p < 0.001$). ۹۷٪ توسط بهورز و ۷۵/۰۶٪ توسط پزشک عمومی مراقبت شدند. تعداد بیماران مبتلا به عوارض قلبی ۲۸۰ نفر، عوارض چشمی ۷۳، عوارض مغزی ۳۹ و مشکلات کلیوی ۹ نفر بود.

نتیجه گیری: مراقبت بهداشتی بیماران مبتلا به فشارخون بالا توسط بهورز در استان خراسان جنوبی مناسب می باشد. لازم است، مراقبت توسط پزشک عمومی افزایش یابد. شایعترین عوارض بیماران عوارض قلبی است که مطالعات وسیع تر در رابطه با نوع هر عارضه، فاکتورهای مرتبط با آن انجام تا در صورت امکان اقدامات پیشگیرانه در این زمینه انجام شود.

واژه های کلیدی: مراقبت، بهورز، پزشک، عوارض، فشارخون بالا

* پزشک عمومی، مسئول واحد پیشگیری و مبارزه با بیماریهای مرکز بهداشت بیرجند

اداره بیهوشی در بیماران ایسکمیک تحت جراحی غیر قلبی: یک مطالعه مرور ساختار یافته

طاهره خزاعی^{*}، امیر ادهمی، حمیده احتشام

زمینه و هدف: ثبات همودینامیکی در حین جراحی بیماران ایسکمیک قلبی رابطه نزدیکی با پیش آگهی بیمار دارد. روشهای مورد استفاده در بیهوشی حین عمل باید امکان تعدیل پاسخهای سیستم عصبی سمپاتیک و کنترل شدید متغیرهای همودینامیک را فراهم کنند. تلاش اصلی در حین القای بیهوشی و در طول بیهوشی بیماران با IHD، پیشگیری از وقوع ایسکمی میوکارد است.

روش تحقیق: این مقاله نوعی مطالعه مروری سیستماتیک است که جمع آوری اطلاعات از طریق جستجو در پایگاههای اطلاعاتی Iranmedex - SID - Google scholar - pub med به زبان انگلیسی و فارسی و بدون محدودیت زمان و با استفاده از کلمات کلیدی Ischemia - heart disease - management anesthesia صورت گرفت. تعداد ۹۸۲ مقاله کارآزمایی بالینی و مرور سیستماتیک پیدا شد که از این تعداد ۱۲۰ مقاله که شرایط ورود به مطالعه (تأثیر دارو یا پدیده بر روی همودینامیک بیماران ایسکمیک قلبی را بررسی کرده بودند) را داشتند، انتخاب و در نهایت اطلاعات ۴۸ مقاله که ضریب توافق آنها بالای ۸۰٪ بود، استخراج گردید.

یافته ها: در ۱۲ مقاله کارآزمایی بالینی تأثیر داروهای خواب‌آور و مخدر و شل‌کننده و گازهای بیهوشی متفاوتی با فرآیندهایی مثل ساکشن و اسپیرومتری تحریکی، پیش داروی بیهوشی در بیماران کلاس III و A.S.A IV در گروه های ۳۵-۵۰ نفره بررسی و همودینامیک بیماران کنترل گردید، که رژیم های مختلف بیهوشی تأثیرات متفاوتی بر همودینامیک بیماران در حین عمل داشته است.

نتیجه گیری: کنترل و نگهداری بیماران ایسکمیک قلبی در حین بیهوشی امری مشکل و استرس زا است و عوامل مختلفی مثل: نوع داروها، جایگزینی مناسب مایعات وریدی، طول مدت جراحی، پیش داروی قبل از عمل نوع گازهای بیهوشی مورد استفاده، مدت زمان نیاز به ساکشن در ثبات همودینامیک بیماران موثر است و با توجه به تجربه آنستزیست، امکانات موجود پیچیدگی عمل جراحی و شرایط بیمار می بایست بهترین راهکار انتخاب گردد.

واژه های کلیدی: اداره بیهوشی، بیماران ایسکمی، جراحی غیر قلبی

* کارشناس ارشد بیهوشی، مربی عضو هیأت علمی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

تعیین دقت تشخیصی رادیوگرافی قفسه صدري در تشخیص نارسایی قلبی

در بیماران مبتلا به دیسپنه مراجعه کننده به اورژانس

حمید رضا مشرقی مقدم، مهیار محمدی فرد^{*}، علیرضا میرغلامی، قدرت الله ناصح، غلامرضا شریف زاده، سید محمود حسینی،

محبوبه زنگویی، سید حسن گلبویی موسوی، آتنا آقا کشمیری، زهرا زندی

زمینه و هدف: نارسایی قلبی یک مشکل در حال گسترش در سراسر جهان است و بیش از ۲۰ میلیون نفر را گرفتار کرده است و شیوع آن رو به افزایش است، شامل مجموعه ای از علائم (تنگی نفس، خستگی) و نشانه ها (ادم، رال) است که به بستری شدن مکرر در بیمارستان می انجامد و منجر به کاهش کیفیت زندگی و امید به زندگی می شود. استاندارد طلایی تشخیص نارسایی قلبی، اکوکاردیوگرافی است و در بیمارانی که به اورژانس مراجعه می کنند، تهیه رادیوگرافی قفسه صدري جزو اولین اقدامات تشخیصی می باشد. در این مطالعه در صدد تعیین دقت تشخیصی رادیوگرافی قفسه صدري در تشخیص نارسایی قلبی در بیماران مبتلا به دیسپنه مراجعه کننده به اورژانس برآمدیم.

روش تحقیق: در این مطالعه ۱۲۵ بیمار مبتلا به دیسپنه که به اورژانس مراجعه کرده بودند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. رادیوگرافی قفسه صدري (CXR) و اکوکاردیوگرافی برایشان انجام شد. CXR از نظر دارا بودن مارکرهای رادیوگرافیک نارسایی قلبی شامل pri bronchil cuffing, septal line, hilus change, azygos vein width, CTR, right descending pulmonary artery width, carina angle, vascular pedicle width, lung opacities، پلورال افیوژن راست و چپ و توزیع عروق خونی توسط یک رادیولوژیست که از تشخیص اکوکاردیوگرافی اطلاعی ندارد، گزارش شد. حساسیت هر یک از این مارکرها تعیین شده و در نهایت مارکر تشخیصی جدیدی از تلفیق ۳ مارکر که بالاترین حساسیت را داشتند، جهت تشخیص نارسایی قلبی ایجاد شد.

یافته ها: در این مطالعه بیشترین حساسیت تشخیصی را carina angle و کمترین حساسیت تشخیصی را Azygos vein width دارا بودند، به ترتیب ۵/۸۶٪ و ۱۳٪ می باشد. مارکر تشخیصی جدیدی در این مطالعه، از تلفیق ۳ مارکر CTR, Hilus change, carina angle که دارای بالاترین حساسیت بودند، بدست آمد. این مارکر تشخیصی جدید دارای حساسیت ۵/۷۸٪ و ویژگی ۲/۵۲٪ می باشد.

نتیجه گیری: بر اساس مطالعه انجام شده و نتایج بدست آمده، می توان چنین نتیجه گرفت که رادیوگرافی قفسه صدري در تشخیص نارسایی قلبی به عنوان علت دیسپنه در بیماران مراجعه کننده به اورژانس مفید خواهد بود.

واژه های کلیدی: رادیوگرافی قفسه صدري، نارسایی قلبی، دیسپنه، دقت تشخیصی

* رادیولوژیست، استادیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند mahyar.mohammadifard@yahoo.com

بررسی رابطه پر فشاری خون در حاملگی و وزن هنگام تولد نوزادان

ناهید قنبرزاده^{*}، محمد نجفی سمنانی، علی نجفی سمنانی، فاطمه نجفی سمنانی

زمینه و هدف: پرفشاری خون در حاملگی از مهمترین علل مرگ مادران و نوزادان و وزن کم هنگام تولد محسوب می شود. این مطالعه با هدف ارزیابی ارتباط بین پر فشاری خون در حاملگی و وزن نوزادان هنگام تولد طراحی شده است.

روش تحقیق: در این مطالعه‌ی تحلیلی- توصیفی که به روش Case-Control طراحی شده است، ۱۶۴ مادر که به زایشگاه بیمارستان ولی عصر(ع) مراجعه نمودند، وارد شدند. ۸۲ مادر مبتلا به فشار خون (بر اساس ۴ معیار تعریف شده‌ی فشار خون بالا) به عنوان مورد و ۸۲ مادر نیز به عنوان شاهد در نظر گرفته شدند. بیماران هر دو گروه پرسشنامه‌ای شامل اطلاعات دموگرافیک مادر و نوزاد، دفعات حاملگی و روش پایان حاملگی را تکمیل نمودند. داده های جمع آوری شده به وسیله‌ی نرم افزار SPSS و تست های T, Chi, Exact Fissure و Mantel-Haenszel آنالیز شدند.

یافته ها: تفاوت معنی داری بین دو گروه از نظر شغل، سطح تحصیلات، محل سکونت و جنسیت نوزاد دیده نشد. فراوانی سزارین، وزن کم هنگام تولد و نارس بودن نوزاد در دو گروه تفاوت معنی داری داشت (به ترتیب $p<0.001$, $p<0.05$, $p<0.001$). با وجود حذف اثر مخدوش کنندگی نارس بودن نوزاد بر وزن کم هنگام تولد، فراوانی وزن کم هنگام تولد در گروه مورد به شکل معنی داری بیشتر از گروه شاهد بود. ($P<0.05$)

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشانگر وجود رابطه‌ی معنی داری میان پر فشاری خون در حاملگی و وزن کم نوزاد هنگام تولد و فراوانی سزارین می باشد. همچنین مطالعه‌ی ما نتوانست ارتباط معنی داری میان فشار خون حاصل از حاملگی و جنسیت نوزاد را نشان دهد.

واژه های کلیدی: حاملگی، پر فشاری خون، وزن هنگام تولد

بررسی وضعیت دارودرمانی در بیماران انفارکتوس حاد قلبی

در بیمارستان ولیعصر (عج) بیرجند ۱۳۸۹-۱۳۹۰

فاطمه کبری شفیعی*، تکتیم شفیعی، سید علی ذوالفقاری

زمینه و هدف: باتوجه به شیوع بالای انفارکتوس حاد قلبی، درمانهای فازحادوداخل بیمارستانی این بیماران نقش مهمی در جلوگیری از عوارض بیماری دارد. لذا هدف از مطالعه حاضر بررسی وضعیت درمانهای انجام شده در بیماران با انفارکتوس حاد قلبی در بیمارستان ولی عصر بیرجند بود.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹ در بیمارستان ولی عصر بیرجند انجام شد. تمام بیمارانی که در طی این مدت باتشخیص انفارکتوس حاد قلبی بستری شده بودند وارد مطالعه شدند. پرسشنامه ای شامل اطلاعات دموگرافیک، وضعیت فاکتورهای خطر قلبی و درمانهای انجام شده تکمیل گردید.

یافته‌ها: این مطالعه بر روی ۴۷۶ بیمار با میانگین سنی 53 ± 13 سال انجام شد. ۷۲/۵٪ بیماران مرد بودند. شایعترین فاکتور خطر در بیماران هیپرتانسیون (۳۷/۲٪) بود. ۳۳/۲٪ بیماران ترومبولیتیک دریافت کردند. آسپرین در ۹۳/۱٪ بیماران، پلاویکس و اسویکس در ۷۵/۸٪ بیماران تجویز شده بود. مورتالیتی داخل بیمارستانی در مطالعه ما ۷/۶٪ بود. بین مصرف داروها، مورتالیتی داخل بیمارستانی و نارسایی قلبی ارتباط معناداری مشاهده شد.

نتیجه گیری: درمانهای دارویی انجام شده در بیماران با انفارکتوس حاد قلبی در حد قابل قبولی می باشد، بجز انجام بالون کرونر که امکانات آن هنوز فراهم نمی باشد.

واژه های کلیدی: انفارکتوس حاد قلبی، ترومبولیتیک تراپی، مورتالیتی داخل بیمارستانی، نارسایی قلبی

سهم آترواسکلروز در مرگ و میر سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ استان خراسان جنوبی

غلامرضا شریف زاده*، طبوبی کاظمی، سودابه کفایی

زمینه و هدف: آترواسکلروز شایعترین علت مرگ در بیشتر کشورهای جهان و مهمترین عامل از کارافتادگی است. بیماریهای قلبی عروقی با شروع قرن بیستم کمتر از ۱۰٪ مرگها را در جهان شامل می شد، ولی در پایان قرن بیستم در کشورهای در حال توسعه نیافته نزدیک به ۵۰٪ و در کشورهای در حال توسعه ۲۵٪ از مرگها را تشکیل می دهد و تا سال ۲۰۲۰ تقریباً منجر به مرگ ۲۵ میلیون نفر در جهان می شود و به عنوان مهمترین عامل مرگ خواهد بود. بنا بر اهمیت این بیماریها این مطالعه با هدف تعیین سهم بیماریهای قلبی عروقی در مرگ و میر سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ استان خراسان جنوبی طراحی گردیده است.

روش تحقیق: این مطالعه بصورت یک مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی کلیه متوفیان سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ استان خراسان جنوبی که بر اساس نظام ثبت مرگ و میر جمع آوری گردیده، صورت گرفته است. کلیه موارد فوت از سطح خانه های بهداشت، مراکز بهداشتی درمانی، بیمارستانها، پزشک قانونی و گورستانها بر اساس پرسشنامه کشوری جمع آوری و علت فوت نیز بر اساس کدهای ICD-10 طبقه بندی گردید. پس از جمع آوری داده ها موارد فوتی که از بیش از یک منبع گزارش گردیده بود، حذف گردید و داده ها در نرم افزار SPSS وارد و آنالیز گردید.

یافته ها: این مطالعه بر روی ۱۸۸۹۷ مورد مرگ جمع آوری شده در نظام ثبت مرگ و میر صورت گرفت. که از این تعداد ۵۶۲۷ نفر (۲۹/۸٪) علت بیماریهای قلبی عروقی فوت نموده بودند که بعنوان اولین عامل مرگ و میر در بین ۲۱ علت اصلی فوت ICD-10 تعیین گردید. در گروه سنی ۴۵-۶۴ سال ۳۶/۸٪ موارد فوت و در گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر ۴۲/۱٪ موارد فوت بدلیل بیماریهای قلبی عروقی اتفاق افتاده بود. میانگین سن در هنگام فوت ۷۲/۶ با انحراف معیار ۱۵/۶ سال برآورد و تفاوت معنی داری نیز بین میانگین سن هنگام فوت و جنس در این گروه مشاهده نگردید ($P=0/66$).

نتیجه گیری: با توجه به آمار و ارقام موجود و مطالعات صورت گرفته در ایران بیماریهای قلبی عروقی بعنوان اولین علت مرگ و میر در سطح کشور مطرح می باشد و نتایج حاصل از این مطالعه نیز با الگوی کشوری و الگوی سایر استانها همخوانی دارد. اما با توجه به اینکه بیماریهای قلبی عروقی قابل پیشگیری ترین بیماریهای غیر قابل انتقال (مزمن) انسان به شمار می روند و این بیماریها علی رغم قابل پیشگیری بودن، بعنوان اولین علت فوت مطرح می باشند، بایستی توجه بیشتری به انجام اقدامات پیشگیرانه و ارائه طرحهای کنترل ریسک فاکتورهای بیماریهای قلبی عروقی نمود.

واژه های کلیدی: آترواسکلروز، علت فوت، بیماریهای قلبی عروقی

* عضو هیات علمی اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند